

فرهنگ اصطلاحات

ساز قاری شکاری روزنامه

تالیف :
مسعود پیرزین

۵۰۰ ریال



انتشارات بجهت

تهران - خیابان ولیعصر، پلاک ۱۷۶، پ. م. ۱۴۱۷۶

فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری فارسی

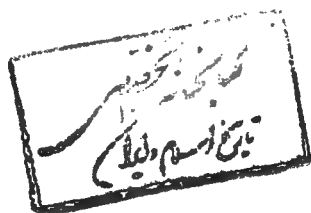
تألیف: مسعود رزین

روشتها

۳

۵

۱۷



فرهنگ
اصطلاحات روزنامه‌نگاری
فارسی

تألیف: مسعود برزین

فرهنگ
اصطلاحات روزنامه‌نگاری فارسی

تألیف: مسعود برزین

چاپ اول: ۱۳۶۶ ه. ش. - تهران

چاپ و صحافی: شرکت افست «سهامی عام» (چاپخانه ۱۷ شهریور)

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است

انتشارات بهجت، تهران - خیابان ولی‌عصر
دو راهی یوسف‌آباد - تلفن ۶۲۱۱۷۶



فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۵	پیشگفتار
۱۱	حرف الف
۲۵	حرف ب
۳۲	حرف پ
۳۹	حرف ت
۵۰	حرف ث
۵۱	حرف ج
۵۴	حرف چ
۶۰	حرف ح
۶۷	حرف خ
۷۳	حرف د
۷۷	حرف ر
۸۵	حرف ز
۸۷	حرف ژ
۸۸	حرف س
۹۸	حرف ش
۱۰۲	حرف ص
۱۰۶	حرف ض

صفحه	عنوان
۱۰۷	حرف ط
۱۰۹	حرف ع
۱۱۱	حرف غ
۱۱۳	حرف ف
۱۱۷	حرف ق
۱۱۹	حرف ك
۱۲۵	حرف گت
۱۳۰	حرف ل
۱۳۴	حرف م
۱۴۶	حرف ن
۱۵۱	حرف و
۱۵۳	حرف ه
۱۵۵	حرف ی
۱۵۷	برخی از اسم‌ها و واژه‌های غیر فارسی متداول در روزنامه‌نگاری فارسی

پیشگفتار

چندی پیش رساله‌ای نو شتم زیر عنوان «تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی» که به این عبارت شروع می‌شد:

«اگر عدد ۱۳ و «دخالت قوای دیگر در امر مطبوعات» را نحسی به حساب آوریم می‌بینیم که مطبوعات در ایران با اولی شروع شد و با دومی قرین گشت. و چون مسئله سانسور را از زمانی که روزنامه هنوز در گهواره بود به آن اضافه کنیم، مصیبت بزرگی را که در طول يك قرن و نیم دامنگیر مطبوعات و نویسندگان آن بوده است به راحت درك می‌کنیم.

عدد سیزده به این سبب آورده شد که نخستین روزنامه ایرانی، و نه اولین روزنامه فارسی، اوائل سده سیزدهم شمسی پا به عرصه وجود گذارد. و عامل دوم یعنی «دخالت قوای دیگر» از این رو که چون روزنامه‌های اولیه در این کشور به خواست و به دست دولتیان خود نمائی کرد، تصور لزوم نظارت دولت بر کار مدیران و نویسندگان، رفته رفته و نسل به نسل، شکل ضرورت به خود گرفت. نخستین سانسور هم اتفاقاً به امر پادشاه

وقت «لزوم» مزبور را دوچندان قوت بخشید.^۱

اکنون که این فرهنگ آماده چاپ گشته می‌بینیم برآن سه نحس یکی دیگر باید افزود. چرا که نخستین عنوان از نخستین حرف الفباء فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری فارسی با «آب خنك» بمفهوم مطبوعاتی بازداشت و زندانی شدن نویسنده در زندان قصر واقع در تهران آغاز می‌شود. با تجربه‌ای که از این زندان دارم خنك بودن آبش را تأیید می‌کنم. اگرچه سالهاست آب آن لوله‌کشی و جریان مداوم و لاینقطع باعث خنکی‌اش است، ولی در گذشته دور لابد آب‌چشمه و یا قناتی که از آن می‌گذشته خنك بوده است: بخصوص که آن زمان، این زندان، خارج از شهر قرار داشته و هوای آن هم خنك‌تر از پایتخت.

تا سال ۱۳۵۶ می و پنج سال در مطبوعات خودمان می‌پلکیدم. بیست سال در متن و پانزده سال در حاشیه. سالهای اول، چه روزهای گرم و سردی که به‌دنبال خبر با دوچرخه عزیمت اینسوی و آنسوی می‌رفتم. به یک نان و پنیر و هندوانه و یا يك كاسه آش داغ برای ناهار در کوچه بسنده می‌کردم و ادامه می‌دادم. و چه شب‌ها که کنار ماشین چاپ، صدای یکنواخت آنرا لالائی پنداشته، از ساعت يك همانجا چرت می‌زدم و ساعت پنج که ماشین می‌ایستاد ازجا می‌پریدم: چاپ روزنامه تمام شده بود. تازه به‌خانه می‌رفتم که بخوابم و ساعت نه صبح دوباره سر کار باشم.

هم «آقا برو عقب»‌های پاسبان‌ها در جایی که اتفاقی روی داده و یا مراسمی برپا بود، دنیائی داشت: و هم بوی سرب و پرک نخ‌های چرک و بهم تاب‌خورده قاب‌دستمال که روی میز حروفچینی لم داده بود، عالمی. هم تلفن «شخصیت»‌ها به‌ایراد که چرا خبر مربوط به‌من را بعد از خبر فلانکس گفته‌ارده‌ای، تحیرآور می‌نمود: و هم س. ج.‌های ساموران سانسور، رعب‌انگیز.

۱- این رساله در دو قسمت در مجله «آینده» چاپ تهران درج گردیده است. قسمت اول در شماره ۴ و ۵ از سال دهم مورخ تیر و مرداد ۱۳۶۳ و قسمت دوم در شماره ۸ و ۹ مورخ آبان و آذر همان سال.

با تمام این احوال، سالهائی بود، چون خود مطبوعات، پسر هیجان. دنیائی تحرک یافته از انگیزه که هر لحظه‌اش ارزش دارد و هر کوشش و خبریابی‌اش، شوق‌آور است.

از حدود سال ۱۳۲۲ بفکر ایجاد يك آرشیو مطبوعات افتادم و به تهیه فیش پرداختم که نتیجه آن در طول چهاردهه، داشتن آرشیوی است با حدود هشت هزار فیش و آنچه در این فرهنگ از نظرستان می‌گذرد، گرفته شده از آن مجموعه است.

به کلامی دیگر از آن دنیای کار و دوندگی مطبوعاتی واژه‌ها، عنوان‌ها و اصطلاحات را مثل مبلغی که از حقوق ماهانه کارمند برای دوران بازنشستگی‌اش کنار می‌گذارند، يك به يك یادداشت کرده و به بالا رف انداختم تا روزی به کار آید. به قول آشپزها، از نخود و لوبیا و ادویه‌ای که بمرور جمع کرده‌ام آشی بدست آمده که تقدیم می‌شود. ممکنست به دهان کسی شور آید و بمذاق دیگری ترش. یکی آنرا بی‌نمک داند و دیگری بی‌مزه. مؤلف نیز این فرهنگ را با این تصور که بدون عیب و نقص است عرضه نمی‌دارم. بلکه به عنوان پیش‌نویسی: تا در آینده بزرگترها و دانشمندان به رفع ایراداتش پردازند.

با تهیه این جنگ کاری خارق‌العاده و یا اختراعی بدیع نکرده‌ام. بلکه آنچه را وجود داشته، طی سی و پنج سال، فقط گرد آورده و به تنظیمش پرداخته‌ام: تا شاید طرف استفاده علاقمندان رشته روزنامه‌نگاری و دست اندرکاران واقع شود.

با توجه به این نکته که هر رشته و فنی باید لغتنامه خود را داشته باشد مؤلف نیز اگر اشتباه نکنم، برای اولین بار به این امر در رشته روزنامه‌نگاری و مطبوعات فارسی مبادرت ورزیده‌ام. امید آنکه به قول نوآموزان دبستانی زیاد «غلط» نداشته باشم و از آنهایی که به کار واردند و حب و بغضی هم ندارند، نمره قبولی بگیرم. «اولین»‌ها همیشه ناکامل‌اند.

پیش از پایان پیشگفتار یادآوری چند نکته لازم است. از آنجا که این فرهنگ با حدود هفتصد عنوان بیشتر طرف مراجعه دست اندرکاران روزنامه‌نگاری و مطالعه دانشجویانی قرار می‌گیرد که

باین راه گام می‌نهند در بعضی از عناوین ممکن و لازم، بقصد افزایش اطلاعاتشان نسبت به گذشته، اشاره‌ای کوتاه به تاریخچه امر رفته است. برای آنهایی هم که بخواهند از گوشه‌هایی از تاریخ روزنامه‌نگاری فارسی آگاه گردند، این نکات دانستنی و جالب به‌شمار می‌رود: نکاتی که اکثراً تا کنون در جایی ثبت و ضبط نشده و مؤلف جمع‌آوری آنها را بخت خود می‌پندارد.

تعداد قابل ملاحظه‌ای از این اصطلاحات و عناوین، در مکالمه‌ی روزمره، معانی کلی و عمومی خود را دارند، که در این مجموعه به‌آن مفاهیم اشاره نشده بلکه فقط از دید و نظر روزنامه‌نگاری مطمح‌نظر می‌باشند. مثل «آب‌خوردن» که در اصطلاح مطبوعاتی مفهومی خاص دارد: حال آنکه ساده‌ترین معنی آن به‌دست گرفتن لیوان و نوشیدن آب باشد. بعلاوه تعدادی از عناوین بسبب گذشت زمان منسوخ‌گشته و دیگر به‌کار نرود. چون اندراج، بلوتریلوت، دارالطباعه و وقایع‌نگار. ولی، نه می‌شد، و نه باید، از نظر دور می‌مانند. از این‌رو آنها نیز برای ثبت و آگاهی تازه به‌میدان مطبوعات آمده‌ها، آمده است. اصطلاحات هم مانند لغات یک زبان با گذشت زمان، بتدریج می‌میرند و گروهی دیگر جانشین می‌شوند. علیهذا در تدوین این فرهنگ از نظر زمان، برای آنها دورانی منظور گردیده که با تولد روزنامه‌نگاری آغاز می‌شود و، با استثنائی جزئی، به سال ۱۳۵۶ پایان می‌پذیرد: تا ضمناً جای اصطلاحات و واژه‌های جدید و کاربرد آنها محفوظ ماند.

در صنعت چاپ، چون سایر صنایع وارداتی، لغات و اصطلاحاتی به‌همراه آمد و بزبان فارسی راه یافت. نظیر «بابوشکه» که روسی-الاصل است، یا پروپاگاندا که واژه‌ای فرانسوی. تعدادی از اینها، بخصوص واژه‌های روسی که قدیمی‌تر هستند، طی یک قرن و نیم اخیر از لحاظ تلفظ دستخوش تغییر گشته تا حدی که آنچه روسی می‌پنداریم و به‌روشی که تلفظ می‌کنیم در لغتنامه‌های روسی یافت نشود. مع‌الوصف به‌منظور حفظ اصالت و سابقه دو کلمه «واژه روسی» به‌دنبالشان آورده شده و گویش متداول امروزی برای راهنمایی به‌حروف لاتین ذکر گردیده است.

از این ردیف عناوین آنچه متعلق به يك یا دو زبان بیگانه است عیناً توجه داده شده (مثلاً. واژه فرانسوی. یا واژه انگلیسی / فرانسوی) اما آنچه در بیش از دو زبان معمول باشد با عبارت «واژه خارجی» نشان داده شده. در جمع، نزدیک به هفده درصد از عنوان‌ها خارجی است که اکثراً مربوط می‌شود به چاپ تا به فن روزنامه‌نگاری. و چون اصطلاحات و عنوان‌های صنعت چاپ و چاپخانه بنوبه خود فرهنگی جداگانه لازم دارد، در اینجا فقط به‌لفات و اصطلاحاتی بسنده شده که يك خبرنگار یا نویسنده قاعدتاً باید با آن آشنائی داشته باشد.

تاریخ‌های ذکر شده در متن شمسی است تا خواننده در درک زمان و روند مطالب گرفتار تفاوت‌های عددی چند تقویم مختلف نگردد و زحمت انطباق سالها را نداشته باشد. دهه‌های مورد اشاره، نظیر دهه ۲۰ یا دهه ۴۰ نیز مربوط به پنجاه و چند سال اول قرن چهاردهم شمسی (سال ۱۳۰۰ به بعد) می‌باشد.

طی بیست سال اخیر این سومین کتابی است که درباره مطبوعات ایران تقدیم می‌کنم، و اتفاقاً فاصله انتشار هر يك از دیگری نزدیک به ده سال می‌شود. نخستین این سه با عنوان «سیری در مطبوعات ایران» بسال ۱۳۴۴ انتشار یافت، دومین زیر عنوان «مطبوعات ایران ۵۳-۱۳۴۳» بسال ۱۳۵۳ این يك نیز اواخر سال ۱۳۶۳ آماده طبع گردید. مؤلف علاوه از این سه کتاب برای رساله‌ای تقریباً دوازده هزار کلمه‌ای هم که در اول این پیشگفتار به آن اشاره رفت و همچنین رساله‌ای دیگر زیر عنوان «مطبوعات غیر فارسی در ایران»^۲ اهمیت خاص قائل بوده و توجه خواننده را به آن‌ها جلب می‌کنم.

در پایان تقدیم می‌دارم. سپاسم را به استاد مسلم روزنامه‌نگاری جناب آقای احمد شهیدی، سردبیر اسبق روزنامه اطلاعات که در تصحیح اشتباهات و افزایش عناوین یاری بسیارم دادند. و همچنین

۲- قسمتی از این رساله با عنوان «مطبوعات فرانسوی زبان در ایران» در شماره شش و هفت از سال ۱۳۶۶ مجله آینده چاپ تهران آمده است.

به‌دوست ارجمندم آقای حمید افرهی، که بدون دانش و آگاهی
وسیعش در فن چاپ و امور چاپخانه، اصطلاحات مربوط نمی‌توانست
در حدی باشد که از نظرتان می‌گذرد.

مسعود برزین

٢

آب خنك اشاره‌ای غیر مستقیم باشد به زندان قصر در تهران. نویسنده‌ای را که بازداشت شده و در زندان به سر برد «در حال آب خنك خوردن» گویند (مدتی است که خبرنگار ما دارد آب خنك می‌خورد) ر. ك. دراز کردن.

آب خوردن خبر / مطلب قابل تأمل به سبب احتمال بستگی آن به موضوع و یا شخصی (این خبر از جانی آب می‌خورد) ر. ك. بودار.

آب‌دیده کاغذ / مقوای باران‌خورده و خراب را گویند. ر. ك. آواریه.

آبکی خبری سطحی و کم‌ریشه. مطلبی که تهیه‌کننده خواسته فقط چیزی به عنوان خبر به چاپ رسد، یا آنکه در تهیه نکات و جزئیات کوتاهی ورزیده باشد.

آب و آتش اصطلاحی که برای تجسم کوشش بسیار به کار رود. خبرنگاری که برای تهیه يك خبر خود را به مخاطره اندازد خویشتن را «به آب و آتش زده است».

آبونمان^۱ (واژه فرانسوی) عمل مشترك شدن نشریه را گویند. مبلغی که در مقابل دریافت مرتب نشریه توسط موزع و یا پست به دفتر روزنامه پرداخت گردد. این واژه و همچنین آبونه به این سبب ذکر شود که از جمله کلمات و اصطلاحات خارجی است که با شروع فن روزنامه‌نگاری در ایران متداول گردید و هنوز هم مورد استفاده است. ر. ک. اشتراك.

آبونه^۲ (واژه فرانسوی) ر. ک. اشتراك.

آجان واژه عامیانه برای پلیس، پاسبان و آژان. در نشریات فکاهی به کار گرفته شود. ر. ک. آژان.

آچار کلید از ابزار چاپخانه. وسیله‌ای فلزی برای سفت کردن زبانه چفت رانگا. قسمت پائین آن، در محفظه چفت، چهارگوش است. ر. ک. چفت.

آرایش صفحه تنظیم مطالب، عناوین و تصاویر با توجه به اصول فنی و هنری تا صفحه نشریه هم زیبا به چشم آید و هم تقدم و تاخر مطالب در لحظه اول دید احساس شود. انتخاب و تنظیم و ترتیب مفرد و توأم حروف و تصاویر در صفحه. آرایش نخستین صفحه روزنامه عامل بزرگت فروش و جلب مشتری باشد. اهمیت بسیار دارد. در انگلیسی آن را «لی آؤت»^۳ و در زبان فرانسه «میزانپاژ»^۴ گویند. توجه لازم به آرایش صفحه از دهه ۲۰ رفته‌رفته بین مطبوعات ما به‌ویژه در تهران تعمیم یافت. آن را صفحه‌آرایی نیز گویند.

آرشیوه (واژه فرانسوی) واحدی در روزنامه / مجله را گویند که سوابق مسائل، حوادث، اخبار و تصاویر را حفظ کند.

1- Abonnement

2- Abonné

3- Layout

4- Mis-En-Page

5. Archives

تکیه‌گاه تشریه و مرکز مراجعه عاظم و مکرر نویسندگان باشد. مطالب چاپ شده برحسب موضوع و به ترتیب حروف الفباء بریده شده و در پرونده‌های چندگانه نگه‌داری شود. عکس‌ها و تصاویر بر اساس قطع حفظ شده و دو گروه‌اند: یکی به قطع قراردادی (۴ × ۶) که آنها را عکس آرشیوی اصطلاح کرده‌اند و دیگری عکس‌های بزرگتر که غیر آرشیوی گویند و بهر حال در مورد افراد نباید از کسارت پستی‌بزرگتر باشد، مگر عکسهای گروهی که مشخصات پشت آنها نوشته شود. ورقه‌ای را که عکس به قطع قراردادی بر آن چسبانده شود کارت عکس نامند. نکاتی‌ها نیز برای سهولت دستیابی بر اساس طبقه‌بندی خود عکسها، شماره‌گذاری گردد. از انواع وسائل که در آرشیو حفظ شود یکی هم اسلاید است، و برحسب موضوع و تاریخ مرتب شود. اسلایدهای آرشیو معمولاً در جعبه‌های مضمّن شماره‌دار و یا در قفسه‌های بزرگ خودکار و کشویی نگه‌داری شود، و با فشار تکه اسلاید منظور يك يك و یا جمعی برحسب موضوع از آن خارج گردد.

آرم (واژه خارجی معمول در فارسی) علامت، طرح و یا نقشی را گویند که يك تشریه در جسم روش و خط کلی خود انتخاب کند و در هر شماره در محل معینی از صفحه اول و یا در صفحه آخر به چاپ رسد. مشخصات تشریه نیز چه بسا در زیر آن آید و سرلوحه را غنی سازد.

آژان^۶ (واژه فرانسوی) پاسبان. پلیس. در بعضی از نوشته‌ها اتفاقاً و در مطالب طعنه‌آمیز به کنایه «آژدان» عنوان شود. ر. ک. آجان.

آژانس^۷ (واژه فرانسوی) سازمان تهیه‌کننده و فرستنده خبر را در عالم مطبوعات گویند. ر. ک. خبرگزاری.

آستر صفحه سفید چسبانده شده به پشت جلد و روی داخلی پشت جلد کتاب را گویند. ر. ك. صحافی.

آگهی متنی که برای اطلاع خواننده از طرف يك فرد و یا مؤسسه‌ای در صفحات معمولی و یا محل ویژه‌ای در روزنامه / مجله به چاپ رسد، و در مقابل آن حق‌الدرج، طبق قانون، تمبر و یا مقررات داخلی نشریه پرداخت شود. نظیر آگهی تجارتي / تسلیت. بهای آگهی‌های دولتی تابع تعرفه وزارت دارائی است و بقیه توسط نشریه با توجه به صفحه و تعداد دفعات چاپ و رنگ تعیین گردد. معمولاً دو صفحه اول و آخر گران‌تر است. تا پیش از دهه ۲۰ واژه اعلان به جای آگهی به کار می‌رفت و آگهی حتماً شماره می‌داشت. ولی شماره‌گذاری به تدریج منسوخ شد. محل چاپ آگهی در روزنامه پراکنده است و در مجلات صفحات آخر و بطور کلی در نیمه دوم آنها. گاه آگهی‌های پر سود پشت‌جلد و یا پشت روی جلد مجله آید. عبارات و تصاویر آگهی، همانند مندرجات نشریه، تابع مقررات و قانون مطبوعات است. ر. ك. آگهی‌یاب، شماره آگهی، حق‌الدرج.

آگهی ثبتی نوعی آگهی دولتی و معمولاً مربوط به ثبت اراضی و املاك و شرکتهاست که از طرف يك وزارتخانه، اکثرأ کشور و یا دادگستری، طبق تعرفه بین مطبوعات هر استان تقسیم شود. پرداخت هزینه چاپ با فرد یا افراد ذینفع باشد. از نظر رسمیت کار متنی که در روزنامه رسمی کشور به چاپ رسد، در محافل و مراجع دولتی طرف استناد قرار گیرد و چاپ همان متن در روزنامه‌های معمولی جنبه آگاه‌کردن عموم را دارد. در شرایط موجود چاپ آگهی‌های ثبتی که آنرا دولتی و نوبتی هم عنوان کنند برای روزنامه‌های بزرگ و پر آگهی صرف ندارد.

آگهی‌یاب کسی که برای روزنامه / مجله از افراد و یا مؤسسات آگهی گیرد و در مقابل درصد معینی از قیمت آگهی را به عنوان حق‌الزحمه دریافت دارد. این عمل از منابع پر سود در کار

مطبوعات است. آگهی‌یاب يك فرد مطبوعاتی تلقی نشود. روزنامه‌ها و مجلات بزرگ سیستم کارآگهی خود را معمولاً به مؤسسات تبلیغاتی و کانون‌های آگهی کنترات دهند، ولی از فراهم کردن هیچگونه تسهیلی در پیشرفت کار آنها کوتاهی نورزند. ر. ك. آگهی، شماره آگهی، ویزیتور.

آنتریگه^۸ (واژه فرانسوی) به معنی فساد، فتنه، تحریک و برانگیختن. در مطبوعات دوران پیاخواهی برای مشروطیت و مسالهای بعد آن زیاد به کار گرفته می‌شد. در مجلات بیشتر درباره عاملی استعمال شود که اساس داستان را تشکیل دهد و باعث برانگیختن هیجان و رغبت در خواننده گردد.

آنکادره^۹ (واژه فرانسوی) ر. ك. کادر.

آنگلوفیل^{۱۰} (واژه خارجی) طرفدار سیاست و هوادار انگلیس را گویند. از اصطلاحاتی که به ویژه در دهه ۲۰ به دوران اشفال ایران از طرف نیروهای متفقین در مطبوعات به کار می‌رفت. در عین حال حربه‌ای بود برای تهمت زدن. عبارات مشابه ولی مخالف از نظر مفهوم از این قرار بود: روسوفیل (طرفدار شوروی) ژرمنوفیل (طرفدار آلمان) افرادی را هم که به غلط در جمع سیاستمداران برخورد بودند، لیاقتش را نداشتند و نمی‌توانستند اصلاً کلمه طرفی هستند به طعن و کنایه «چس فیل» می‌خواندند.

آواریه^{۱۱} (واژه فرانسوی) به معنی فاسد شده و خراب شده باشد. قسمتی از کاغذ که به سبب آبدیدن، چروک خوردن و یا پاره شدن قابل استفاده برای چاپ نباشد.

ا. اف. پی.^{۱۲} خبرگزاری فرانسه به نام آژانس فرانس پرس

- | | | |
|-------------|------------|----------------|
| 8- Intrigue | 9- Encadre | 10- Anglophile |
| 11- Avarie | 12- A.F.P. | |

که معمولاً به صورت مخفف به زبان فرانسه آ. اف. پ. عنوان شود. ر. ك. خبرگزاری.

ا. پی. ۱۳ مخفف نام خبرگزاری اسوشیتد پرس. ر. ك. خبرگزاری.

اتحادیه صاحبان چاپخانه‌ها ر. ك. سندیکا.

اجیر به معنی اشتراك و آبونه شدن روزنامه به کار می‌رفته است. (فلان روزنامه را اجیر شده بود) ر. ك. اشتراك.

اخبارات مطبوعات. اصطلاحی که در روزنامه‌های قدیم چاپ شبه قاره هند به کار می‌رفته. هندی‌ها و پاکستانی‌های آشنا به زبان فارسی هنوز هم از این واژه به معنی مطبوعات در مکالمات خود استفاده کنند.

اخبار خارجه عنوان کلی و همگانی برای خبرهای سایر کشورها. از دهه ۳۰ کمتر به کار رود. عباراتی که همین مفهوم را رساند به سلیقه و ابتکار سردبیر آن را گرفته است.

اخبار داخله عنوان کلی و عمومی برای خبرهای درون مرزی. تا سال‌های ۳۰ زیاد به کار می‌رفت. از آن پس «خبرهای داخله» و «خبرهای کشور» و امثال آن جایگزینش شد.

اخبارنویس خبرنگار. تهیه‌کننده خبر.

اخطار نوعی آگهی، اعلان و یا اطلاعیه. متن چاپ شده و معمولاً کوتاهی که شخص نامبرده شده در آن را وادار به انجام کاری نماید.

اوپاپ مدیران روزنامه‌ها و مجلات را گویند. «ارباب‌بچراید» عبارتی تمارفی و تشریفاتی به منظور احترام گذاردن بیشتر به صاحبان امتیاز یا پروانه نشر و مدیران مسئول باشد. به کار بردن آن از دهه ۴۰ متدرجاً کم شده است.

ارتباط‌جمعی مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سینما را در مجموع وسائل ارتباط جمعی گویند. از اواخر دهه ۴۰ رسانه‌های گروهی و رسانه‌های همگانی نیز عنوان شده. ولی این اصطلاحات هنوز به تصویب فرهنگستان نرسیده. از اوائل نیمه دوم قرن بیستم میلادی وسائل ارتباط جمعی در کشورهای آزاد جهان به‌عنوان قدرتی جدید در جامعه و در برابر دولت‌ها شناخته شده‌اند. به همین سبب مؤلف آنها را به‌هنگام تدریس روزنامه‌نگاری و روابط عمومی در دانشگاه تهران «رستم» قرن کنونی عنوان می‌نمود. رستمی که حرف «ر» آن از کلمه رادیو، حرف «س» آن از کلمه سینما، حرف «ت» آن از کلمه تلویزیون و حرف «م» آن از کلمه مطبوعات به عاریت گرفته شده است.

ارگان ۱۴ (واژه انگلیسی / فرانسوی) روزنامه / مجله‌ای را گویند که ناشر افکار و سیاست یک حزب، جمعیت، مؤسسه و یا واحدی باشد. (این روزنامه ارگان آن حزب است) بر دو نوع باشد: رسمی و غیر رسمی. رسمی آن که تمام مطالب و اخبارش در چارچوب سیاست حزب تهیه و تدوین شده و نشریه مستقیماً توسط و به سرمایه حزب انتشار یابد. غیر رسمی می‌تواند به مسائل خارج از چارچوب فوق‌نیز توجه داشته و با سرمایه شخص و یا گروه علاقمند به حزب منتشر شود. ر. ک. حزبی.

اره از وسائل چاپخانه. ماشین الکتریکی خودکار، ویژه بریدن سریع قسمت‌های اضافی سرب سطر حروفچینی شده به منظور اندازه کردن ستون، به نسبت دلخواه.

استاد طبع مسئول چاپخانه و ماشینچی تا اواخر دهه ۱۳۰۰ در دوره‌های اولیه روزنامه‌نگاری به‌کار می‌رفته.

استيضاح سؤال کتبی فردی / گروهی نمایندگان مجلس از دولت که پاسخ به آن اجباری است. پس از شنیدن پاسخ معمولاً در موارد مهم اخذ رأی به‌عمل آید، که ممکن است سبب ابقاء و یا سقوط کابینه گردد. روزنامه‌های مخالف دولت و اقلیت استيضاح را وسیله کوبیدن وزیر و چه بسا کابینه قرار دهند.

اسکانر ۱۵ (واژه خارجی) دستگاه تمام خودکار تفکیک چهار رنگ از روی تصویر و یا اسلاید. بیشتر برای تهیه فیلم جهت چاپ در ماشین افست به‌کار رود. بسیار سریع‌تر از وسائل قدیمی عمل کند و به بعضی از دستگاه‌ها از جمله برای رتوش نیازی نباشد. ر. ک. تفکیک رنگ.

اسید ۱۶ (واژه خارجی معمول در فارسی) مایع شیمیایی برای خوردن قسمت‌های زائد و غیر لازم در روی زینک، در جریان تهیه گراور و چاپ عکس‌های سیاه و سفید و رنگی.

اشبون ۱۷ (واژه روسی) واحد اندازه در حروفچینی و صفحه‌بندی. عرض سطر در يك ستون روزنامه / مجله که معمولاً سه باشد. (مثلاً: مطلب يك ستونی اشبون سه و دوستونی اشبون شش الی آخر) يك قطعه مکعب مستطیل شکل از جنس سرب یا برنج که به منظور ایجاد فاصله بین سطرها قرار گیرد. طول آن تابع ستون و از تقریباً دو سانتیمتر شروع شود و عرضش دو سانتیمتر باشد. درستون حروفچینی شده چهار میلیمتر پائین‌تر از سطح حروف قرار گیرد تا در چاپ منعکس نگردد. بعضی از چاپخانه‌ها از اشبون مقوایی هم استفاده کنند. تا اواسط دهه ۲۰ اکثر ستونهای صفحات روزنامه‌ها اشبون شش بود. بعد به‌تدریج کم شد. در دهه ۵۰ از سه هم کمتر،

به‌ویژه در صفحات ویژه آگهی. اشبون سه و ۲/۵ متداولترین اندازه است، که اغلب در روزنامه به‌کار رود.

اشترک، حق مبلغی که در مقابل ارسال منظم نشریه برای تقاضاکننده به‌وسیله موزع و یا پست دریافت‌گردد. مدت آن یک سال است. نشریات بزرگ از نیمه دوم دهه ۳۰ از قبول اشترک خودداری کردند زیرا صرف ندارد. ولی مشترک برای خارج از کشور پذیرند (اشترک سالانه کیهان فارسی در نیمه اول دهه ۵۰ برای پاریس حدود پنج هزار ریال بود) هم‌اکنون حق اشترک در داخله به نوعی دیگر پرداخت گردد و آن هم به‌صورت هفتگی. موزع در حوزه خود به خانه‌ها نشریه رساند و برای صرفه‌جویی در وقت عصرهای پنجشنبه پول یک هفته را دریافت کند. از این‌رو پرداخت حق اشترک از حالت خواننده - روزنامه به‌صورت خواننده - موزع درآمده است. در آغاز دوران روزنامه‌نگاری به‌دستور صدراعظم وقت روزنامه برای مأموران عالی‌رتبه در استان‌ها و شهرستان‌ها فرستاده می‌شد، و حق اشترک یا ابونمان از حقوق سالانه آنها کسر می‌گردید. به همین سبب لقب «زورنامه» برای روزنامه عنوان شد. این اولین صفت مذمومی است که به روزنامه در ایران داده شد. در دوره‌های اولیه روزنامه‌نگاری فارسی «اجیر» برای اشترک به‌کار می‌رفته است. حق اشترک مطبوعات که تابع اقتصاد روز است در طول تقریباً یک قرن و نیم اخیر تغییر کرده و قوس صعودی پیموده است. چند نمونه از آن ذکر شود: روزنامه وقایع اتفاقیه (از سال ۱۲۲۹) دوازده قران. روزنامه دانش اصفهان (۱۳۰۹) پنج تومان. مجله دعوة الحق (۱۲۸۲) یک تومان. مجله دختران ایران (۱۳۱۰) سه تومان. مجله دواسازی عصر حاضر (۱۳۱۳) یک تومان.

اصلاح آراستن و تصحیح کردن را گویند، در دو مفهوم (یک) رفع اشتباه و روانتر ساختن خبر نوشته شده، پیش از حروفچینی و (دو) کامل کردن خبر در شماره بعد با یک توضیح اضافی.

اصلاحیه توضیح تکمیلی و اضافی که در صورت ناقص بودن خبر اصلی در شماره بعد نشریه به چاپ رسد. در سرویس کار خبرگزاری‌ها تصحیح خبری تلقی گردد که قبلاً مخابره شده باشد.

اضافه‌کار مبلغی که بابت زحمت بیشتر و علاوه از مدت‌کار رسمی روزانه به خبرنگار و نویسنده تعلق گیرد. در واحدهای مطبوعاتی اضافه‌کار ساعتی محاسبه نشود و با تأیید دبیر سرویس و یا سردبیر به صورت مقطوع با توجه به میزان حقوق پرداخت گردد. اضافه‌کار کارگران شعبه‌های مختلف چاپخانه تابع قانون کار و رسوم خاص داخلی نشریه باشد.

اطلاعات نظمیه، اداره واحدی اداری و دولتی که بین سالهای ۲۰-۱۳۰۵ سانسور مطبوعات از جمله وظائف آن بود. ر. ک. وزارت خلیله انطباعات، تفتیش، سانسور.

اطلاعیه خبر رسمی و توجیهی فرد و یا واحدی که برای اطلاع همگان یکسان در مطبوعات به چاپ رسد. آنرا اطلاعیه مطبوعاتی نیز گویند. متن اطلاعیه ماشین شده و یا به صورت پلی‌کپی شده و تکثیری در اختیار جراید قرار داده شود. اطلاعیه گاه به صورت زمینه برای تهیه خبر و مطلب طرف استفاده و استناد خبرنگار واقع شود.

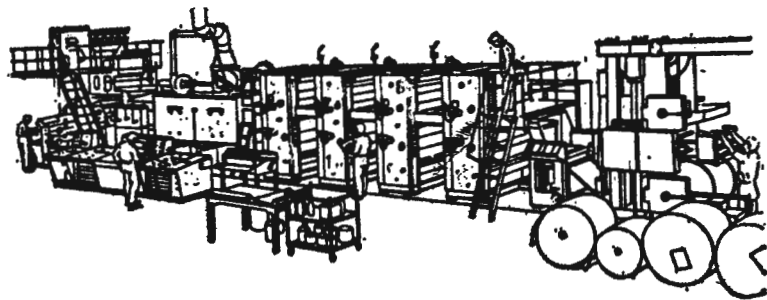
اطلاعیه چاپی خبر توجیهی یک واحد و یا مؤسسه که مستقلاً چاپ و توزیع گردد. تعدادی هم برای مطبوعات ارسال شود.

اعتصاب دست‌کشیدن همگانی از کار. در تاریخ مطبوعات ایران اولین اعتصاب کارگران چاپخانه در خرداد ماه ۱۲۸۹ در تهران روی داد برای اضافه دستمزد و تقلیل ساعات کار. جنبه سیاسی داشت و از طرف روزنامه سیاسی اتفاق کارگران پشتیبانی شد. و اولین اعتصاب عمومی مشترك نویسندگان و کارگران مطبوعات، بایک امتثال ناچیز، در پائیز ۱۳۵۷ در سراسر کشور صورت گرفت، علیه حکومت وقت.

اعلان ر. ك. آكسى.

افست ۱۸ (واژه انگلیسی / فرانسوی) چاپ غیر مستقیم را گویند. به هنگام کار ماشین چاپ، نوشته و یا تصویر زینك روی سیلندر بر لاستيك منعكس شود و بعد گردش سیلندر، تصویر یا مطلب را روی كاغذ به چاپ رساند. در چاپ افست يك اصل شیمیائی حاكم است: ترکیب نشدن روغن و آب با یکدیگر و استفاده توأم این دو براساس علمی. افست انواع مختلف دارد، از جمله افست لیتوگرافی.

افست از انواع ماشین‌های جدید چاپ که بر چند نوع باشد. ر. ك. چاپ، ماشین.



ماشین افست قرقره‌ای چهار رنگ

اقتباس گرفتن مفهوم از يك نوشته به زبان خارجی و نوشتن آن به سلیقه و انشاء مترجم. در مورد نوشته‌های فارسی و دوباره نویسی آن، به شرط مزبور، نیز صادق است.

امپریالیسم خبری اصطلاح جهان‌سومی‌ها برای خبرگزاری‌های بزرگ و بین‌المللی که اخبار را از زاویه خاص منافع خود تهیه، تفسیر و مخابره کنند.

امتیازنامه پروانه‌ای که به‌موجب آن شخص / شرکت / مؤسسه‌ای اجازه یابد طبق قانون مطبوعات به نشر روزنامه / مجله اقدام کند. این اجازه‌نامه از طرف دولت توسط یکی از ادارات و یا وزارتخانه‌ها صادر شود. قابل انتقال به‌غیر نیست ولی برای وراثت حقوق و اولویت‌هائی را باعث است. در امتیازنامه نام نشریه، سبک و روش، ترتیب انتشار، محل و مشخصات صاحب آن، نام و نشانی چاپخانه و همچنین تعداد چاپ هر شماره (تیراژ) ذکر گردد. دارای دو شماره است. یکی شماره ثبت امتیازات و دیگری شماره صدور با تاریخ. ممکن است عکس صاحب امتیاز هم به‌این ورقه الصاق گردد. صدور امتیاز انتشار روزنامه / مجله در طول تاریخ به‌ترتیب با این مؤسسات دولتی بوده است: وزارت جلیله انطباعات، وزارت علوم، وزارت معارف و صنایع مستظرفه، وزارت فرهنگ، وزارت کشور، وزارت اطلاعات و جهانگردی، وزارت ارشاد ملی و ارشاد اسلامی. بسیاری از مدارک و اسناد مربوط به مطبوعات به سبب این انتقالات که تابع سیاست روز بوده متأسفانه گم شده و از بین رفته است. از سال ۱۳۵۸ عنوان امتیازنامه به «پروانه انتشار» تغییر داده شده است.

انتقاد شرح معایب و محاسن شعر یا مقاله یا کتابی، یا اثری ادبی یا هنری بر معیار یا عملی تثبیت شده عیب گرفتن (فرهنگ دهخدا) در مطبوعات عنوان کلی هم باشد برای مطلبی به هدف فوق با توجه بیشتر به عیوب و نواقص امر. ر. ک. نقد.

اندراج نوشتن، درج کردن، به چاپ رساندن را گویند. از اصطلاحات قدیمی مطبوعات.

انطباعات، وزارت جلیله در دوران قاجار، به سال ۱۲۵۰ تأسیس شد. سالها روزنامه انتشار داد. بعد امتیاز و اجازه انتشار روزنامه هم صادر کرد. با تأسیس وزارت علوم در همان دوران وظائف مزبور به‌عهده آن گذارده شد که جدا از پایتخت در استان‌های

آذربایجان، اصفهان، خراسان و فارس نیز اداره سانسور مطبوعات
دائر کرد.

اوپراتور ۱۹ (واژه انگلیسی / فرانسوی) حروفچین در چاپخانه.
به حروفچینی اطلاق شود که به جای چیدن حروف در کنار هم به روش
گذشته، کار را با ماشین انجام دهد. ر. ک. حروفچینی.

اوراق جمع ورق. اوراق شدن به معنی جدا شدن ورقه‌های
کتاب از یکدیگر و بهم خوردن صحافی آن باشد. ر. ک. بغیه‌زدن.

اوس‌کل ۲۰ (واژه روسی) از ابزار صحافی در چاپخانه. ویژه
چسباندن مقوای جلد به عطف کاغذ کتاب. یک قطعه چوب فشرده شده
به ابعاد ۵ × ۱۳ سانتیمتر و به قطر تقریباً یک سانت. ر. ک. ته‌چسب
و صحافی.

ایتالیک ۲۱ (واژه خارجی) اصطلاح حروفچینی. به نوعی
حروف نازک غیرفارسی گویند که مورب است. برای مشخص کردن کلمه
یا جمله از آن استفاده شود.

ایرانیک ۲۲ اصطلاح حروفچینی. به نوعی مورب و نازک از حروف
فارسی چاپ گویند که بر اساس حروف مورب لاتین (ردیف پیش) ساخته
شده. به منظور مشخص کردن و جلوه دادن کلمه یا جمله‌ای در متن و یا در کادر
از آن استفاده شود. کلمات این عنوان مخصوصاً از ایرانیک انتخاب شده تا
نوع آن برای شما روشن و نمایان گردد. حروف ایرانیک را «حروف دگتر
مصاحب» نیز گویند؛ چرا که آن استاد مبدع آن بود.

اینترتایپ ۲۳ (واژه خارجی) نوع جدید حروفچینی سربی با
دستگاه‌های مخصوص که حروف و کلمات را با توجه به عرض ستون

19- Operator	20- Uskul	21- Italic	22- Iranic
23- Intertype			

به صورت يك سطر كامل ریزد. امتیاز این سیستم حروفچینی یا حروف-ریزی آن باشد که حروف هر بار پس از چیده شدن و استفاده، به صورت سرب مذاپ درآید و مطلب جدید مجدداً با سرب نو چیده شود. در نتیجه مسئله کهنگی و خرابی حروف مطرح نباشد. ر. ک. حروفچینی.

ب

بابوشکه^۱ (واژه روسی) از ابزار حروفچینی در چاپخانه. وسیله‌ای است از سرب یا آلومینیوم، مکعب مستطیل شکل. ویژه بستن فرم به‌رانگا یا شاسی و پر کردن جاهای خالی اطراف فرم و صفحه. در مکالمات چاپخانه‌ای بابوشکا هم تلفظ شود.

بادکردن اصطلاح حروفچینی. فاصله‌ی غیر لازمی را گویند که بسبب بکارگیری حروف سوسه‌دار هنگام حروفچینی بوجود آید و باعث شود یک سطر مثلا اشبون سه دارای عرضی بیش از حد لازم گردد. رفع آن با سائیدن سوسه‌ها و یا فشار بیشتر چفت در رانگا میسر شود. ر. ک. سوسه.

بادگیر عمارت شمس‌العماره در خیابان ناصر خسرو در تهران. تا نیمه دهه ۱۳۱۰ محل تشکیل جلسات هیأت دولت بود. عبارتی که در خبر مربوط به چاپ می‌رسید معمولا چنین شروع می‌شد (صبح امروز کابینه به ریاست رئیس‌الوزراء در عمارت بادگیر اجلاس نمود و...) (۱)

بازبینی ملاحظه و قرائت متن خبر / مقاله را پیش از چاپ

1- Babooshka

به منظور سانسور از طرف مأمور دولتی گویند. ندرتاً به عمل خواندن خبر / مقاله توسط سردبیر هم در هیأت تحریری اطلاق شود.

بازنویسی خبر خام را پخته کردن. جامع و کامل کردن خبر. دوباره‌نویسی آن به همین قصد و آماده ساختن آن برای چاپ.

باسمه چاپ. واژه‌ای در زبان آذری. چون صنعت چاپ و وسائل چاپخانه از راه خشکی از اروپا به ایران آمد و نخستین بار در شمالغرب کشور پا گرفت، واژه **باسمه** مدت‌ها در ایران به مفهوم چاپ به‌کار گرفته می‌شد. چاپخانه را هم **باسمه‌خانه** می‌گفتند و حروفچین و متصدی چاپ را **باسمه‌چی**. این لغت بصورت **باسمه** نیز نوشته شده است.

باسمه‌چی حروفچین. چاپچی. ر. ک. ردیف بالا.

باسمه‌خانه چاپخانه. ر. ک. **باسمه**.

باسمه‌خانه چاپخانه. در بعضی از جراید گذشته **باسمه** را با این املا نوشته‌اند. ر. ک. **باسمه**.

باطله اصطلاحی در شعبه صحافی. به صفحات و اوراقی گفته شود که پس از چاپ به‌دلیل ناقص و یا خراب و کثیف شدن دور انداخته شده و بعداً براساس وزن به‌فروش رسد. ر. ک. **کناره**.

باند ۲ (واژه انگلیسی / فرانسوی) گروه / دسته / جمع و جمعیت با یک هدف و منظور واحد و مشخص. همفکری و همدستی افراد آن باندبازی عنوان شود.

بانک خبر مرکزی را گویند که لید خبرها را حفظ کند: بر

اساس موضوع و یا تاریخ. بعضی از بانك‌های خبر به هردو روش عمل کنند. اگر چه سخت‌تر است ولی باعث تسریع و تسهیل دسترسی و تهیه زمینه و تکمیل خبرهای بعدی باشد. ر. ك. آرشیو.

بخیه‌زدن دوختن عطف‌لت‌ها با سوزن و نخ و آماده کردن کتاب برای چسب‌زنی و جلدگذاری. صفحات کتاب‌هایی را هم که اوراق شده باشد به این روش جمع و جور کنند. ر. ك. صحافی.

بذله‌سرا صفتی که برای فکاهی‌نویس و یا روزنامه و مجله فکاهی در گذشته دور به کار می‌رفته است.

برتولد^۲ (واژه آلمانی) قدیمی‌ترین و معروف‌ترین نوع حروف معمول چاپ در ایران که هنوز هم مورد استفاده چاپخانه‌ها است و اصل آن آلمانی.

برش بریدن کاغذ روزنامه و فرم چاپ شده بوسیله ماشین. کار دستگاه مربوط براساس گیوتین است که با دست و یا برق از آن استفاده شود. فرم‌های چاپ شده را پس از ته‌دوزی در این دستگاه قرار داده و می‌برند تا تمام مجلدات يك قطع درآید. عمل چسب‌زنی عطف بعد از برش انجام گیرد. اما برای کتبی که جلد شمیزی دارند برش بعد از چسب‌زنی آید. ر. ك. صحافی.

برگ اصطلاح مخصوص يك ورق کاغذ.

برگ خبر متن ماشین یا دست‌نویس شده خبر / مطلب که از قسمت هیأت تحریری به شعبه حروفچینی فرستاده شود. پشت برگ سفید است. دنباله خبر برآن نوشته نشود.

برگردان ترجمه کردن از يك زبان به‌زبانی دیگر. (مقاله‌را

3- Berthold

فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری

خوب از انگلیسی به فارسی برگردانده است) ر. ک. مترجم.

برگ‌زدن به کار بردن روشی خاص، معمولاً خدعه، به منظور کسب خبر. ناروژدن در خبر را گویند (خبرنگار اقتصادی آن روزنامه به‌همتای مطبوعاتی خود در این روزنامه برگ زد).

برگشتی نسخ فروش نرفته روزنامه و مجله را گویند که از قسمت توزیع به‌دستر نشریه عودت داده شود. برگشتی روزنامه‌های صبح عصر همان روز، روزنامه‌های عصر بامداد روز بعد و برگشتی مجلات بین پنج تا هفت روز پس از انتشار به‌دستر نشریه تحویل گردد. ماهنامه بیش از دو هفته روی بساط ماند. برگشتی‌شهرستان‌ها چه بسا به‌تهران عودت داده نشود.

بروشور ۴ (واژه انگلیسی / فرانسوی) جزوه چاپی چندبرگی، و معمولاً رنگی، برای معرفی شیئی، کالا، نمایشگاه و امثال آن. نوعی جزوه تبلیغاتی که به تعداد زیاد تهیه و مجانی توزیع گردد.

بریده جراید مطلب و خبری که از روزنامه یا مجله قیچی شده و به ورقه‌ای که نام و تاریخ آن را دارد الصاق گردیده باشد. مؤسساتی هستند که خبرهای مربوط به شخص حقیقی / حقوقی را از مطبوعات برند و برای آن کسی که مشترك شده باشد در همان تاریخ نشر فرستند. از وظائف روابط عمومی‌های ادارات یکی هم تهیه بریده جراید اخبار مربوط برای وزیر، رئیس و یا مدیر خود است. این بریده‌ها در آرشیو حفظ شود تا بعداً در صورت لزوم طرف استفاده قرار گیرد.

بزرگ دبیر عنوانی که بعضی از نشریات و مؤسسات مطبوعاتی به سردبیرکل دهند. در دهه ۴۰ چنین عنوانی در وزارت اطلاعات نیز برای مدتی به‌کار گرفته شد.

بزرگ کردن توجه زیاد به يك خبر / مقاله با انتخاب نوع غير متداول حروف و تیتیر. ر. ك. كوچك کردن.

بساط ميز پایه‌کوتاه، ویژه فروش نشریات روزانه، هفتگی و امثال آن در پیاده‌رو خیابان و بیشتر نزدیک چهار راه. نشریات روی این ميز چیده و عرضه شود. بساط روزنامه‌فروش يك دکه بدون سقف و دیوار باشد که مأموران دولتی در گذشته هروقت دستور می‌گرفتند آن‌را برهم می‌زدند و چه بسا که ميز را درهم می‌شکستند! با این حال اصل سرقتی در مورد آن جاری باشد. ر. ك. کیوسك.

بستن عمل تکمیل و آماده ساختن صفحات و فرم روزنامه / مجله برای چاپ (آن صفحه روزنامه را بسته‌ام. این فرم هم بسته شده) در اصطلاح مطبوعاتی يك بستن دیگر نیز داریم که خوش‌یمن نیست. تعطیل شدن نشریه از طرف دستگاه حاکمه. (آن روزنامه که بسته شد: یعنی از طرف دولت توقیف و تعطیل گردید).

بسته‌بندی عمل برهم انباشتن مرتب تعداد معینی از نسخ روزنامه / مجله به‌قصد توزیع توسط ماشین مخصوص بسته‌بندی که پس از اتمام صحافی (در مورد مجلات) آنها را از این طریق آماده تحویل به‌موزع و یا رئیس خط کند.

بقیه کلمه‌ای که آخر بعضی مقالات و مطالب آید و اشاره از دنباله و ناتمام ماندن آن دارد. یکی از دو کلمه «در» یا «از» در پی آن آید. (بقیه در صفحه ۱۴ - بقیه از صفحه ۳ - بقیه در شماره آینده - بقیه از شماره قبل).

بلوت و بلوته ۵ (واژه فرانسوی) اصطلاحی در يك نوع بازی با ورق به‌نام «بلوت» که شاه و بی‌بی خال مورد نظر کنار هم قرار گیرند. به‌کنایه به سرباز و پاسبان مسلحی گفته می‌شد که همیشه

فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری

همراه هم به صورت مأموران انتظامی و گشت دوران حکومت نظامی در سالهای جنگ جهانی دوم و تا مدتها بعد از آن در خیابان‌ها کشیک می‌دادند. این اصطلاح و کنایه در مطبوعات فکاهی به کار می‌رفت.

بلورفروشی دکانی در بازار تهران که برای اولین بار روزنامه در آن به فروش رسید و بساط روزنامه‌فروشی پهن شد. ر. ک. بساط.

بوبین^۶ (واژه خارجی) استوانه کاغذ برای ماشین‌های جدید چاپ را گویند.

بودار خبری که تمهیداً گنگ و با اشاره غیر مستقیم تنظیم شده و معمولاً جریاناتی را به دنبال آورد؛ از جمله ایجاد مزاحمت برای خبرنگار و سردبیر.

بولتن^۷ (واژه خارجی) مجموعه اخبار روزانه / هفتگی یک مؤسسه را گویند که به صورت پلی‌کپی و یا زیراکس شده در اختیار مطبوعات قرار گیرد. در بعضی مؤسسات جنبه داخلی دارد و بین کارمندان ارشد و رؤساء دوائر پخش شود. ولی بهر نحو به مطبوعات راه یابد. مطالبی را که از اینگونه اوراق خبری برای روزنامه انتخاب شود «خبر بولتنی» عنوان کنند.

بولتن ویژه بولتن محرمانه را گویند. این اصطلاح تعمیم ندارد. خبرنگار همیشه نگران و خواهان به دست آوردن اینگونه بولتن‌ها است.

بیان تاریخی از شیوه‌های نگارش خبر به ترتیب وقوع اتفاق و جریان آن از نظر زمان. ر. ک. تشریحی.

بیان‌نامه اطلاعیه ویژه آگاه ساختن مردم از انتشار یک

6- Bobine 7- Bulletine

فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری

روزنامه در آینده نزدیک. ر. ك. طلیمه.

بی‌خط، خبر خبری را گویند که تهیه‌کننده و یا خبرگزاری
در تنظیم آن بیطرفی کامل را رعایت کرده باشد. برابر آن، خطدار
باشد. ر. ك. آبهوردن.

پ

پادو فرد تازه استخدام شده در چاپخانه. نوآموز و بدون مسئولیت. او را مبتدی نیز خوانند. در تحقیر خبرنگار و یانویسنده عبارت «پادوی مطبوعات» به کار گرفته شود (اوجز يك پادوی مطبوعات چیزی نیست).

پارلمانی (واژه خارجی با یای نسبت فارسی) اخبار و مطالب مربوط به مجلس شورا. خبرنگاری را که مذاکرات مجلس و یا اخبار آن را برای نشریه تهیه کند «خبرنگار پارلمانی» گویند.

پانتوگراف^۱ (واژه خارجی) دستگاه ویژه برش کاغذ در ماشین چاپ، از نوع روتاتیو.

پاورقی داستان و یا مطلبی که در چندین شماره پیاپی روزنامه به چاپ رسد. در گذشته رسم بر این بود که اینگونه داستانها پائین یکی از صفحات داخلی قرار داده شود و به همین سبب «پاورقی» لقب گرفت. پاورقی در دهه ۱۰ بیش از هر دوره‌ای در تاریخ مطبوعات ما و به ویژه روزنامه‌های پایتخت متداول بود و از ارکان مندرجات نشریه به شمار می‌رفت.

1- Pantographe

پاورقی مصور داستان‌های تصویردار، اکثراً برای کودکان و نوجوانان، را گویند. ر. ك. مصور قلمی.

پایه قطعه چوب و یا فلزی است که پشت کلیشه چسبانند تا در صفحه همسطح حروف قرار گیرد و کلیشه به هنگام چاپ همانند حروف روی کاغذ منعکس گردد.

پخش حروف عمل بازگرداندن / ریختن حروف مطالب چاپ شده در خانه‌های گارسه، پس از بازگشت صفحه و یا فرم از ماشین-خانه به شعبه حروفچینی، را گویند.

پدروشکه^۲ (واژه روسی) از ابزار چاپخانه. خط برنج منقطع که در چاپ بجای نقطه‌چین، خط‌چین منعکس گردد. آن را پدروشکا هم تلفظ کنند. ر. ك. خط برنج.

پرس^۳ (واژه انگلیسی / فرانسوی) از وسائل چاپخانه. دستگاه فلزی که فرم حروفچینی شده برای تهیه نمونه دستی در آن قرار داده شود. ر. ك. نمونه، نمونه دستی.

پر شدن حروف نوعی خراب شدن حروف به سبب زیادی استعمال. ر. ك. له شدن.

پرفراژ^۴ (واژه فرانسوی) سوراخ کردن کاغذ را گویند. در مکالمات چاپخانه‌ای به غلط آن را پفراژ هم تلفظ کنند. ر. ك. خط پرفراژ و صحافی.

پرگرافی^۵ (واژه انگلیسی / فرانسوی) بند، قطعه، جزء. چند جمله مربوط به هم و پیاپی از يك مطلب که سر سطر شروع

2- Pedrooshka
5- Paragraphe

3- Presse

4- Perforage

شود. جزئی مستقل از کل مطلب. بعضی‌ها آن را «عبارت» خوانند. مقاله، هم از نظر تفکیک و هم برای خسته نشدن خواننده، به چندین پرگراف تقسیم شود. ر. ك. سوتیتتر.

پروانه انتشار اجازه‌نامه رسمی برای انتشار روزنامه/مجله. ر. ك. امتیازنامه.

پروگرام ۶ (واژه انگلیسی / فرانسوی) برنامه. در بعضی از نشریات «پرگرام» هم نوشته شده زیرا در مکالمه عامیانه پرگرام (بر وزن لر - نشان) تلفظ شود.

پروپاگانده ۷ (واژه انگلیسی / فرانسوی) از واژه‌های خارجی به‌کار گرفته شده در مطبوعات. ر. ك. تبلیغ.

پروراندن توجیه و تفسیر کامل مطلب تا حدی که برای خوانند نکته ابهام باقی نگذارد. تصحیح و درست کردن خبر و مطلب. ر. ك. تنقیح.

پشت‌جلد آخرین صفحه سمت چپ از چهار صفحه‌ای که جلد مجله را در مطبوعات فارسی تشکیل دهد. اصطلاح مقابل روی جلد. معمولاً ویژه آگهی، و رنگ آن تابع روی جلد باشد. در سالهای جنگ جهانی دوم و دهه بعد از آن که در مضیقۀ کاغذ بودیم بسیاری از مجلات از انواع کاغذهای ضخیم برای جلد استفاده نمی‌کردند و چون آگهی هم در مجلات زیاد متداول نبود، پشت جلد را گاه به مطلب هفته و چه بسا به کاریکاتور و داستانهای طنز و مصور اختصاص می‌دادند. ر. ك. روی جلد.

پلاک ۸ (واژه فرانسوی) از وسائل چاپخانه. صفحه نیم‌دایره سربی که منعکس‌کننده متن يك صفحه از روزنامه یا مجله باشد.

6- Programme 7- Propagande 8- Plaque

برای تهیه آن ابتداء صفحه بسته شده روزنامه را در دستگاه عکسبرداری قرار دهند. بعد مقوای نسوزی به نام «فلاندر» روی آن نهاده و زیر فشار گذارند تا قسمت‌های برجسته صفحه یعنی حروف، تصاویر، حاشیه و غیره روی فلاندر اثر گذارند. آنگاه این مقوا را که به صورت قالبی از صفحه روزنامه درآمده در ماشین ویژه پلاک‌ریزی موسوم به اشتروتویی قرار داده و سرپریزی کنند. سرب مذاب فرو رفتگی‌های فلاندر را پر کرده و در نتیجه پلاک یا نمونه «پزیتیف» از همان صفحه به صورت خمیده و نیم‌دایره به دست آید، که چون اطرافش صاف شود و کانال‌های پشتش تراش یابد آماده برای بسته شدن در ماشین چاپ از نوع رتاتیو باشد.

پلتیکی (واژه خارجی با حرف یای نسبت فارسی) به معنی مربوط به سیاست، ناشی از سیاست، ر. ک. پولیتیک.

پلیت^۹ (واژه خارجی) يك صفحه معمولاً فلزی که عمل چاپ را در ماشین روی کاغذ انجام دهد. برای ماشین‌های مختلف انواع گوناگون دارد. از جمله برای رتاتیو که سربی مدور و نیم‌دایره باشد.

پلی‌کپی^{۱۰} (واژه خارجی متداول در فارسی) دستگاه ویژه عمل تکثیر نشریه با استفاده از کاغذهای مومی که مطلب روی آن ماشین شود. در مطبوعات ما هفته‌نامه مرد امروز در یکی از دفعاتی که توقیف شده بود چند شماره به صورت پلی‌کپی شده در قطع کوچک ظاهر شد. دانشجویان از دهه ۳۰ نشریات داخلی مرکز تحصیلی خود را گاه با استفاده از این دستگاه تکثیر و عقاید خود را تبلیغ کنند.

پنچ^{۱۱} (واژه خارجی) عمل سوراخ کردن نوار کاغذ است توسط دستگاه که بعداً تبدیل به حروف شود و آنگاه مخابره گردد. ر. ک. تلکس.

پنط ۱۲ (واژه روسی) واحد اندازه‌گیری حروف چاپ را گویند که سیستم‌های مختلف دارد. در ایران دقیقاً برابر با ۳۷/۶ میلیمتر باشد که در عمل ۳۸ میلیمتر محاسبه شود. پنط در امور چاپ برابر با یک‌دوازدهم سیسرو است و از نظر اندازه براساس جفت بالا رود (دو پنط - چهار پنط - شش پنط) فقط یک پنط فرد داریم که سه پنط باشد. اندازه‌های مختلف پنط به این قرار باشد:

یک پنط	۳۸ میلیمتر
دو پنط	۷۵ میلیمتر
سه پنط	۱/۱۳ سانتیمتر
چهار پنط	۱/۵۱ سانتیمتر
۴/۷۵ پنط	۱/۷۹ سانتیمتر
۵ پنط	۱/۸۸ سانتیمتر
۵/۵ پنط	۲/۰۷ سانتیمتر
۶ پنط	۲/۲۶ سانتیمتر
۶/۵ پنط	۲/۴۵ سانتیمتر
۷ پنط	۲/۶۴ سانتیمتر
۷/۵ پنط	۲/۸۲ سانتیمتر
۸ پنط	۳/۰۱ سانتیمتر
۹ پنط	۳/۳۹ سانتیمتر
۱۰ پنط	۳/۷۷ سانتیمتر
۱۱ پنط	۴/۱۴ سانتیمتر
۱۲ پنط	۴/۵۲ سانتیمتر
۲۴ پنط	۹/۰۴ سانتیمتر
۳۶ پنط	۱۳/۵۶ سانتیمتر
۴۸ پنط	۱۸/۰۳ سانتیمتر
	برابر با یک سیسرو
	آنرا نیم گوادراد گویند.
	برابر با سه‌چهارم گوادراد.
	برابر با یک گوادراد.

این سیستم «دید» یا «دیدوت» خوانده شود و در حروفچینی فرانسوی و آلمانی متداول باشد. انگلیسی‌ها و امریکائی‌ها سیستم

دیگری دارند که «پیکا-ام» نام دارد. يك پنط آن برابر با ۳۵ میلیمتر، دوازده پنط برابر با ۴/۲۱ سانتیمتر و ۴۸ پنط آن برابر با ۱۶/۸۷ سانتیمتر است. پنط را در فارسی «پونت» هم نویسند.

پوست پیازی نوعی کاغذ نازک و کم‌وزن را گویند.

پولیتیک ۱۳ سیاست. مشی سیاسی. در روزنامه‌های قدیم فارسی هم به این معنی و هم به مفهوم حقه‌زدن و «کلاه گذاردن» به کار رفته است. معمولاً فعل زدن به دنبال این کلمه غیر فارسی آید. (او در این باره پولیتیک زد) در زبان عامیانه پلتیک تلفظ شود و به همین روش تحریر هم در بعضی از مطبوعات دیده شود.

پیاده کردن عمل گوش دادن به خبر و یا مطلب ضبط شده روی نوار ضبط صوت و به روی کاغذ آوردن عین کلمات (متن مصاحبه را پیاده کردم) از غلو و زیاده‌گوئی کسی جلوگیری کردن. نوعی تأدیب (خیلی گرد و خاک می‌کرد. خوب پیاده‌اش کردم.) طرحی را به موقع اجراء درآوردن (نقشه کار را پیاده کردیم) ر. ک. مونیتورینگ.

پیش‌آگهی مطلبی برای جلب توجه خواننده نسبت به آگهی و یا موضوعی که در شماره‌های آینده به چاپ خواهد رسید. ر. ک. پیش خبر.

پیش خبر متنی کوتاه به منظور جلب توجه خواننده به موضوعی خاص، قبل از وقوع امر. در ستون و یا صفحه اخبار قرار گیرد.

پیشینه سابقه خبر که معمولاً در آرشیو حفظ شود.

پیکا-ام اصطلاح چاپخانه. از سیستم‌های مربوط به اندازه‌گیری حروف چاپ. اصطلاح انگلیسی / امریکائی است.

پیمان دسته‌جمعی کار قرارداد جمعی اعضاء هیأت تحریری يك واحد مطبوعاتی با مدیر آن به‌عنوان کارفرما. نخستین پیمان از اینگونه در يك روز بین هیأت تحریری چهار مؤسسه مطبوعاتی آیندگان، اطلاعات، رستاخیز و کیهان در دی‌ماه ۱۳۵۴ به‌امضاء رسید.

ت

تأیید اقدام شفاهی یا کتبی برای اثبات صحت خبر چاپ شده در مواقعی که مورد سؤال و یا تردید باشد. تأیید نشدن خبر یا مطلبی، نوعی لطمه باعتبار خبرنگار است ولی شدت آن از تکذیب کمتر باشد. ر. ك. تكذیب.

تاریخ تاسیس سال شروع انتشار روزنامه / مجله. بعضی از نشریات علیرغم تعطیل‌های انتخابی و یا اجباری کوتاه‌مدت در طول حیات مطبوعاتی، و حتی لغو امتیاز و تجدید آن ترجیح می‌دادند تاریخ تاسیس اولیه را در سرلوحه ذکر کنند تا مؤید قدمت باشد.

تازنی از ماشین‌آلات عمدهٔ صحافی، ویژه تاکردن صفحات روزنامه، مجله و کتاب. نزدیک ماشین چاپ و یا در تالاری جداگانه چسبیده به آن قرار داده شود. مورد استفاده نشریات چهار صفحه‌ای با تیراژ کم نباشد. به آن تاکن هم گویند. در ماشین‌های رتاتیو مخصوص چاپ روزنامه، دستگاه تاکن بر روی آن نصب باشد و روزنامه را تا کرده بیرون دهد که در نتیجه روزنامه برای این کار به ماشین دیگر و اضافی احتیاج ندارد.

تاس^۱ خبرگزاری دولتی و رسمی اتحاد جماهیر شوروی. تأسیس به سال ۱۹۲۵ م. بیش از پنج هزار مرکز در سراسر جهان مشترک خبرهای آن هستند. زیر نظر دولت و حزب کمونیست اداره شود. خبرهای آن به چند زبان مختلف است. ر. ک. خبرگزاری.

تأسیس فرهنگی وزارت کار و امور اجتماعی، مطبوعات را تأسیس فرهنگی داند و نه کارگری. گو اینکه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات متشکل از اعضاء هیأت تحریری را در دهه ۴۰ در ردیف سندیکاهای کارگری شناخت و به ثبت رساند.

تا کن از ماشین‌آلات چاپخانه. ر. ک. تا زنی.

تبلیغ وسیله و راهی جهت ایجاد فکر و نظر درباره موضوعی بین مردم. دستکاری عمدی افکار، اعمال، معتقدات و ارزش‌ها، و یا تحت تأثیر قرار دادن آنها به کمک لفظ، تصویر، لغت و امثال آن که مورد استفاده وسائل ارتباط جمعی باشد. بر دو نوع است: مستقیم و غیر مستقیم.

تحریر نام نوعی کاغذ، که آن را معمولی هم گویند.

تحصن پناه جستن. نوعی بست‌نشستن. مدیران مطبوعات چندین بار برای رهایی از خطر فوری از این وسیله استفاده کرده‌اند. معروف‌ترین آنها از این قرار است: تحصن در مجلس شورای ملی پس از به توپ بسته شدن مجلس. تحصن مدیران چهار روزنامه طرفدار اقلیت با عنوان‌های سیاست، شهاب، قانون و آسیای وسطی پس از به قتل رسیدن میرزاده عشقی که خود مدیر روزنامه قرن بیستم بود. تحصن در مجلس شورای ملی پس از تخریب و بهم پاشیده شدن ادارات و دفاتر تعدادی از روزنامه‌ها و مجلات به دست عوامل و هواخواهان احزاب دست چپ در سال ۱۳۳۱.

1- Tass

تخته‌کردن بستن و یا بسته شدن نشریه (روزنامه‌اش تخته شد) دو کلمه امر «تخته کن» به‌مفهوم «کافی است و ابراز وجود نکن» نیز به‌کار رود.

تخته‌کوب از ابزار چاپخانه. يك قطعه مکعب مستطیل چوبی، ویژه همسطح کردن حروف به‌هنگام بستن فرم در رانگا. تخته‌کوب روی حروف نشانده شود و بعد با چکش مخصوص پلاستیکی آرام روی آن کوبند تا اختلاف سطح احتمالی قسمت‌های فوقانی حروف از بین رود. متصدی کار در حال وارد آوردن ضربه، مرتب تخته‌کوب را این طرف و آن طرف برد تا تمام سطح فرم یکسان گردد.

تخلفات انجام اموری خلاف آنچه در قانون مطبوعات آمده باشد: از جمله معرفی خود به‌عنوان روزنامه‌نگار در صورت لغو امتیاز روزنامه. ولی تاریخ نشان داده است آنچه را مقامات دوست نداشته‌اند، تخلف عنوان و بهانه کرده و به‌ایذاء و اذیت خبرنگار و نویسنده پرداخته‌اند.

تدوین تصحیح، کم و زیاد و کامل کردن خبر / مقاله را گویند. بعضی‌ها آن را برابر «ادیت» در زبان انگلیسی دانند. در فیلمسازی نیز به‌کار گرفته شود.

ترتیب ردیف و پشت سر هم کردن فرم‌های چاپ شده و تا شده، جهت صحافی و جلدسازی با دست و یا با ماشین. پس از انجام چاپ و تا شدن فرم‌ها، آنها را وارونه روی میز قرار دهند و يك نسخه از هریک از فرم‌ها را بردارند و روی هم گذارند بطوری که پس از برداشت يك ردیف، کلیه فرم‌های کتاب صحافی نشده در دست باشد. این عمل را ترتیب گویند که با توجه به‌نوع نشریه به‌صورت‌های مختلف انجام گیرد. نوع فوق ترتیب يك عمل دستی است که برای تیراژهای بالا راحت و سریع نیست. لذا اکثر مجلات پر تیراژ بوسیله ماشین، ترتیب و صحافی شود. ر. ک.

تا زنی. و صحافی.

تسلیت ابراز تأسف و آگهی درگذشت. تسلیت به همکار مطبوعاتی. در جایی، سوا از صفحه ویژه آگهی‌های ترحیم به چاپ رسد. طول مطلب به‌میزان شخصیت و مسئولیت همکار در سازمان مطبوعاتی و همچنین نسبت متوفی با او بستگی دارد. در صورتی که فرد از دست رفته یکی از اعضاء روزنامه باشد عکس او نیز برای آخرین بار، و چه بسا برای اولین بار، چاپ شود.

تشریحی از شیوه‌های نگارش خبر و تیتراژ آن را منطقی نیز گویند.

تصحیح قرائت متن حروفچینی شده و مشخص کردن اغلاطی که مشاهده شود. برای تسهیل کار علائمی قراردادی وجود دارد. متن تصحیح شده در اختیار غلطگیر در چاپخانه قرار گیرد و او کلمات و یا حروف اشتباه را تعویض کند. در گذشته فقط حرف و یا کلمه غلط عوض می‌شد. اما امروز در حروفچینی ماشینی، سطری که غلط یا اغلاط در آن هست به‌طور کلی تعویض و دوباره حروفچینی شود. تصحیح مطالب حروفچینی شده توسط دستگاه‌های جدید لاینوترن‌خارج از این دو روش باشد. تصحیح را غلطگیری نیز گویند: ولی غلطگیری بیشتر برای تعویض حروف به‌کار رود.

تطبیق ر. ک. مقابله.

تظاهرات تجمع افراد همفکر / هم‌مسلك در يك محل به‌منظور بیان جمعی خواسته‌های خود. تظاهرات بزرگ و مهیم با صدور قطعنامه که معمولاً متن آن را گردانندگان امر قبلاً تهیه دیده‌اند پایان یابد. با توجه به رفتار تظاهرکنندگان و آنچه به‌بار آید بر دو نوع است. آرام و نشسته، خونین.

تعرفه مطبوعاتی جزوه منتشره از طرف کمیسیون تقسیم کارهای مطبوعات دولتی، مبنی بر تعیین نرخ دولتی دستمزد انجام امور مطبوعاتی شامل: چاپ، صحافی، و همچنین شرایط انجام کار. اعضاء کمیسیون منتخب وزارت دارائی‌اند.

تعطیلات مطبوعاتی روزهایی که روزنامه‌های بزرگ منتشر نشود، به استثنای جمعه‌ها. تابع تعطیلات رسمی کشور نیست و براساس تعطیلات کارگری با مختصر تغییر باشد. روزنامه‌های کوچک از هر فرصتی برای عدم انتشار استفاده کرده‌اند. اکثر آنها در ایام نوروز از هفته چهارم اسفند تا تقریباً نیمه فروردین به‌خود مرخصی دهند!

تفتیش، دائره واحدی ویژه سانسور مطبوعات در اداره اطلاعات نظمی (شهربانی سابق) نام‌کامل آن «دائرة تفتیش مطبوعات و جراید» بود.

تفسیر قلمفرسائی درباره خبر منتشر شده، به‌منظور بیان مفصل و توجیه نظر فرد / نشریه / مؤسسه و یا دولت. (چندروزنامه این مسئله را مورد تفسیر قرار دادند)

تفصیلات اشاره به‌ذکر جزئیات يك واقعه یا امر. عبارت «عکس و تفصیلات» کنایه از آن دارد که موضوعی به‌طور کامل و حتی بیش از حد لازم همراه با تصویر مربوط به‌زیور چاپ آراسته گردد.

تفکیک رنگ عمل فنی لازم به‌منظور تهیه فیلم چهار رنگ برای چاپ عکس رنگی. چهار فیلم برنگهای آبی، زرد، قرمز و سیاه از تصویر منظور تهیه شود و هر يك از فیلم‌ها با رنگ‌های مخصوص خود در ماشین چاپ شود. عکس چهار رنگ از ترکیب رنگها بر روی هم بدست آید. تفکیک رنگ ممکن است به‌وسیله گراوور برای چاپ در ماشین مسطح (سیستم قدیم) و یا تهیه پلنت، برای چاپ در ماشین افست عمل شود. سابقاً برای چاپ هر رنگ يك کلیشه تهیه شده و

به‌ترتیب یکی بعد از دیگری به‌زیر چاپ می‌رفت. اکنون از دستگاهی بنام «اسکانر» برای این منظور استفاده شود که سرعت و دقت قابل ملاحظه دارد. ر. ك. اسکانر.

تقریظ ستودن و مدح‌کردن به‌حق یا باطل را. نوشتن مطالبی مدح‌آمیز برکتابی (فرهنگ دهخدا) در مطبوعات عنوان کلی باشد برای مقاله یا کتابی که در تحسین از يك اثر، بدون ذکر معایب و کمبودها، به‌چاپ رسد.

تکذیب رد شفاهی یا کتبی خبر / موضوع از طرف يك مقام صلاحیت‌دار و یا شخص و مؤسسه مربوط. در روزنامه‌نگاری تکذیب خبر به‌حیثیت روزنامه و به‌ویژه خبرنگار لطمه زند. تکذیب نوشته روزنامه فقط در همان روزنامه به‌چاپ رسد. ولی بی‌سابقه نیست چاپ شدن تکذیب در سایر یا بعضی دیگر از مطبوعات. چنین اقدامی درحد مسائل بزرگ مملکتی باشد. تکذیب‌خبر رادیو و تلویزیون به‌خصوص در ممالکی که وسائل ارتباط جمعی در دست دولت و یا زیر کنترل آن است بسیار نادر باشد. ر. ك. تأیید.

تکفروشی فروش عادی روزنامه / مجله در خیابان به‌ره‌گذر-های خواستار. تا نیمه اول دهه ۳۰ این عمل توسط روزنامه‌فروش‌های متحرك در پیاده‌رو، خیابان‌ها و کوچه‌ها مرسوم بود که مرتب نام نشریات را فریاد می‌زدند، می‌فروختند و به‌حرکت در مسیر معین خود ادامه می‌دادند. اما تقریباً از دهه ۴۰ در تهران منسوخ گشت. تلفیق اسامی نشریات به‌هنگام ارائه آنها به‌صورت فریاد فروشنده برای جلب توجه خریدار به‌خصوص در دهه ۲۰ و يك سال و نیم اول دهه ۳۰ گاه جماعات طعن‌دار و طنزآمیز و موهن به‌وجود می‌آورد. از اوائل دهه ۵۰ عده‌ای فروشنده جوان دو روزنامه بزرگ عصر پایتخت را در چهار-راه‌ها به‌راوندگانی فروشنده که به‌سبب چراغ قرمز راهنمایی متوقف شوند. این کار هنوز در همه شهرستانها متداول نگشته است. کار موزعین دوچرخه و موتورسوار نیز تکفروشی به‌حساب آید. ر. ك.

بلورفروشی، موزع.

تکمیلی صفتی برای خبر / مطلب مفصل، به دنبال آنچه قبلاً به چاپ رسیده و یا مخابره شده باشد. مکمل‌خبر پیش. ر. ک. اصلاحیه.

تک‌نمره يك شماره از روزنامه / مجله. عبارتی است که در گذشته جلوی رقم بهای نشریه در بعضی از آنها ذکر می‌شد (تک‌نمره ده‌شاهی) از حدود نیمه دوم دهه ۱۰ به «تک‌شماره» مبدل شد. در سالهای اخیر فقط قیمت چاپ شود. ر. ک. نمره.

تلفن‌پیچ مراجعه پیاپی به يك مقام یا فرد و مؤسسه از طریق تلفن به قصد کسب خبر. تلفن‌پیچ کردن (مدیرکل را تلفن‌پیچ کرد تا خبر را گرفت) تلفن‌پیچ شدن (رئیس برای تأیید موضوع تلفن‌پیچ شده بود).

تلکس^۲ (واژه خارجی) دستگاههای جدید گیرنده و فرستنده خبر در دفاتر بعضی از مطبوعات بزرگ. دستگاه‌های ابتدائی و يك-طرفه (گیرنده) از این نوع «هل» (بر وزن مل) خوانده می‌شد. تماس از طریق تلکس بر سه نوع است: يك، نقطه به نقطه یا محل به محل از طریق مرکز مخابرات. دو، رادیویی از طریق امواج که بعداً به انرژی مکانیکی تبدیل شده و آنگاه به صورت حروف روی نوار کاغذ ماشین شود. سه، ماهواره‌ای از طریق اسدآباد، مرکز تأسیسات ماهواره.

تلفراف تلگراف (واژه خارجی مصطلح در فارسی) در روزنامه‌های پیش از دهه ۱۰ دیده شود. حتی تیلغراف هم نوشته‌اند.

تله‌تایپ^۳ (واژه خارجی) دستگاه گیرنده خبر از راه دور و ماشین‌کننده آن روی نوار کاغذ.

تله‌فتو ۴ (واژه خارجی) تصویری را گویند که با استفاده از دستگاه‌های مخابراتی به‌روزنامه‌ها وصل گردد. نقطه‌چین است و معمولاً تاریک‌تر و محوتر از عکس چاپی و تکثیر شده باشد.

تمپلات ۵ (واژه روسی) زینک بدون ترام را گویند. برای رنگ‌دادن به‌زمینه و تزئین صفحه به‌کار رود. متن و یا تصویر را می‌شود بعداً روی آن چاپ کرد.

تندنویسی نوشتن کلمات مصاحبه‌شونده یا سخنران به‌سرعتی که ایراد شود. انجام‌دهنده کار را تندنویس خوانند. در بعضی از زبان‌های خارجی علائم و اعدادی به‌منظور تسهیل و تسریع انجام این عمل وجود دارد، ولی برای فارسی نه. گفته می‌شود که چند تندنویس مجلس شورا علائمی برای خود درست کرده‌اند، که عمومیت ندارد. دستگاه و وسائل ضبط‌صوت اهمیت تندنویسی را در روزنامه‌نگاری از بین برده و کار را آسان و دقیق کرده است.

تنظیم مرتب و هماهنگ ساختن قسمت‌های مختلف یک خبر، مطلب و یا گزارش خام (مطلب قاطعی و نامرتب بود. تنظیمش کردم) برای صفحه هم به‌کار رود (صفحه تنظیم شده و آماده چاپ است) ر.ک. پروراندن.

تنقیح تصحیح و پاک کردن خبر از کلمات غیر لازم و آماده ساختن آن برای حروفچینی. زیاد به‌کار گرفته نشود. سابقاً برابر کلمه انگلیسی «ادیت» تلقی می‌شد.

توپ از این واژه به‌منظور جلوه دادن اهمیت خبر / مطلب که بلافاصله پس از انتشار در محافل و بین مردم اثر کند و مورد بحث قرار گیرد استفاده شود (خبر من مثل توپ صدا کرد) توپ‌زدن به‌معنی تظاهر و کوشش برای ترساندن طرف و همچنین «تویی آمدن» و «توپ

4- Telephoto 5- Tumplatt

در کردن» نیز به همین مفهوم به کار رود.

تورنت ۶ (واژه انگلیسی) ماشین خودکار اسیدزنی برای ساختن کلیشه و گراوور را گویند که سرعت عمل قابل ملاحظه دارد. عمل این ماشین در گذشته به وسیله تشتك و حرکت افقی و مداوم دست انجام می‌گرفت.

توزیع عملی را گویند که بر اثر آن نشریه به قصد فروش و یا رساندن به دست خواننده از محل چاپ به نقاط مختلف ارسال گردد. انجام‌دهنده کار را موزع نامند. توزیع در شهرهای بزرگ بوسیله دوچرخه پائی، وانت و موتوسیكلت انجام گیرد. و بین دو شهر یا دو مملکت به وسیله اتوبوس، کامیون و هواپیما. روزنامه‌ها و مجلات بزرگ، شهر را از نظر توزیع به چندین ناحیه تقسیم کنند و هر ناحیه را «خط» نامند. موزعین هر خط دارای مسیر و محدوده خاص خود باشند. توزیع خانه به خانه توسط موزع موظف نشریه تا دهه ۲۰ مرسوم بود. ولی به تدریج از بین رفت. امروز هم اگر این کار در منطقه‌ای صورت گیرد توسط افراد دوچرخه یا موتور سواری است که آن‌را از رئیس خط کنتراست کنند. به دفتر نشریه مربوط نباشد. تعداد قابل ملاحظه‌ای از توزیع مجلات ماهانه و حرفه‌ای توسط پست انجام شود. نرخ آن تا آخر دهه ۱۰ برای يك شماره روزنامه چهار صفحه‌ای يك شاهی (يك بیستم ریال) بود. ر. ك. فراش، مسئول توزیع.

توضیح شرحی در تکمیل و روشن ساختن خبر یا مطلبی که قبلاً در نشریه‌ای به چاپ رسیده باشد. توضیح ادارات و مؤسسات که در مورد خبرشان به جراید ارسال گردد اغلب نوعی تکذیب مؤدب و توجیهی باشد.

توقیف مصیبت بزرگ برای نشریات. جلوگیری از انتشار روزنامه / مجله از طرف دولت. برای افراد به معنی بازداشت باشد.

مقررات مربوط به توقیف موقت نشریات در قانون و یا لایحه قانونی مطبوعات آید. توقیف دائم و یا تعطیل شدن نشریه منوط به رأی دادگاه باشد. سلاحی ترساننده در دست دولت تلقی گردد و در گذشته کابینه‌ها در استفاده از آن بر یکدیگر سبقت می‌جستند.

توقیف جمعی بستن دفاتر تمام نشریات و جلوگیری از انتشار مطبوعات توسط دولت در موارد خاص و بحرانی. نوعی قدرت نمائی کابینه وقت در برابر آزادی بیان و افکار عمومی.

ته‌بندی اصطلاحی در صحافی. متصل کردن یا چسبانیدن صفحات و فرم‌های چاپ شده را در نشریات گویند.

ته‌چسب صحافی و جلدسازی به کمک چسب بطوریکه عطف فرم‌های تا شده، پس از برش‌خوردن، چسب‌زده شود و در داخل جلد قرار گیرد. اگر صحافی با دست باشد از طریق وارد آوردن فشار به عطف مقوائی جلد بوسیله اوس‌کل استحکام بیشتر حاصل آید. این نوع صحافی در دوران معاصر با ماشین تمام خودکار انجام پذیرد که پس از چسب خوردن و داخل جلد قرار گرفتن فرم‌ها، ماشین بجای اوس‌کل، با اطوی داغ خود، آنرا زیر فشار گذارد. ر. ک. ردیف بعد.

ته‌دوزی اصطلاح صحافی. قسمتی از کار صحافی که در نشریات فارسی منتهی‌الیه سمت راست فرم‌ها بدقت با کمک ماشین و یا دستی با نخ بهم دوخته شود، و بعد عمل چسب‌زنی و جلدگذاری انجام گیرد.

ته‌لوله قسمت آخر کاغذهای لوله پیچ شده مخصوص چاپ که اکثراً چرک و چروک بوده برای چاپ مفید نباشد. این قسمت را که نزدیک استوانه مقوایی مرکزی قرار دارد چه بسا با دست باز و جدا ساخته و به‌صورت ورق مورد استفاده قرار دهند. به ندرت به همان شکل لوله‌ای ولی اره شده به‌فروش رسانند.

تیتراژ^۷ (واژه فرانسوی) به معنی عنوان خبر / مقاله آمده که بالای مطلب / ستون گذارده شود و به نسبت اهمیت خبر در يك یا چند ستون جای گیرد. نحوه انتخاب و کلمات تیتراژ بسیار مهم باشد. این کار بر عهده سردبیر و یا شورای دبیرها است. آنچه در صفحه اول آید افکار عمومی ایجاد کند. تیتراژ مطالب کوچک و غیر مهم را نویسنده آن انتخاب نماید.

تیتراژ سراسری (اصطلاح مرکب از دو واژه فرانسوی و فارسی) عنوان مهمترین خبر / مطلب روز که با حروف بسیار درشت سرتاسر بالای صفحه اول روزنامه آید. به شمارهای سراسری پائین همان صفحه و یا صفحات دیگر اطلاق نگردد.

تیراژ^۸ (واژه فرانسوی) تعداد نسخ چاپ شده از هر شماره روزنامه / مجله را گویند. در ایران از اسرار نشریه تلقی شود. قانون مطبوعات نیز به اجبار ذکر آن صراحت ندارد. در بعضی از کشورهای غربی معمولاً تیراژ در هر شماره ذکر شود.

تیراژ آپار^۹ (واژه فرانسوی) مجلات معتبر و پژوهشی گاه مقاله‌ای را که چاپ کرده‌اند جداگانه در تعداد مورد توافق با نویسنده به چاپ رسانند و بعنوان هدیه در اختیار نویسنده گذارند. این نسخ را تیراژ آپار گویند که در زبان فارسی واژه و یا اصطلاحی برای آن نداریم.

ث

ثبت یادداشت کردن به قصد حفظ خبر. عبارت «ثبت وقایع» در دوره‌های گذشته روزنامه‌نگاری زیاد به چشم می‌خورد.

ثبتی ر. ك. آگهی ثبتی.

ج

جا افتاده حروف و کلماتی که بهنگام حروفچینی متن از دید حروفچین افتاده باشد. در نمونه اول تصحیح، مورد اشاره قرار گیرد تا در نمونه دوم کامل شود و از جا افتادگی در آن اثر نباشد. ر. ک. مصحح.

جدول مربع یا مربع مستطیلی که بر کاغذ کشند و آن را توسط خط‌های عمومی و افقی موازی به‌خانه‌های شطرنجی تقسیم‌کنند (فرهنگ معین) برای این اساس بهنگام تنظیم جدول حروف کلمات، اسامی و مفاهیم را در خانه‌ها جای دهند و در پایان هرکدام، در صورت کوتاه بودن، ستاره گذارند. ردیف جدول افقی و عمودی‌منظور گردد. افقی از راست به‌چپ و عمودی از بالا به‌پائین شماره‌گذاری شود. آنگاه جمله‌ای با اشاره و یا به‌کنایه و استعاره در بیان مفهوم هریک از اسامی و غیره، با توجه به‌شماره‌ها، زیر دو عنوان کلی افقی و عمودی، تهیه شده و جدول، سفید و فقط با ستاره‌ها به‌چاپ رسد. اساس تنظیم به‌گونه‌ای باشد که کلمه‌ها در هر دو ردیف دارای معنی و با هم بخوانند. روز بعد (روزنامه) و در شماره بعد (مجله) عین جدول با حروف کامل از نظر خواننده گذرد. مجلات گاه برای حل بعضی از جدول‌ها جایزه تعیین کنند که برندگان بحکم قرعه انتخاب شوند. جدول بمنظور سرگرمی، افزایش اطلاعات عمومی خواننده، و جلب

مشتري به چاپ رسد. محل چاپ آن در روزنامه در صفحات لائی است و بهر حال ثابت باشد. «جدول کلمات متقاطع» نیز عنوان شود.

جرائم مطبوعاتی اموری که از نظر قانون و لوایح مطبوعاتی متضمن نوعی عقوبت باشد. در گذشته از آن جمله بود: تشویق مردم به خرابکاری و آتش‌سوزی و قتل و غارت و ترغیب و تشویق افسران و افراد ارتش به نافرمانی. عدم انقیاد احکام نظامی. فاش ساختن دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش در زمان جنگ. انتشار مقاله مضر به اساس دین حنیف اسلام. تحریص و تشویق مردم به ارتکاب جنحه یا جنایت بر ضد امنیت داخلی یا خارجی مملکت. تقدیر و تمجید از افرادی که چنین کنند. توهین به رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد. انتشار مقالات مضر به عفت عمومی. انتشار صور قبیحه. انتشار آگهی یا عکس مخالف اخلاق و آداب و رسوم ملی. انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری. تهدید به هتک شرف و حیثیت یا افشاء سر. مورد افتراء قراردادن هیأت وزراء و نمایندگان مجلسین و قضات. اهانت به اقلیت‌های مذهبی یا نژادی ساکن ایران به منظور تولید نفاق. تقلید از نام یا سرلوحه روزنامه دیگر. و چند مورد دیگر هم درباره پادشاه و بعضی از اعضاء خانواده سلطنتی. جرائم مزبور در جمهوری اسلامی تقلیل داده شده و محدود باشد به: توهین یا افتراء یا خلاف واقع نسبت دادن به شخص (حقیقی یا حقوقی) و عدم چاپ پاسخ ذینفع. چاپ دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی در زمان جنگ. تحریص و تشویق مردم به ارتکاب جنحه یا جنایت بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و یا سایر مذاهب کشور. نشر مقالات و یا مطالب توهین‌آمیز یا افتراء و یا برخلاف واقع نسبت به مراجع مسلم تقلید. اهانت به رهبر انقلاب. انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی. انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری.

جراید جمع جریده. روزنامه‌ها. در مکالمه مفهوم کلی

روزنامه‌ها و مجلات را با هم رساند.

جریده روزنامه.

جعل اکاذیب عبارت ذکر شده در قانون و آئیننامه‌های مطبوعاتی، به مفهوم ایجاد، اختراع و چاپ خبر یا مطلبی که بی‌اساس باشد. دولت در مورد خبرهایی که برای آن ایجاد مزاحمت کند حساسیت دارد. از اینرو در گذشته عبارت «جعل اکاذیب» بهانه‌ای بود برای وارد آوردن اتهام و فشار به نویسندگان و گاه توقیف نشریه. رسیدگی به چنین اتهامی با دادگاه باشد.

جمع کردن برداشته شدن نسخ روزنامه / مجله توسط مأموران دولتی از روی بساط و مراکز توزیع، در صورتیکه نشریه توقیف اعلام شده باشد. چنین عملی در طول تاریخ مطبوعات ما بویژه بین سالهای ۳۲/۱۳۲۰ به حدی معمول بود که تعداد دفعات آن از شماره بیرون است. چه بسا روزنامه توقیف نشده را هم جمع میکردند تا بدست خریدار نرسد.

جنگالی خبر و مطلب پر سر و صدا. مطبوعاتی را هم که با اینگونه مندرجات پر فروش خود افزایش در مجموع جنگالی خوانند. در بعضی از کشورها این روش را «روزنامه‌نگاری زرد» گویند.

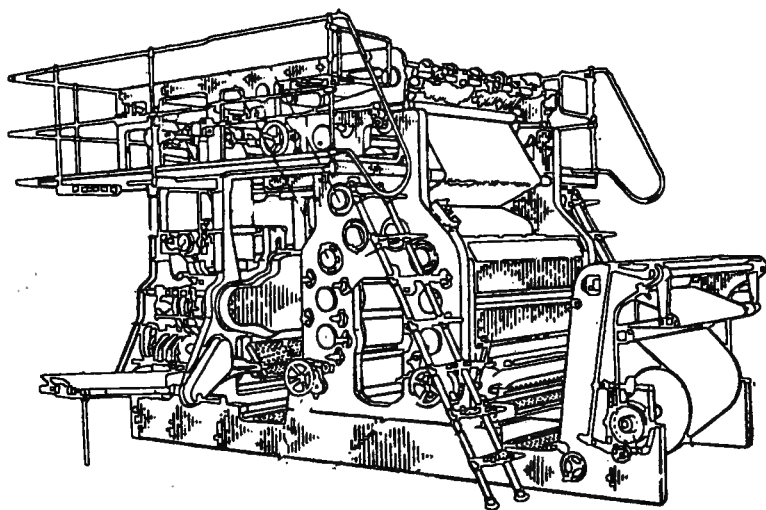
جنگ سرد مبارزه قلمی و رادیوتلوویزیونی، معمولاً بین دولت‌ها و حمله بیکدیگر فقط از طریق وسائل ارتباط جمعی. ر.ك. ردیف بعد.

جنگ مطبوعاتی یا جنگ سرد مطبوعات: مبارزه قلمی مطبوعات با یکدیگر و گاه همه آنها به صورت واحد و متحد علیه یک امر خاص. در مورد اول نمونه بسیار است. در مورد دوم نخستین جنگ سرد مطبوعات ما با روس و انگلیس اواسط دهه ۱۳۰۰ بوقوع پیوست که متأسفانه به تعطیل شدن تعدادی از روزنامه‌ها انجامید و نمونه‌ای بود از فدا شدن مطبوعات در راه مصالح عالیه!

ج

چاپ عمل انعكاس حروف و تصوير روى كاغذ به كمك وسائلى چون مركب و ماشين بمنظور تهيه روزنامه، مجله، كتاب و يا هر نوع نشریه و اوراق بتعداد مورد لزوم. قدیمی ترین نوع، چاپ ژلاتینی و سنگی بود و سیستم های بعدی به ترتیب بر سه نوع باشد: مسطح، افست و هلیوگراوور. نوع اول بوسیله حروف سربی و گراوور، برای تیراژ کم. به این ترتیب که حروف برجسته در ماشین چاپ مرکب خورد و با كمك سيلندر روى كاغذ منعكس شود. نوع دوم، چاپ افست كه انعكاس فيلم حروف و عكس سياه و سفيد و رنگی باشد بر روى صفحات فلزی مخصوص به نام زينك (پليت) و انداختن آن روى ماشين چاپ افست: با استفاده از مركب و بعضی داروهای شیمیائی، و بالاخره تبدیل به چاپ روى كاغذ. این سیستم برای تیراژ بالا و کیفیتی بهتر از چاپ مسطح به شمار آید. نوع سوم چاپ هلیوگراوور خوانده شود که برخلاف دو نوع گذشته بطور عمیق و توگود صورت گیرد. آنچه در چاپ مسطح برجسته باشد اینجا بر اثر ترکیبات شیمیائی، از فیلم حروف و عكس، روى سيلندرهائى مخصوص گودشود و بکار آید. هزینه چاپ هلیوگراوور زیاد است و به این سبب فقط برای چاپ مجلات پر تیراژ مورد استفاده قرار گیرد. چاپ ژلاتینی تا دهه ۱۲۹۰ و چاپ سنگی تا نیمه اول دهه ۱۳۰۰ در ایران تعمیم داشت. از آن پس چاپ سربی فائق آمد. از چاپ هلیوگراوور فقط يك دستگاه

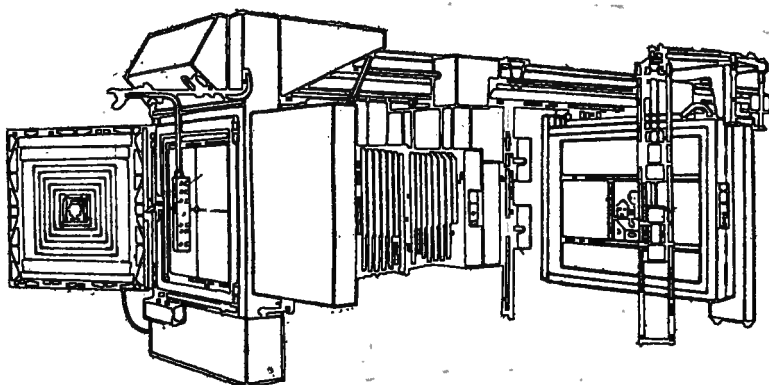
از نیمه دهه ۴۰ در مؤسسه اطلاعات کار می‌کند و گویا چاپخانه دولتی نیز ماشین مشابه آنرا داشته باشد. در گذشته سیستم چاپ سنگی که متن روی سنگ حکاکی می‌شد در اصطلاح فنی لیتوگرافی عنوان داشت. اما امروز در صنعت چاپ، لیتوگرافی به این ردیف امور مربوط به چاپ اطلاق شود: تهیه حروف، عکس رنگی، رتوش، مونتاژ و تبدیل به‌زینک (پلیت) تا رسیدن به ماشین چاپ.



ماشین چاپ افست يك رنگ

چاپخانه مؤسسه یا کارگاهی را گویند که از عهده انجام کارهای مطبوعاتی از قبیل چاپ روزنامه، مجله، کتاب، انواع دفاتر، اوراق چاپی، تهیه گراور و کارهای مشابه برآید. در گذشته آنرا دارالانطباع، دارالطباعة، مطبعه، باسمه‌خانه می‌خواندند. افرادی که در چاپخانه به امور فنی از قبیل حروفچینی، صفحه‌بندی، گراور - سازی و کار با ماشین‌ها اشتغال دارند کارگر محسوب گشته و از حقوق خاص طبق قانون کار برخوردار باشند. دیگران که در دفتر کار کنند کارگر به‌شمار نیایند.

چاپ دوم تکرار عین چاپ اول روزنامه / مجله در صورت فروش سریع تمام نسخ و یا لزوم تغییر قسمتی از چاپ اول (و در روزنامه معمولاً صفحه اول) به منظور جا دادن خبر واقعی مهمی که در جریان و یا بلافاصله بعد از چاپ اول روی داده باشد. در چنین صورتی دو کلمه «چاپ دوم» با حروف درشت و گاه رنگی در صفحه اول منعکس شود. در صورت تکرار چاپ، رقم سوم یا چهارم و امثال آن بدنبال واژه چاپ ذکر گردد.



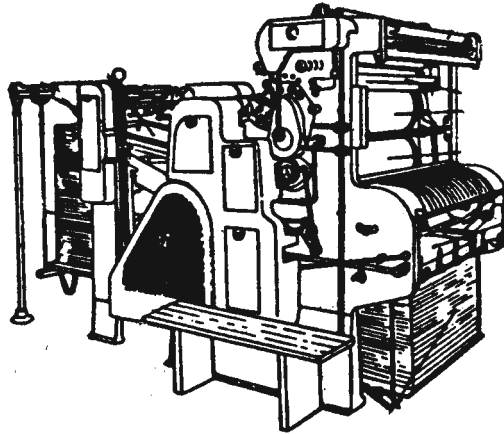
دوربین تهیه فیلم

چاپ ژلاتینی (عنوان مرکب از دو کلمه فارسی و خارجی) روش چاپ کردن روزنامه / نشریه با استفاده از ژلاتین و محلولهای ویژه برای تکثیر نسخه دستی. اواخر دوره استبداد با بپاخواهی برای مشروطیت از این روش در جهت تهیه شبنامه و اوراق تبلیغ سیاسی استفاده می‌شد.

چاپ سنگی یا لیتوگرافی (واژه خارجی) ر. ک. چاپ، صفحه مسی.

چاپ، ماشین دستگاهی که عمل چاپ با آن انجام گیرد. انواع

مختلف دارد. متداولترین نوع ویژه چاپ مسطح و افست باشد. از نظر اندازه کوچکترین آن برای قطع 25×35 سانتیمتر و بزرگترینش برای قطع 120×60 سانتیمتر (معروف به شش ورقی) کوچکترین نوع متداول چاپ مسطح در ایران ملخی نام دارد. ماشین شش ورقی در مملکت ما کم، و بزرگترین نوع معمول چهار و نیم ورقی افست باشد که به قطع 100×70 سانتیمتر چاپ کند. بعضی از آنها در آن واحد دو و یا چهار رنگ را با هم به چاپ رسانند. ماشینهای معروف به افست رتاتیو ویژه چاپ مجلات مصور با تیراژ بالا باشد.



ماشین افست چهار رنگ (۴/۵ ورقی)

چتک ۱ (واژه روسی) از ابزار چاپخانه. بروس یا ماهوت پاک‌کن مخصوص تمیز کردن قسمت فوقانی (سطح) حروف قبل از چاپ که با کمی بنزین آغشته شود و کار نظافت انجام گیرد. بعضی‌ها آنرا شتک (بر وزن پتک) و همچنین شت (بر وزن ثم) هم تلفظ کنند.

چرخ کش گرداننده دستگیره چرخ دوار ماشین چاپ از انواع

اولیه که تا نیمه دهه ۱۳۰۰ معمول بود. قدرت چاپ بادستحدود ۳۰۰ نسخه در ساعت بوده است. ر. ك. كاغذ پده.

چرك از انواع كاغذ كه بیشتر برای مجلات مورد استفاده قرار گیرد.

چسب‌زنی، ماشین از وسائل چاپخانه. دستگاه ویژه مالیدن چسب به عطف نشریه / كتاب برای صحافی. اوراق لت و یا فرم در آن نشانده و بوسیله تنگ و بست محكم گردد. عطف پس از چسب‌خوردن آرام برهم می‌خورد تا مایع کمی لابلای صفحات نفوذ یابد و باعث استحکام گردد. اوراق كه معمولاً چند جلد كتاب است بعداً كناری‌قرار می‌گیرد تا خشك شود. جداسازی مجلدات از یكدیگر خیلی آهسته و چه بسا با نوک چاقو انجام پذیرد. ر. ك. صحافی.

چفت از ابزار چاپخانه. وسیله‌ای فلزی و سنگین برای محكم كردن حروف در رانكا تا بهنگام چاپ نریزد. وسیله كلید كردن حروف در رانكا بشمار آید.

چاپخانه چاپخانه. مطبعه. برسم‌الخط معمول در اغلب مطبوعات قدیم فارسی چاپ شبه‌قاره هند.

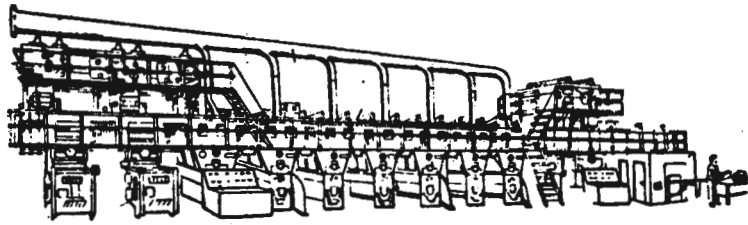
چهار برگ و نیم از انواع كاغذ باتوجه به قطع (۷۰×۱۰۰ سانتیمتر).

چهار برگی از انواع كاغذ با توجه به قطع (۷۲×۹۰ سانتیمتر).

چهره جدید مشی و روش دوره تازه روزنامه / مجله كه پس از مدتی تعطیل، و انتشار مجدد دیده شود. اداره شدن و انتشار توسط فرد یا گروهی جدید با نظر و دیدی سوای آنچه ناشر سابق

داشته است. در «چهره جدید» گاه قطع نشریه کم و زیاد شود تا از نظر ظاهر نیز خواننده را جلب کند.

چیلن حروفچینی کردن در چاپخانه (این سطر را به چین) آنرا زدن هم گویند (این مقاله را بزن).



ماشین چاپ کراوری چند رنگ (لیتربرس)

ح

هجری چاپ سنگی. ر. ك. چاپ.

حرف واحد تشکیل دهنده واژه در حروفچینی. مفهوم و پیام در مقاله (در این مقاله حرفی تازه ندارد) یعنی نکته جدیدی ارائه نمیدهد.

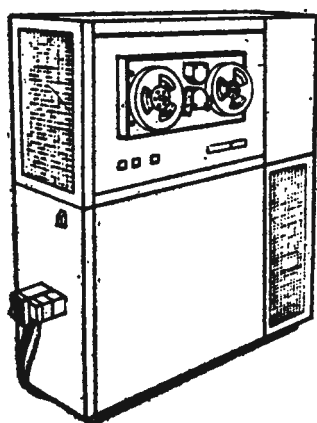
حرفه‌ای، روزنامه‌نویس کسی که از کار روزنامه‌نگاری امرار معاش کند و شغل و درآمد دیگری نداشته باشد. تعداد اینگونه افراد در روزنامه‌نگاری معاصر ما بسیار نادر است. زیرا سطح دستمزد در این حرفه چنان پائین باشد که کفاف زندگی يك خانواده را ندهد. آنهایی که در این رشته‌اند ناچار باید کار دیگری هم برای خود دست و پا کنند.

حروف چاپ حرف در شعبه حروفچینی يك ستون كوچك سربی در حروفچینی دستی است به ابعاد مختلف اما ارتفاع ثابت که حرف منظور مثلا الف. ب. و غیره روی آن قرار گیرد. ستون و حرف آن با هم قالب‌ریزی شود. در حروف چاپی فارسی ارتفاع هر حرف برابر سیستم آلمانی و فرانسوی یعنی نزدیک به ۲۳/۵۷ میلیمتر باشد. قطر یا عرض آنها بسبب داشتن حرف اول، وسط، آخر و تنها

در زبان فارسی متفاوت است. حروف در يك تقسیم‌بندی کلی بر دو نوع باشد: نازک و سیاه. تعداد حروفی که در يك سطر (۹ سیسرو) جای گیرد بنسبت نوع متفاوت باشد. در اینجا دو نوع حروف معروف به سعدی و فردوسی از این حیث از نظرتان گذرد:

سعدی		
نازک	سیاه	هر سطر
۸	۸	۳۱ حرف
۱۰	۱۰	۲۷ حرف
۱۲	۱۲	۲۷ حرف
فردوسی		
۹	۹	۲۷ حرف
۱۲	۱۲	۲۶ حرف
۱۶	۱۶	۲۰ حرف
—	۱۸	۱۵ حرف
—	۳۰	۸ حرف
۳۶	۳۶	۷ حرف
۴۸	۴۸	۶ حرف
—	۶۰	۵ حرف
—	۷۲	۴ حرف
—	۸۴	۳ حرف

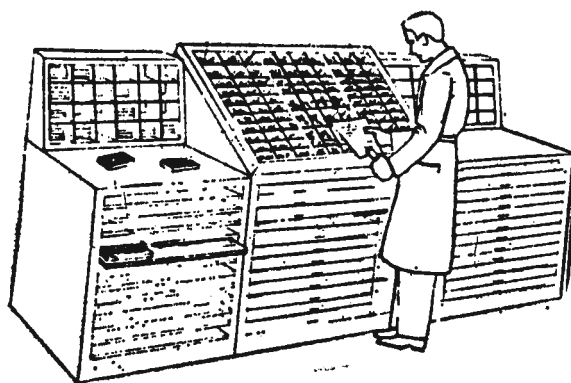
در جدول فوق اساس بر هر سطر یعنی ۹ سیسرو باشد. این دو نوع، اولین حروفی است که در خارجه ریخته شد و معرب نبود یعنی جنبه فارسی داشت. حروف سعدی بطور کلی نازکتر از حروف فردوسی است. حروف چاپی فارسی حروف‌ریزی شده است. نوع قدیمی حروف چاپ را رصاصی می‌گفتند. قالب حروف در روش جدید لاینوتایپ و اینترتایپ را ماتریس نامند.



ماشین کامپیوتری برای
عکسبرداری حروفچینی

حروف چوبی پایه یا ستون حروف چاپ معمولاً سربی است. بعضی از انواع بالای آن و بویژه بزرگتر از ۸۴ که مصرف نادر دارند دارای پایه‌چوبی باشند. عنوان حروف چوبی به اینگونه حروف اطلاق گردد.

حروفچین کسی که با مشاهده خبر یا مطلب نوشته شده عین حروف را از گارسه بردارد و کنار هم در ورساد چیند تا کلمه ترکیب



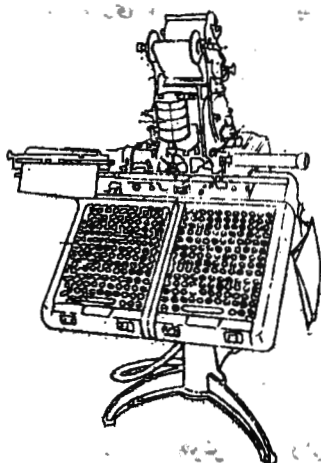
حروفچین در حال کار جلوی گارسه

شود. آنگاه سطرها را پشت سر هم قرار داده و ستون چیده شده را به‌رویه خاص با نخ پرک بندد که از هم نپاشد و برای مراحل بعدی کار در اختیار متصدی امر قرار دهد. با پیشرفت صنعت چاپ خبر و مقاله با دستگاه‌هایی نظیر ماشین تحریر حروفچینی یا حروف‌ریزی شود. سیستم حروفچینی دستی در اکثر چاپخانه‌های ما تا نیمه اول دهه ۵۰ عمومیت داشت و حروفچین به‌مان رسم گذشته کار می‌کرد. عنوان کسی که حروفچینی را شروع کند مبتدی باشد.

حروفچینی تهیه مقدماتی فنی خبر / مطلب برای چاپ‌بوسیله حروف صورت می‌گیرد که در عمل، آنرا حروفچینی گویند. به عبارت دیگر قرار دادن حروف چاپ به‌ترتیب متن خبر / مطلب، تشکیل سطر طبق ستونی که در حاشیه خبر / مطلب نوشته شده، ایجاد ستون و تحویل آن برای تصحیح، غلطگیری و صفحه‌بندی: یعنی حروفچینی. این عمل بر دو نوع انجام گیرد (الف) دستی (ب) ماشینی. کار حروفچینی دستی وسیله شخص حروفچین است، که حرف‌ها را يك يك از خانه‌های گارسه بیرون آورده به‌ترتیب در ورساد قرار می‌دهد. ولی حروفچینی ماشینی، انسان جای خود را به ماشین داده است. برای چیدن حروف در این نوع، حروفچین (اوپراتور) مانند کار ماشین-نویسی، شستی‌های صفحه‌ای به‌نام «کی‌برد» را فشار می‌دهد. به‌محض فشار انگشت روی حرف مورد نظر، قطعات برنجی بنام ماتریس که داخل مخزنی به‌نام «ماگازین» بالای ماشین حروفچینی جای دارد، پائین آمده و به‌ترتیب در ورساد جمع می‌شود، و با فواصلی که در جاهای معین قرار دارد قالب يك سطر را تشکیل می‌دهد. اگر دسته‌ی ورساد به‌سوی پائین کشیده شود، این قالب پس از عبور از يك‌کانال کوتاه در وسط آسانسور اول قرار می‌گیرد، که آنرا داخل گیره‌ای به نام فك جای می‌دهد. در پشت فك چرخ قالب‌ریزی به‌اندازه‌های مختلف يك‌ستونی، دوستونی، سه‌ستونی و غیره بسته شده است. قالب سطر برحسب اندازه (عرض) آن در جای معین چرخ قالب‌ریزی قرار می‌گیرد. در عقب این چرخ، دیگ پر از سرب ذوب شده تعبیه گردیده که به مجرد قرار گرفتن سطر در چرخ به‌طرف مقابل متمایل می‌شود

و سرب آب شده قسمت‌های فرورفته ماتریس‌ها را که هرکدام نماینده و معرف حروف و علامات است پر می‌کند. سطر کامل ریخته می‌شود. در این موقع آسانسور اول ماتریس‌ها را بطرف بالا حمل می‌کند و برای برگرداندن بجای اولیه خود تحویل آسانسور دوم می‌دهد. در حین این عمل، چرخ قالب‌ریزی به‌گردش ادامه می‌دهد تا سطر ریخته شده بوسیله تیغه‌ای که در پشت و طرف چپ آن نصب شده است صاف شود. هنگامی که چرخ قالب‌ریزی دور خود را تمام کرد و ایستاد، سطر ریخته شده با فشار تیغه دیگری که در طرف راست و پشت چرخ قرار دارد به‌طرف بیرون رانده می‌شود. پس از اینکه آسانسور اول ماتریس‌ها را تحویل آسانسور دوم داد، فاصله‌های فولادی بین کلمات از ماتریس‌ها جدا شده و به توسط پنجه جمع‌کننده به جای خود منتقل می‌گردد. ماتریس‌ها نیز بنوبه خود بوسیله آسانسور دوم بطرف بالا برده شده و به کمک میله گردان ماتریس پخش‌کن، در کانال‌های مخصوص خود قرار می‌گیرد (با اجازه و تشکر. به نقل از کتاب آئین روزنامه‌نگاری) معروف‌ترین ماشینهای حروفچینی متداول در ایران لاینوتایپ و اینترتایپ نام دارند. حروفچین در روش قدیم در هر ساعت بطور متوسط یکصد سطر می‌چیند. ولی با استفاده از ماشین در همان مدت ۲۵۰ الی سیصد سطر ریزد.

در سیستم جدید، ماشین‌های کوچک و متعدد برای حروفچینی طرف استفاده باشد که معروفترین آنها یکی ماشین حروفچینی با کارت مغناطیسی از نوع آی. بی. ام.، دیگری موسوم به کامپوزر و سومی بنام کامپیوگراف یا کامپیوست است. ردیف اول نوعی ماشین تحریر الکترونیکی باشد که کلمات را روی کارت مغناطیسی ماشین کند. کارت آن را پنجاه سطر گنجایش است. با قرار دادن مجدد کارت ماشین شده در جای خود نسخه دوم و به همین ترتیب نسخ اضافی به‌دست آید. دستگاه حافظه این ردیف ماشین‌ها مجزاست. ردیف دوم عین ردیف اول است با این تفاوت که حافظه در خود ماشین نصب و گنجایش کارت بیش از هفتاد سطر باشد. برای ردیف سوم ر. ک. کامپیوست.



دستگاه حروفچینی استاندارد مونوفتو

حروف‌شمار از ابزار شعبه حروفچینی، خط‌کشی که برای اندازه‌گیری‌های چاپی به‌کار رود و براساس پنت و سیسرو مدرج گشته باشد.

حزبی روزنامه / مجله‌ای را گویند، که نظریات و عقاید حزب خود را تبلیغ کند و اخبار آنرا انتشار دهد. چنین نشریه‌ای را ارگان آن حزب نیز خوانند. تعدادی از مطبوعات ایران در جریان آغاز مشروطیت به‌تدریج برای اولین بار جنبه حزبی و گروہی به خود گرفتند. در سالهای ۳۲-۱۳۲۰ بار دیگر روزنامه‌های متعدد حزبی در سطح وسیع انتشار یافت. انتشار مطبوعات حزبی و ارگان‌ها برای سومین بار از اواخر سال ۱۳۵۷ تا مدتی رونق داشت. ر. ک. ارگان.

حق‌الاشترک ر. ک. اشتراك.

حق‌الدرج بهای آگهی یا مطلبی را گویند که طبق تعرفه و جدول قیمت آگهی، در نشریه‌ای به‌چاپ رسد. در سالهای اولیه

روزنامه‌نگاری آن را حق الطبع می‌گفتند. ر. ك. آگهی، آگهی‌یاب، شماره آگهی.

حق الطبع مبلغی که بابت چاپ آگهی در يك نشریه پرداخت می‌شد. ر. ك. ردیف پیش.

حقوق دستمزد ماهانه عضو هیأت تحریری يك نشریه. افرادی که اتفاقی و یا به‌دهوت، خبر و مقاله تهیه و یا ترجمه کنند، آثار چاپ شده آنها بر یکی از سه اساس ستونی، مقاله‌ای، صفحه‌ای محاسبه و حق الزحمه در پایان ماه پرداخت گردد.

حکومت کشوری هبارتی در برابر حکومت نظامی. همیشه حکومت کشوری برقرار است مگر در موارد و مواقع خاص مثل زمان جنگ و یا بحران‌های سیاسی که استقرار حکومت نظامی الزام‌آور تشخیص داده شود.

حکومت نظامی در شرایط و احوال خاص، چون جنگ، اعلام شود و حاکم نظامی امور امنیتی شهر را زیر نظر گیرد. مقررات ویژه خود را دارد و ممنوعیت‌هایی ایجاد کند: از جمله برای مطبوعات که بسیار زیاد و سنگین باشد. در جنگ جهانی دوم و سالهای بعد از آن، حکومت نظامی از شهریور ۱۳۲۰ شروع شد و فروردین ۱۳۳۶ پایان یافت. در این فاصله طولانی گاه موقتاً مقررات آن لغو می‌شد. ر. ك. ماده پنج.

حوزه منطقه و یا مؤسسه‌ای که برای خبرنگار منظور گردد تا از آن کسب خبر کند. (حوزه پارلمانی - حوزه فرهنگی - حوزه اقتصادی).

خ

خارج از چاپ تمام شدن نسخ چاپ شده يك كتاب / بروشور
در بازار فروش.

خام خبر يا مطلب ناقص را گویند.

خبر مجموعه‌ای از لغات و عبارات که وقوع یا انجام کاری را
اطلاع دهد. از مهره‌های ستون فقرات و بنیان روزنامه باشد.

خبرپراکنی ایجاد شایعات. مؤسسه فرستنده خبرهای رادیویی
(مؤسسه سخن‌پراکنی بی. بی. سی.)

خبر خوردن چاپ شدن خبری در روزنامه رقیب که روزنامه
خودی فاقد آن باشد. خبر خوردن يك خبرنگار گاه جریمه مالی بدنبال
دارد.

خبر دست اول اطلاع از امری، بدست آمده از کسی که یا در
متن آن است و یا کاملاً از آن مطلع، و منتشر کردن آن برای نخستین
بار. خبر دست اول را خبر خصوصی و خبر مستقیم نیز عنوان کنند.

خبر زدن عکس خبر خوردن. خبر زدن به رقیب گاه تشویق مالی برای خبرنگار بدنبال آورد.

خبرگزاری مؤسسه‌ای ملی یا دولتی را گویند که اخبار روز را در يك یا چند کشور، توسط خبرنگاران خود، تهیه کند، و پس از بررسی و ویرایش و احتمالاً گردش آن در جهت مشی کلی و خط خود به مراکز گیرنده و مشترکین مخابره نماید. این امر در گذشته تلگرافی و بعد توسط دستگاهی به نام «هل» انجام می‌شد. امروز بوسیله تلکس و چه بسا از طریق ماهواره. خبرگزاریها رفته رفته در جهان سیاست به شکل غول‌های سرنوشت‌ساز درآمده و اکثراً اخبار را از دیدگاه منافع خود و یا دولت‌های مربوط تهیه، تفسیر و مخابره کنند. در مجموع به يك عامل جدید قدرت و فشار بر دول كوچك درآمده‌اند. بهمین سبب لقب «امپریالیسم خبری» به آنها اطلاق شود. خبرگزاریها که تعدادشان بالغ بر ۱۱۷ واحد است از نظر طبیعت‌کار و موضوع به سه گروه کلی تقسیم‌اند: ملی، جهانی، اختصاصی. از نظر موقع جغرافیائی به این ترتیب پراکنده‌اند: آسیا ۴۴، اروپا ۲۸، آفریقا ۳۰، امریکای شمالی ۴ و امریکای جنوبی ۱۱. تمام آنها از حیث فعالیت و اهمیت در يك ردیف قرار ندارند. صرف نظر از اینکه اکثریت با دولتی‌ها است معروف‌ترین خبرگزاریهای بین‌المللی به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: آ. اف. پ. (فرانسه) ا. پی. (امریکا) تاس (شوروی) د. پ. آ. (آلمان غربی) رویتر (انگلستان) یو. پی. آی. (امریکا) بعضی از خبرگزاریهای منطقه‌ای دارای سازمان مشترک و اتحادیه هستند. از جمله: پول (سازمان مربوط به کشورهای غیرمتعهد) اوآنا (سازمان مربوط به خبرگزاریهای آسیائی) خبرگزاریهای معتبر جهان در تهران دارای نمایندگی‌اند که عده‌ای از آنها ایرانی و بقیه خارجی باشند. خبرگزاری رسمی ایران دولتی است و خبرگزاری پارس عنوان داشت که حدود دو سال پس از تغییر رژیم به خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران تغییر نام داده شده است. این واحد بسال ۱۳۱۳ تأسیس شد. نخست ضمیمه وزارت امور خارجه بود. شش‌سال بعد ضمیمه اداره کل تبلیغات گردید. از سال ۱۳۴۲ از ارکان وزارت

اطلاعات به‌شمار آمد. ولی یازده سال بعد استقلال یافت. دارای دو شبکه داخلی و خارجی برای ارسال خبر به‌زبانهای فارسی و انگلیسی و عربی است. از دستگاه‌های تله‌پرینتر و تلکس برای این امر استفاده می‌کند. در چندین کشور از جمله معالک جهان سوم نمایندگی دارد.

خبرنگار شخص موظفی که برای بدست آوردن خبر تلاش کند، وقوع یا انجام کار و حادثه‌ای را برای نشریه بنویسد و برای انجام امر دارای پروانه و مجاز باشد. نماینده روزنامه و مجله‌شناخته شود و در مقابل دبیر سرویس خود و یا سردبیر مسئول باشد. از مهره‌های اصلی هیأت تحریری بشمار رود. تا نیمه دوم دهه ۱۳۰۰ مخبر خوانده می‌شد. مطبوعات اولیه فارسی در شبه قاره هند او را «سوانح‌نگار» می‌نامیدند. خبرنگاران به‌پنج گروه اصلی تقسیم شوند که عبارت است از: سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و عکاس. هر یک از اینها ممکن است شاخه‌هایی داشته باشد. در عرف مطبوعات، خبرنگاری شرایطی دارد که از آن جمله است: تابعیت ایران. داشتن بیست سال سن برای امور اجتماعی و سی سال برای خبرنگاری سیاسی. برای دو گروه دوم و سوم فوق‌الذکر سه سال سابقه خدمت در مطبوعات و داشتن دیپلم متوسطه در پایتخت. خبرنگار سیاسی باید تحصیلات بالاتر داشته و دست کم با یک زبان خارجی خوب آشنا باشد. معروفیت به‌حسن شهرت و داشتن صلاحیت اخلاقی. نداشتن سابقه محکومیت جنائی و جنحه‌ای. ارائه معرفی‌نامه کتبی از طرف روزنامه یا مجله مربوط. نبودن در استخدام رسمی یا غیر رسمی وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و شرکتها و سازمان‌های وابسته به دولت و دریافت نکردن هیچ نوع حقوق و یا دستمزد و پاداش از مؤسسات مذکور. یک خبرنگار می‌تواند در چند روزنامه یا مجله انجام وظیفه نماید ولی در هر مورد باید جداگانه از طرف هر روزنامه و یا مجله به‌وزارتخانه و مؤسسه مربوط معرفی شود. در صورتی که به خدمت خبرنگار خاتمه داده شود، صاحب امتیاز و پروانه نشر موظف است مراتب را فوراً به‌وزارت و مؤسسه مزبور به‌منظور لغو پروانه خبرنگاری اطلاع دهد. لغو پروانه انتشار و یا تعطیل شدن روزنامه/

مجله موجب لغو کارت خبرنگاری آنها گردد. وظائف خبرنگار نیز بر همان اساس عمدتاً عبارت است از اینکه اطلاعات صحیح را بدست آورده و به مؤسسه متبوعه گزارش کند. در مراسم کارت‌خبرنگاری‌را ارائه دهد. فقط در حدود صلاحیت خود اقدام به کسب خبر نماید. کسب اخبار از مقامات انتظامی و نظامی و عکس‌برداری از مؤسسات نظامی و جاهائی که با امنیت عمومی مرتبط است بدون اجازه ممنوع باشد. کسب خبر از جریان دادرسی‌های محاکم و دادسراها بطور کلی و عکس‌برداری از جلسات سری دادگاه‌ها و همچنین تحصیل اخبار از مدارک سری دولتی بپهر عنوان ممنوع باشد. خبرنگار حق ندارد در مصاحبه‌ها هیچگونه دخل و تصرفی بنماید و نقل قول مطالب باید عین کلمات مصاحبه‌شونده باشد.

خبرنگار اعزامی خبرنگاری که برای کسب اطلاع از جریان وقوع حادثه و خبری به‌خارج از محل انتشار روزنامه فرستاده شود. تعداد خبرنگار اعزامی تابع اهمیت و وسعت حادثه و موضوع باشد.

خبرنگار ضربتی مخبری که سریع‌تر از سایر همکاران، حتی در سرویسی غیر از سرویس و حوزه خبری خود، بتواند جزئیات خبر مهمی را بدست آورد. به‌اینگونه افراد «خبرنگار در اختیار سردبیر» هم گویند. خبرنگار ضربتی معمولاً انفرادی کار کند مگر در موارد خیلی مهم و گسترده که کار گروهی انجام گیرد.

خبرنویس کسی را گویند که خبر را روی کاغذ آورد. ر.ك. خبرنگار.

خبرنویسی خبرنگاری.

خط منطقه‌ای را گویند که گروه‌معینی موزع در آن، روزنامه و مجله فروشد. نشریات بزرگ، شهر را از نظر توزیع به چند خط تقسیم کنند. ر. ك. توزیع.

خط روش، مشی، موضع.

خط‌برنج از ابزار چاپخانه. فاصله مشخص‌کننده دو ستون یا دو مطلب از یکدیگر. بر چند نوع باشد: مخطط (پدروشه) دوردفتری (دوخط) نازک (سیاه) گرده (قطور و سیاه) خط برنج براساس پنت باشد و از شش پنت دو تا یکی بالا رود (سه میلیمتر تا نه سانتیمتر).

خط برنج تیغی از ابزار چاپخانه. وسیله‌ای که برای برش دادن مقوا بخصوص در جعبه‌سازی به‌نگام چاپ، بکار رود.

خط برنج قالبی از ابزار چاپخانه. خط برنجی که با نصب در چوب به‌اشکال مختلف، برای برش مقوا و کاغذ در ماشین بکار رود.

خط پرفراژ (اسم مرکب از دوکلمه فارسی و خارجی) از وسائل چاپخانه. خط برنجی مغزرس و تیز که در جریان چاپ بر اثر فشار ماشین، قسمت منظور شده کاغذ را سوراخ کند تا برای بریدن آسان شود (کناره چک یا بلیت سینما) نورد ماشین چاپ با این خط برنج تماس حاصل نکند.

خط‌دار خبری را گویند که تهیه‌کننده و یا خبرگزاری، آنرا براساس مشی خاص تنظیم کرده و اصل بیطرفی را رعایت نکرده باشد (این خبر خط‌دار است: یا خط دارد) ر. ک. بی‌خط، آب - خوردن.

خط‌زنی، ماشین از وسائل چاپخانه. دستگاه ویژه خط‌گذاری عمیق روی کاغذ که بیشتر برای خط‌زنی عطف کتاب بکار رود.

خط‌مشی روش و سیاست روزنامه / مجله نسبت به مسائل. ارگان‌های حزبی در این مورد تابع سیاست و مشی کلی حزب خود

باشند. ر. ك. خط.

خوانندگان تکیه‌گاه اصلی يك نشریه. گروهی که تمام زحمات تهیه و چاپ برای اوست. بطور کلی ناشناس است. طرف لطف نشریه قرار دارد ولی همه منت‌ها هم بر سر او گذارده شود.

د

دائر براه انداختن و بپا کردن روزنامه / مجله (او بالاخره روزنامه‌ای دائر کرد).

دارالطباعة از واژه‌های قدیمی روزنامه‌نگاری و چاپ. به محل چاپ هر نوع نشریه گفته می‌شد. ر. ک. چاپخانه.

دارالطباعة مبارکه نام واحدی که در آغاز روزنامه‌نگاری در ایران چاپ کردن روزنامه‌های دولتی را بر عهده داشت.

داغ به کنایه خبری را گویند که افرادی محدود از آن مطلع باشند و انتشارش در محافل ایجاد تحیر توأم با سر و صدا کند. انتشار خبر داغ به اعتبار و حیثیت نشریه افزایش می‌دهد.

دبیر مسئول واحد و یا گروهی را گویند که زیر نظر او در هیأت تحریری کار کنند. در برابر سردبیر مسئول است. وی را دبیر سرویس هم نامند.

دبیر اداره مسئول امور تحریری روزنامه در دوره‌های اولیه روزنامه‌نگاری. این عنوان برابر سردبیر در دوره معاصر است.

د. پ. آ. ۱ مخفف عنوان خبرگزاری آلمان فدرال (غربی) ر.
ك. خبرگزاری.

دراز کردن احضار يك عضو هیأت تحریری از طرف مقامات رسمی به سبب خبر یا مطلبی که از او چاپ شده است، و بازپرسی از او. (خبرنگار سیاسی را باز دراز کردند) دراز شدن گاه عواقب نامطلوب در پی دارد. ر. ك. آب‌خنك.

درج اصطلاحی که برای چاپ مطلب و بویژه آگهی در روزنامه / مجله به کار رود. مجموع آنچه را که در يك شماره به چاپ رسیده «مندرجات» خوانند.

درجه يك عنوان خبری که پس از تنظیم باید فوراً و با حق اولویت نسبت به اخبار دیگر روی تلکس رود.

دست اول صفت خبر و مطلبی که قبلاً چاپ نشده، کمتر کسی پیش از چاپ از آن آگاه بود و کاملاً بکر باشد. ر. ك. خبر دست‌اول.

دست به قلم قدرت نویسندگی سریع برای مسائل و موضوع‌های مختلف (او دست به قلمش خوب است) معنی دیگری به کنایه دارد. نوشتن مطلبی بلافاصله پس از تحت تأثیر قرار گرفتن از امری (او دست به قلم است).

دستگاه واژه استعاری برای حکومت بطور کلی.

دستمزد مبلغی که در مقابل کار مطبوعاتی پرداخت شود. در سیستم استخدامی روزنامه‌ها و مجلات ماهانه پرداخت گردد. ر. ك. حقوق.

دفن کردن خواباندن خبر در پرونده مربوط و استفاده نکردن از آن را گویند.

دکتر مصاحب (غلامحسین)، حروف نوعی حروف مورب چاپ. ر. ك. ایرانیك.

دنباله‌دار داستان / مقاله / مطلبی که چاپ تمام آن در يك شماره مقدور نباشد. داستانهای دنباله‌دار یا مسلسل، از جمله مطالب حافظ تیراژ مجله محسوب شود.

دوبرگی نوعی کاغذ از نظر قطع (۷۰×۵۰ سانتیمتر).

دوخت عملی در صحافی برای بهم متصل کردن فرم‌های چاپ شده. ر. ك. ته‌دوزی.

دوخط از ابزار چاپخانه. از انواع خط برنج. ر. ك. خط برنج.

دور دفتری از ابزار چاپخانه. نوعی خط برنج. ر. ك. خط برنج.

دورو چاپ دو طرف صفحه و یا فرم را گویند. ر. ك. يك‌رو.

دوره مجموعه‌ای از روزنامه / مجله که تجلید شده باشد. نشریات يك ساله دوره و جلد شود. تمام شماره‌های يك نشریه تعطیل شده را هم دوره گویند. (او يك دوره از آن روزنامه را دارد).

دوره دوره‌های مطبوعات را از نظر تاریخ و زمان می‌توان به این شرح تقسیم کرد: آغاز انتشار مطبوعات تا مشروطیت (۲) مشروطیت تا پایان قرن سیزدهم شمسی (۳) شروع قرن چهاردهم تا

شهریور ۱۳۲۰ (۴) دوازده سال ۳۲-۱۳۲۰ (۵) ربع قرن بعد و (۶) دوره‌ای که از نیمه دوم سال ۱۳۵۷ شروع شود. بعضی از مورخان و نویسندگان دوره‌های مطبوعاتی را بسلیقه خود از نظر موضوع و یا دلائل دیگر تقسیم‌بندی کرده‌اند.

دولتی اصطلاح مطبوعاتی خطاب به تمام نشریاتی که از طرف وزارت‌خانه‌ها و سازمانهای وابسته به دولت انتشار یابد. اینگونه نشریات کمتر برای فروش روی بساط مشاهده شود.

دو هفته‌نامه نشریه‌ای که در هیأت روزنامه ظاهر شود ولی هر ۱۵ روز یکبار انتشار یابد. معمولاً هشت صفحه یا بیشتر باشد. این اصطلاح زیاد متداول نباشد. آنرا بیشتر دو شماره در ماه گویند. ر. ک. هفته‌نامه.

دید ۲ (واژه خارجی) اصطلاح چاپخانه. از سیستم‌های مربوط به اندازه‌گیری خروف چاپ. این اصطلاح آلمانی / فرانسوی باشد. «دیدوت» هم به آن گویند. ر. ک. پنط.

د

۱- **وآل (واژه روسی):** گارسه-کشوئی را گویند. آنرا رئال هم نویسند. ر. ك. گارسه. (واژه روسی) گارسه-کشوئی را گویند. آنرا رئال هم نویسند. ر. ك. گارسه. (واژه روسی) گارسه-کشوئی را گویند. آنرا رئال هم نویسند. ر. ك. گارسه.

۲- **راپرت (واژه فرانسوی):** گزارش. تا دهه ۱۳۱۰ در مطبوعات بکار می‌رفت. راپورت هم نوشته شده است.

۳- **رادیو و تلویزیون:** از وسائل ارتباط جمعی. در ایران تشکیلاتی است دولتی که تمام کارهای مربوط به اداره آن و تهیه و دادن خبر را انجام دهد. در رژیم گذشته «سازمان رادیو-تلویزیون ملی ایران» عنوان داشت و در رژیم کنونی «صدا و سیما» جمهوری اسلامی ایران.

۴- **رانگا (واژه روسی):** از ابزار چاپخانه. يك چهار ضلعی کف‌دار فلزی. روی سنگ فرم‌بندی نشیند. ستون یا مطلب چیده شده در آن قرار گیرد و با استفاده از بابوشکه به دیواره‌ها سفت شود. آنگاه رانگا برای چاپ مطلبی که در آن قرار دارد به ماشین چاپ انتقال یابد. آنرا شاسی هم گویند. بعضی از نمونه‌های رانگا شبیه به سینی باشد. يك چهار ضلعی فلزی را هم که صفحه در ماشین چاپ داخل آن محکم

- 1- Real 2- Raporte 3- Ranga (Ramka)

گردد، رانگا خوانند. این يك را كف نباشد و كف آنرا همان سینی ماشین تشکیل دهد. این ابزار چاپخانه در تلفظ عامیانه رانکا و رامکا هم گفته شود.

راهرو واژه استعاری برای رساندن این مفهوم که خبر / شایعه در يك محل به‌گوش رسد ولی هنوز از طرف مقامات مربوط مورد تأیید قرار نگرفته باشد. (در راهروهای وزارت‌خارجہ شایع‌است که...) ترجمه کلمه خارجی «کریدور» است که به روزنامه‌نگاری فارسی راه یافته.

راهنمایی روزنامه‌نگاری، اداره اداره‌ای در دهه ۱۳۱۰ در وزارت داخله (کشور) که علیرغم نامش وظیفه آن بازدید و ممیزی نوشته‌های مطبوعات بود. عملاً ولی غیر مستقیم با دائره تفتیش مطبوعات در اداره اطلاعات نظمیّه (شهربانی) همکاری داشت. ر. ک. سانسور.

رپورتاژ ۴ (واژه فرانسوی) گزارش مفصل، با ذکر جزئیات از يك موضوع و یا يك اتفاق. نوع کامل واقعه‌نویسی. بر سه قسم باشد: اول، فقط با بکار بردن کلمات تهیه شود. دوم، نوشته همراه با عکس باشد. سوم، مصور یعنی با استفاده از عکس‌های متعدد با حداقل کلمه. برای رادیو شفاهی و برای تلویزیون شفاهی توأم با تصویر (فیلم، اسلاید، یا عکس) باشد. در سینما که یکی از وسائل ارتباط جمعی شناخته شده راه ندارد و نوع نزدیک به آنرا مستند خوانند. ر. ک. ردیف بعد.

رپورتاژ آگهی (کلمه مرکب از دو واژه فرانسوی و فارسی) نوعی گزارش که مؤسسه‌ای در معرفی خود یا کالای خود راساً و یا بوسیله خبرنگار روزنامه تهیه کرده و چاپ شدن آن مستلزم پرداخت حق‌الدرج باشد. میزان این مبلغ از بهای معمولی آگهی بیشتر و

قراردادی است. رپورتاژ آگهی در مطبوعات ایران، که تقریباً از دهه ۲۰ مرسوم گشته، شماره آگهی و یا صفحه مخصوص و ستون ثابت ندارد. چه بسا که خواننده آنرا با نظر خود نشریه اشتباه کند که به سود مؤسسه تهیه‌کننده و در مسائل مالی و تجاری بخصوص گمراه‌کننده باشد. از اوایل دهه ۶۰ یکی دو روزنامه سعی دارند محل‌ثابتی برای آن انتخاب کنند و عبارت رپورتاژ آگهی را نیز بالای آن قرار دهند.

رپورتر ۵ (واژه فرانسوی) گزارشگر. کسی را گویند که خبر / مطلب را شفاهی و یا کتبی گزارش دهد. در ایران برای رادیو و تلویزیون بکار گرفته شده و مطبوعات به ندرت از آن استفاده کرده‌اند.

رتاتیو ۶ (واژه خارجی) نوعی چاپ و ماشین. در مکالمه آنرا رتاتیف هم تلفظ کنند. ر. ک. چاپ.

رتوش ۷ (واژه فرانسوی) رفع عیوب عکس / نگاتیو. به استعاره برای تصحیح و زیبا جلوه دادن مقاله / مطلب بکار رود. (مقاله‌اش را رتوش کردم).

رد کردن در دو مفهوم مثبت و منفی کاربرد دارد. مطلب یا خبر نوشته شده را برای دبیر، سردبیر و یا چاپخانه فرستادن (خبر را به چاپخانه رد کردم) قبول نشدن خبر یا مطلب از طرف مسئول‌امر (سردبیر خبرم را خط زد و رد کرد).

رسانه‌های گروهی اصطلاحی که برای وسائل ارتباط جمعی از اواخر دهه ۴۰ در بعضی از مطبوعات دیده شود. ر. ک. ارتباط جمعی.

رسانه‌های همگانی ر. ک. ارتباط جمعی.

5- Reporter

6- Rotative (Rotatif)

7- Retouche

رستم ر. ك. ارتباط جمعی. روزنامه‌نگاری
رسمیه واژه‌ای که در دوره‌های اول مطبوعاتی بجای «رسمی»
به‌کار می‌رفته است.
رصاصی نوعی حروف چاپ فارسی در گذشته دور. ر. ك.
حروف.

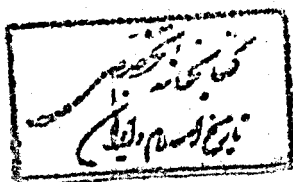
رکن چهارم مشروطیت اصطلاحی که برای مطبوعات در ایران
بکار می‌رفت. در قانون اشاره‌ای باین امر نداریم. این اصطلاح در
دوره‌های اول مجلس شورای ملی استعمال و بتدریج متداول شد.

رگلت ۸ (واژه خارجی) سطر سربی حروف چیده نشده را
گویند. نوعی اشبون، و کوتاه‌تر از ارتفاع سطر حروف چیده شده.

رگلت بر (واژه مرکب از کلمه خارجی با صفت فارسی)
ماشین کوچک دستی که رگلت را برطبق و اندازه دلخواه برش دهد.

رنگی اصطلاح عمومی برای مجلاتی که دارای تصاویر و
صفحات رنگی هم باشد. مجله‌ای را که تقریباً کلیه عکس‌ها و صفحه‌ها
های آن غیر سیاه باشد تمام رنگی خوانند. معمولاً نادر است. رنگی
بودن در گذشته تا اواسط دهه ۲۰ مهم و مزیت بشمار می‌رفت. از
آن پس از جمله واجبات تلقی گردید.

روا اصطلاح مطبوعاتی. به مهری اطلاق می‌گردید که در دهه
۱۳۱۰ از طرف اداره مربوط به‌سانسور مطبوعات بر صفحات مقالات
دستنویسی شده زده می‌شد، تا اجازه حروفچینی شدن را در چاپخانه
داشته باشد. آن را مهر روا نیز می‌گفتند.



روابط عمومی واحدی در مطبوعات بزرگ که بازدید مؤسسه را از طرف گروه‌های مختلف، شناساندن بیشتر نشریه به جامعه و اموری از این قبیل را ترتیب دهد. نوعی آگهی‌یاب غیر مستقیم و تهیه‌کننده خریدار روزنامه / مجله باشد.

روابط عمومی فنی در تبلیغ و بازاریابی. وسائل ارتباط جمعی ابزار کار آن بشمار باشد.

روز انتشار روزی که هفته‌نامه / مجله برای فروش توزیع شود و به بازار آید. مجله‌های پرتیراژ سعی دارند با تسریع در چاپ و صحافی توزیع را در سراسر کشور، در روز معین شروع کنند. ر. ک. روزهای انتشار.

روزنامه واژه عربی برای روزنامه. در دوره‌های قدیم روزنامه‌نگاری به استعاره به روزنامه‌های کوچک قطع و یا کم‌اهمیت گفته می‌شد. ر. ک. روزنامه، روزنامهچه.

روزنامه‌جات جمع واژه روزنامه.

روزنامهچه لقب تحقیرآمیز برای روزنامه. روزنامه کوچک. ر. ک. روزنامه.

روزنامه نشریه‌ای که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی، فنی و ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام‌المنفعه و انتقاد و صلاح‌اندیشی در امور عمومی بطور منظم و در ساعت معین طبع و نشر گردد. واژه‌هایی نظیر روزنامه و کنایه‌هایی مثل روزنامهچه، زورنامه، ورق‌پاره و روزی‌نامه در جهت تحقیر و کم جلوه دادن بعضی از مطبوعات به کار رفته است. بعضی‌ها را عقیده بر آن است که در افتادن صاحبان قدرت با آن نامیمون باشد با این استنتاج که هرکه با آن درافتاد، ورافتاد.

روزنامه آزاد روزنامه‌نگاری در ایران با نشریاتی شروع شد که از طرف دولت بچاپ می‌رسید. از روزی که به افراد اجازه انتشار روزنامه داده شد باینگونه مطبوعات غیر دولتی «روزنامه آزاد» و بعداً «ملی» گفتند.

روزنامه‌خوان از مشاغل و مناصب مهم درباری دوران قاجار. وظیفه روزنامه‌خوان بود که روی زمین بنشیند و مندرجات مطبوعات را برای پادشاه بخواند.

روزنامه دیواری روزنامه‌ای که بسبب محدودیت نسخ از دیوار آویخته گردد و یا بر آن نصب شود تا مورد استفاده عده زیاد قرار گیرد. نشریه‌ای که دستی نوشته و طراحی و در يك نسخه تهیه شود. تهیه آن در فعالیت‌های برنامه دوره راهنمایی و دبیرستانی، از دهه ۴۰ از طرف وزارت آموزش و پرورش تشویق می‌شد.

روزنامه شفاهی شایعات. مسائل و اخباری که دهان بدهان بین مردم گذرد. از عوامل شنیدنی، ولی نامرئی ایجاد کننده افکار عمومی.

روزنامه‌فروش فردی را گویند که نشریه را تكتك بفروش رساند. دستمزد او درصد معینی از بهای تكتك شماره نشریه باشد. ر. ك. تكفروشی، موزع.

روزنامه گویا کنایه از رادیو باشد.

روزنامه محلی روزنامه‌ای را گویند که در خارج از پایتخت تهیه شود. قاعدتاً بیشتر خبرها و مندرجات آن باید مربوط به محل انتشار باشد. تا دهه ۱۳۱۰ روزنامه‌های محلی‌عنوانی و محلی‌ازاعراب برای خود داشتند. اما با توسعه عوامل توزیع و زود رسیدن مطبوعات پایتخت بشهرستانها، اهمیت خبری روزنامه‌های محلی کاهش یافت.

روزنامه‌نگار کسی که حرفه‌اش براه انداختن و یا نوشتن در روزنامه باشد. مدیر و هریک از اعضاء هیأت تحریری بالانفرد روزنامه‌نگار یا روزنامه‌نویس محسوب شوند. کارمندان دفتری روزنامه چنین نباشند.

روزنامه‌نگاری، تحقیقات یگانه مجله‌ای که فقط درباره مطبوعات و سایر وسائل ارتباط جمعی و مباحث مربوط به آنها انتشار داشته «مجله تحقیقات روزنامه‌نگاری» بود، بین سالهای ۱۳۴۴/۵۳.

روزنامه‌نویس مسئولی که در دربار قاجار وظیفه‌اش نوشتن اتفاقات روزانه و ثبت آنها بود. در آن دوران کسی را که امروز روزنامه‌نویس گوئیم وقایع‌نگار می‌خواندند. روزنامه‌نویس و روزنامه‌نگار هم‌طراز باشند.

روزهای انتشار در حالی که تعداد روزهای انتشار روزنامه‌های عصر پایتخت ثابت است، روزنامه‌های بامداد گاه با يك قرار عمومی آنرا کم و زیاد کنند. چنانکه در سه دهه ۱۰ تا ۳۰ شش شماره در هفته انتشار داشتند. اما در دهه بعد پنج شماره در هفته (یکشنبه تا پنجشنبه) از نیمه سال ۱۳۵۰ بار دیگر به شش شماره برگشتند. در شهرستانها اکثریت با هفته‌نامه‌هاست و تعداد روزنامه‌های روزانه محلی بسیار نادر باشد. مجله‌های هفتگی هم در روزهای مختلف، ولی اکثراً نزدیک به جمعه منتشر شوند. ر.ك. روز انتشار، تعطیلات مطبوعاتی.

روزی‌نامه از القاب ناپسند برای بعضی از روزنامه‌ها. روزنامه فحاش و باجگیر را گویند. ر. ك. روزنامه.

روسوفیل^۹ (واژه خارجی) کسی که طرفدار سیاست روس باشد. ر. ك. آنگلوфіل.

رونویس نسخه‌ای پاک‌نویس شده از خبر / مطلب مهم را

9- Russophile

می‌گفتند که تا پیش از استفاده از دستگاه ماشین تحریر تهیه و در لوله خبر حفظ می‌شد. آنرا نسخه باز نویسی شده هم می‌خواندند.

رویتر ۱۰ از قدیمی‌ترین خبرگزاریهای غیر دولتی جهان. تأسیس بسال ۱۸۵۱ م. دارای بیش از ۴۵۰۰ خبرنگار و گزارشگر در سراسر عالم. حدود ۱۰۰۰۰۰ روزنامه و صداها رادیو و تلویزیون خبرهای آنرا مشترک‌اند. ر. ك. خبرگزاری.

روی جلد نخستین صفحه سمت راست از جلد مجلات فارسی- زبان. نام، آرم، شماره و تاریخ مجله هفتگی قاعدتاً باید در گوشه‌ای از روی جلد آید. در گذشته بعضی از مجلات حاشیه افقی سراسری بالای روی جلد را به مشخصات مزبور اختصاص می‌دادند. روی جلد معمولاً برای عکس هفته و یا تصویری که توجه خریدار را جلب کند منظور شود و با پیشرفت صنعت چاپ، رنگی ارائه‌گردد. در هفته‌های عزاداری مذهبی روی جلد رنگی نباشد. بسیاری از مجلات ترجیح دهند اشاراتی با حروف مختلف به مندرجات شماره مربوط در قسمتی از روی جلد داشته باشند. مجله‌های ماهانه با قطع کوچک و متوسط به چاپ عنوان نشریه و عناوین مقالات در روی جلد بسنده کنند. ر. ك. پشت‌جلد.

روی میز مطالب و ستونهای حروفچینی شده و آماده برای صفحه‌بندی در چاپخانه که بر سطح میز ضخیم و سنگین وسط تالار حروفچینی‌نشده‌شود (ستونهای مطالب صفحه‌دوم روی میز آماده است).

ریختن حروف ساختن حروف سربی در کارخانه حروف‌ریزی را گویند. عمل مخالفان يك نشریه مبنی بر هجوم به شعبه حروفچینی و فرو انداختن ستون و صفحات حروفچینی شده از روی میز بر زمین به منظور جلوگیری از چاپ بموقع نشریه نیز همین عنوان را دارد. چنین عملی در دهه ۲۰ بسیار روی میداد.

ز

زائد اصطلاح غلط‌گیری. حرف یا کلمه‌ای که هنگام تصحیح، اضافی و غیر لازم تشخیص داده شود و باید حذف گردد.

زدن عمل حروفچینی را انجام دادن (این خبر را زده است) چاپ کردن در گفتگوهای مطبوعاتی (آن روزنامه همین موضوع را دو روز پیش زده بود) مفهوم دیگر آن کوبیدن و انتقاد شدید باشد (این مجله وزیر کشاورزی را در سرمقاله خود زده است).

زمینه به دو مفهوم آمده است. سابقه و گذشته و همچنین جا و احتمال برای قبول شدن خبر در اذهان عمومی (این خبر زمینه ندارد. یعنی گمان نمی‌رود مورد توجه و قبول عام قرار گیرد).

زورنامه صفتی ناپسند که در آغاز روزنامه‌نگاری فارسی بروزنامه داده بودند. ر. ک. روزنامه، اشتراك.

زیر چاپ در حال چاپ شدن نشریه (دیگر دیر شده. روزنامه الان زیر چاپ است).

زیرعکس شرح کوتاهی که برای معرفی و توضیح بیشتر

عکس و یا کاریکاتور، اکثراً زیر آن، به‌چاپ رسد. شرح زیر عکس و یا زیرنویس هم خوانده شود. برای کاریکاتورهای گویا عبارت «بدون شرح» گذارده شود.

زیرنویس ر. ک. ردیف بالا.

زینک^۱ فلز با آلیاژ مخصوص که در امور فنی چاپ موارد استعمال مختلف و متنوع دارد.

1- Zinc

ژ

ژرمنوفیل^۱ (واژه خارجی) کسی که طرفدار آلمان باشد. ر. ک. آنگلو فیل.

ژلاتین ماده‌ای لزج و چسبنده که برای ساختن چسب و نیز جهت چاپ‌های فوری دستی در روی نوردهای ماشین چاپ بکار رود و آنرا از سریشم ماهی، گلیسیرین قند و آب و آمونیاک سازند (فرهنگ معین). ر. ک. چاپ ژلاتینی.

1- Germanophile

پی

سازمان نیازمندی‌ها واحد تهیه‌کننده آگهی‌های كوچك ویژه صفحات داخلی و وسط روزنامه‌های بزرگ. ر. ك. نیازمندی‌ها.

ساعت کار مدت‌زمانی که يك عضو هیأت تحریری در طول ۲۴ ساعت، چه پشت میز و چه در پی‌خبر، برای واحد مطبوعاتی خود کار کند. مدت ثابت است ولی زمان نه. مدت بنا بر پیمان دسته‌جمعی، شش ساعت و بیست دقیقه باشد و اضافه آن تا هشت ساعت به‌عنوان اضافه‌کار تلقی شود. شروع ساعت کار در روزنامه‌های عصر بین شش تا ۷/۳۰ صبح باشد: با توجه به طبیعت کار و وظیفه فرد مربوط، و در روزنامه‌های بامدادی بین چهار تا نه بعد از ظهر. شروع ساعت کار در سایر واحدهای مطبوعاتی مثل هفته‌نامه و یامجله بسته بتوافق مدیر و سردبیر باشد و بیشتر شبیه به ساعات کار يك تأسیس اداری است: چرا که سرعت روزانه جهت انتشار مطرح نباشد.

ساغری از انواع کاغذ تزئینی برای جلدسازی که در شعبه صحافی بکار رود.

سالانه از نظر زمان صفتی است برای نشریه‌ای با يك شماره در سال. تعدادی از روزنامه‌ها و مجلات شماره نوروزی را شماره

مخصوص سالانه تلقی کنند. ر. ک. ردیف پائین.

سالنامه کتابی قطور را گویند حاوی وقایع سال گذشته، تقویم سال جاری و چند مطلب مختلف و معمولاً سرگرم‌کننده برای خریدار، که یک بار در سال چاپ شود. در صورتیکه به تقویم محدود باشد آنرا سالنما هم خوانند. دو روزنامه بزرگ عصر تهران طی دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ در تهیه اینگونه سالنامه و چاپ رپورتاژ آگهی‌های متعدد، و چه بسا دولتی، نیز با یکدیگر در رقابت بودند و این نشریه سالانه خود را زیر عنوان کتاب سال اطلاعات یا کیمپان انتشار می‌دادند.

سالن فرم‌بندی (نام مرکب از دو کلمه خارجی با صفت فارسی) اتاق بزرگ یا تالاری که در محوطه حروفچینی چاپخانه برای بستن صفحات روزنامه و فرم مجلات و کتاب منظور شده و بوسائل فنی و همچنین میزهای بزرگ و محکم چوبی و فلزی مجهز باشد.

سالنما ر. ک. سالنامه.

سانسور^۱ (بر وزن جانسوز. واژه فرانسوی) عمل خواننده شدن متن خبر یا مقاله قبل و یا بلافاصله بعد از چاپ و پیش از توزیع توسط مأمور دولت، بمنظور حصول اطمینان از عدم هماهنگی محتوی و مشی با سیاست و روش دولت. و هرگاه «چیزی» مشاهده شد از توزیع جلوگیری بعمل آید. پس از درآوردن جمله / مقاله / تصویر مورد ایراد و جانشاندن مطلبی دیگر، صفحه دوباره زیر چاپ رود. گاه مطلبی جای آن قرار نگیرد و جای سطرهای سانسور شده در نشریه سفید ماند. در کشورهایی که مطبوعات دولتی و یا زیر نظر غیر مستقیم دولت باشد مقالات قبل از حروفچینی بازبین شود. بأمور این کار را سانسورچی گویند. در دوره‌های اول روزنامه‌نگاری ما واژه تفتیش برای سانسور بکار می‌رفته و کسی هم که چنین می‌کرد، مفتش نام داشت. از زمانی که وزارت علوم در دوران قاجار تأسیس گردید،

1- Censure

سانسور بر عهده آن گذارده شد. در دوره ناصرالدین شاه قاجار سانسور مطبوعات در سطح وسیع در سراسر کشور برقرار گردید. در تاریخ مطبوعات ایران تا پایان سال ۱۳۵۶ یک دوره تقریباً سه ساله که از شهریور ۱۳۲۰ شروع شد، سانسور جدی بر مطبوعات وجود نداشت. انواع قدیمی سانسور از قبیل خواندن مطالب پیش از چاپ و یا مهر زدن به پشت اوراق خبر و مقاله و ارسال بعدی آنها به چاپخانه، بتدریج منسوخ گردیده. اما روش‌های خشن چون ریختن حروف و صفحات حروفچینی شده بر روی زمین به قصد جلوگیری از چاپ، توقیف تمام نسخ چاپ شده پیش از توزیع، جمع کردن آنچه توزیع گشته از بساط روزنامه‌فروش‌ها، و حتی توقیف نشریه معمول بوده است. سختگیری نسبت به نویسندگان و بویژه دبیرها و سردبیرهای مطبوعات از دهه ۴۰ نوعی خود سانسوری بوجود آورد که کار دولت را در جهت تضعیف مطبوعات سهل نمود، و وظیفه نویسندگان را سخت. بعلاوه هر روز بامداد مسئولان سانسور در ادارات مربوط، تلفنی به سردبیران مطبوعات عصر می‌گفتند راجع به چه مسائلی خبر و مقاله نداشته باشند و چه مسائلی را بزرگ جلوه دهند. این نوع موارد گاه از ده عنوان در روز تجاوز می‌کرد ولی معمولاً بین سه تا پنج عنوان بود. روزنامه‌های بامدادی فردا نیز از مندرجات دو روزنامه عصر پایتخت گوشی دستشان می‌آمد و می‌فهمیدند چه اخباری سانسوری است. ولی بهر حال به سایر مطبوعات نیز اطلاعی در این زمینه داده می‌شد.

سانسورچی (واژه خارجی با صفت فارسی) کسی که سانسور کند. در گذشته دور مفتش نامیده می‌شد. اولین سانسورچی مطبوعات ایران یک نفر انگلیسی بود بنام «ادوارد برجیس» معروف‌ترین سانسورچی یا بازبین مطبوعات تا دهه ۴۰ یک کارمند شهربانی بود بنام «مهرمعلی‌خان» که در حدود سی سال وظیفه سانسور را برعهده داشت.

سبیدی خبری را گویند که بی‌اساس و بی‌اهمیت و مغلوط باشد و توسط دبیر یا سردبیر به سبب زیر میز پرتاب شود.

ستون يك واحد از تقسیم عمودی صفحه روزنامه، که معمولاً بوسیله خط برنج و یا فاصله متناسب از واحد دیگر مجزا نشان داده شود. طول ستون از بالا به پائین است و عرض آن افقی و متغیر. در گذشته عرض معمولی ستون روزنامه اشبون سه منظور می‌گردید. با تهیه حروف ریزتر برای مطبوعات، عرض ستون روزنامه‌های بزرگ نیز به دو و يك‌چهارم (چهار سانتیمتر) در روش جدید آرایش صفحه تقلیل داده شد. مطلبی را که دو برابر عرض معمولی چاپ شود دو ستونی نامند که قابل افزایش باشد (سه ستونی، چهارستونی و بیشتر) حداکثر اشبون برای چیدن مطلب نه باشد. حال آنکه عنوان آن و همچنین خبر، تابع اهمیت موضوع. چنانکه يك خبر بسیار مهم صفحه اول ممکنست تیتري برابر عرض کامل صفحه داشته باشد. ارقام محاسبه ستون، اشبون و سیسرو باشد که در مورد کلیشه و گراوور کمی بیشتر منظور گردد. زیرا عرض چند میلیمتری فاصله بین ستون‌ها و یا خط برنج بآن اضافه شود.

سخن‌روز نظر روزنامه درباره مهمترین مسئله روز. ر. ك. سرمقاله.

سخنگو صلاحیتداری که از طرف يك مؤسسه، دولتی یا غیر آن، برای پاسخگوئی بسئالات نمایندگان وسائل ارتباط جمعی تعیین گردد. اظهارات او رسمیت دارد و طرف استناد قرار می‌گیرد. ر. ك. صلاحیتدار.

سرپرست عنوان رئیس یا مسئول قسمتی از سازمان نشریه، بویژه در واحدهای فنی آن باشد. (سرپرست فرم‌بندی، سرپرست حروفچینی).

سرچسب نوعی صحافی برای یادداشت و اوراق. ر. ك. ته‌چسب، ته‌دوزی.

سردبیر رئیس هیأت تحریری روزنامه / مجله. ناظر و مسئول خبرها و مطالبی که با توجه به‌روش و سیاست نشریه بچاپ رسد. در برابر صاحب امتیاز و پروانه انتشار مسئول است. هیأت تحریری و دبیرهای سرویس‌های مختلف روزنامه زیر نظرش کار کنند. و در مقابل او مسئولند. برای سردبیری در قوانین و آئیننامه‌های مطبوعاتی شرایط و مقرراتی، تابع مشی دولت، تعیین شود. افرادی که با آن مقررات انطباق نداشته باشند در نشریه‌به‌عنوان «رئیس هیأت‌تحریری» یا «رئیس شورای نویسندگان» و امثال آن معرفی شوند.

سردبیر شب کسی را گویند که وظائف سردبیری روزنامه عصر را در سرویس شب بر عهده داشته باشد. صفحات وسط (لائی) روزنامه از عصر هر روز زیرنظر او تهیه و تنظیم شده و بعد از نیمه‌شب زیر چاپ رود.

سردبیرکل هماهنگ‌کننده کارهای سردبیرهای مختلف در يك مؤسسه بزرگ مطبوعاتی: در صورتیکه چند سردبیر وجود داشته باشد.

سرشماره عددی را گویند که شماره روزنامه / مجله را نشان دهد. بعضی از مطبوعات رقم مؤید سال را کنار آن گذارند (سال ششم. شماره ۷۲۳) و بعضی از مجلات شماره ردیف در سال را، هم (شماره هشتم - سال دوم - شماره مسلسل ۶۴) ر. ک. سرلوحه.

سرصفحه جای ویژه مشخصات نشریه. ر. ک. سرلوحه.

سرصفحه رفتن حضور سردبیر یا مسئول صفحه در شعبه صفحه‌بندی چاپخانه، بمنظور هدایت صفحه‌بند در تنظیم مطالب و تقدم و تأخر آنها. این کار در گذشته الزام‌آور بود. ولی امروز که فن آرایش صفحه به‌روش نو معمول است، در شعبه نامبرده الزامی نباشد. زیرا متصدی آرایش دستورهای کلی را از سردبیر یا مسئول

صفحه گیرد و کار که تمام شد، آنرا به یکی از آن دو نفر ارائه دهد. صفحه اول، بهر حال، زیر نظر سردبیر آرایش یابد. دبیر و سواسی نیز هنگام کار کنار متصدی آرایش صفحه بایستند و همکاری کنند.

سرلوحه قسمتی از صفحه اول روزنامه و روی جلد مجله را گویند که در آن عنوان، تاریخ، شماره، نام دارنده پروانه انتشار، روش همراه با سایر مشخصات انتخابی، ذکر شده باشد و با يك كادر مشخص شود. این امر تا اواسط دهه ۳۰ بیشتر رعایت می‌شد. در سالهای بعد هیچ يك از این نکات به استثنای تاریخ و شماره بخصوص در مطبوعات پایتخت در صفحه اول دیده نمی‌شد. حال آنکه چنین انضباتی در شهرستانها رعایت می‌گردید. سرلوحه را سرصفحه هم گویند.

سرمقاله مهمترین بحث از مطالب يك شماره روزنامه، مربوط به مسئله روز. نظر رسمی نشریه است و معمولاً بدون امضاء. سرمقاله با امضاء فردی که متعلق به روزنامه نباشد رسمی تلقی نشود. گاهی از اوقات مدیر و یا سردبیر استثنائاً امضاء خود را زیر سرمقاله گذارند و باین ترتیب بر ثقل مقاله و اهمیت موضوع افزایند. جای سرمقاله در روزنامه‌های قدیم ستون اول از صفحه يك بود. در روزنامه‌های پر صفحه کنونی، محلی دیگر در صفحات وسط. (مثلاً دو ستون اول و دوم از صفحه دو) ارتباط دارد به سلیقه و میل سردبیر. ولی در هر شماره عوض شدنی نباشد. روزنامه‌های بامدادی به روش سابق عمل کنند. گاه عباراتی نظیر «یادداشت روز» و «سخن روز» و امثال آن بجای عنوان سرمقاله بکار رود. سرمقاله نخستین شماره را در گذشته «مقاله افتتاحی» می‌خواندند.

سرویس ۲ (واژه خارجی متداول در فارسی) يك واحد تقریباً مستقل در هیات تحریری و سازمان روزنامه (مثل، سرویس شهرستانها

که کار آن مربوط به خبرها و امور تمام نقاط کشور شود، منهای پایتخت. یا سرویس اقتصادی، حوادث و امثال آن) هر سرویس زیر نظر و به مسئولیت رئیس یا دبیر مربوط کار کند، که بنوبه خود در مقابل سردبیر مسئول باشد. بقیه دوائر سازمانی روزنامه سرویس و یا شعبه خوانده شود: مثل شعبه حروفچینی، سرویس حمل و نقل.

سطر پنج کلمه پیاپی، با فاصله معمولی و حروف ۱۲ که در يك ستون قرار گرفته باشد: طبق تصویبنامه دولت برای محاسبه آگهی، يك سطر خوانده شود. رقم مزبور تا سال ۱۳۴۸ شش کلمه بود.

سطرچین اصطلاحی ویژه ماشین‌های جدید چاپ از نوع اینترتایپ و مونوتایپ که کار حروفچینی را سطر سطر انجام دهد.

سطرشمار خط‌کشی که يك سمت آن طول را به سانتیمتر نشان دهد، و سمت مقابلش در همان رو، مدرج به خطوط موازی با شماره باشد. فاصله این خط‌ها برابر فاصله بین هر دو سطر روزنامه با کوچکترین نوع حروف باشد. سطرشمار بیشتر برای تعیین قیمت در قسمت آگهی‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

سعدی نام نوعی از حروف چاپ فارسی که در آن از حالت عربی رسم‌الخط پرهیز شده است. این حروف براساس پینط و اندازه (نازك و سیاه) در چند نوع كوچك و بزرگ باشد. ر. ك. حروف چاپ.

سعدی مدیوم^۳ (عنوان مرکب از دو واژه فارسی و خارجی) اصطلاح چاپخانه. نام نوعی از حروف سعدی. ر. ك. ردیف پیش.

سلفون^۴ تلق نازك، شفاف و بی‌رنگی را گویند که خودچسب

3- S. Medium 4- Cellophone

است و با دستگاه پرس بر جلد کتاب کشند تا بر دوام آن بیفزایند. عنوان روی جلد پراحت از زیر سلفون خوانده شود. دستگاه مخصوص این عمل را ماشین سلفون‌کشی و خود عمل را بطور کلی سلفون‌کشی خوانند. در ایران و به‌نوشتار فارسی سلوفان، سولی‌فون و سلی‌فن هم نوشته شده است.

سلفون‌کشی ر. ك. ردیف بالا.

سمعی و بصری اصطلاح کلی برای وسایل و ابزاری چون انواع دوربین عکاسی، پروژکتور فیلم، ضبط صوت و امثال آن که در ارائه و نمایش مطالب، سخنرانی و روی پرده آوردن تصاویر بکار گرفته شود. این اصطلاح از سالهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم توسط متفقین معمول گشت.

سندیکا (واژه خارجی معمول در فارسی) نوعی اتحادیه صنفی، تابع قانون کار. در دهه ۴۰ پنج واحد از این نوع در مطبوعات تأسیس شد. يك، سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات که سوا از تهران در چند استان نیز با افزودن نام استان بعنوان اصلی تشکیل گردید. دو، سندیکای کارکنان اداری و سائل ارتباط جمعی. سه، اتحادیه صاحبان چاپخانه‌ها. چهار، سندیکای کارگران چاپخانه‌ها. و پنج، توزیع‌کنندگان مطبوعات نیز تشکیلاتی پیا کردند بنام «اتحادیه موزعین جراید» سندیکای نویسندگان و خبرنگاران بسال ۱۳۴۱ بوجود آمد و مؤلف، نخستین دبیر آن بودم.

سنگ لیتوگرافی (واژه مرکب از دو کلمه فارسی و خارجی) نوعی سنگ مخصوص که به‌صورت لایه به‌ضخامت‌های مختلف، يك میلیمتر تا حدود پانزده سانتیمتر برای چاپ مورد استفاده قرار می‌گرفت.

سنگی بنوعی چاپ گویند. ر. ك. چاپ.

سوانج‌نگار عنوانی که در مطبوعات قدیم فارسی چاپ شبه قاره هند برای خبرنگار بکار می‌رفته.

سوراخ‌کن از ابزار صحافی برای سوراخ کردن کاغذ و مقوا. ر. ك. صحافی.

سوژه ۶ (واژه فرانسوی) موضوع/مطلب (سوژه روزچيست؟)

سوتیتر ۷ (واژه فرانسوی) در مطبوعات به‌عنوان كوچك یا عنوانهای فرعی گویند. هرگاه مطلب مفصل باشد آنرا به چند قسمت تقسیم کنند، و سوتیتر بین هردو قسمت قرار گیرد. نوعی تیترفرعی برای مفادی در مقاله باشد که در زیر آن آید. ر. ك. تیتر.

سوسه اصطلاح حروفچینی. زائده‌ای را گویند که در جریان حروف‌ریزی بر نقاط مختلف سطح پایه حرف باقی ماند. بسیار كوچك و نازك باشد، به‌طوری که گاه با دست زدوده شود. و گرنه رفع آن با سوهان میسر گردد.

سهمیه تعداد نسخ نشریه که روزانه / هفتگی به هريك از شهرها و یا مراکز توزیع در پایتخت ارسال شود. سهمیه شهرها مستقیماً به‌دفتر نمایندگی فرستاده شود. ولی مراکز توزیع پایتخت سهمیه خود را از روزنامه‌های بزرگ در دو نوبت دریافت دارند. سهمیه اول حدود ساعت یازده صبح که صفحات لائی و ضمیمه‌های احتمالی باشد؛ و سهمیه دوم که هشت صفحه اول و آخر است و معمولاً بین ساعات چهارده و شانزده به‌نسبت زمان چاپ و بعد مسافت چاپخانه تا مرکز مربوط.

سیاسیه سیاسی. مربوط به امور سیاسی. در دوره‌های اولیه روزنامه‌نگاری فارسی بکار می‌رفته است.

سیسرو^۸ (واژه خارجی) اصطلاحی که برای واحد اندازه در ستون بکار رود: برابر با ۱۲ پنت یا حدود چهار میلیمتر. در فن آرایش صفحه واحد انتخابی باشد. ارتفاع (فاصله بین دو خط‌موازی که حروف در آن جای گیرد) حروف فارسی را با آن اندازه‌گیری‌کنند. و چون در عدد ۱۲ ضرب شود، نوع حرف مشخص گردد (مثل سه سیسرو که چون در عدد ۱۲ ضرب کنیم رقم ۳۶ بدست آید: یعنی حروف سی و شش).

سیلندر^۹ (واژه خارجی معمول در فارسی) عمده‌ترین جزء ماشین چاپ. استوانه گردانی که برای چاپ زینک (پلیت) چه در ماشین افست و چه مسطح از فشار آن استفاده شود.

سینی از ابزار چاپخانه. بر دو نوع باشد: شیئی فلزی با دیواره کوتاه چند سانتیمتری. زیر ماشین چاپ نشیند تا تراوش قطره‌های روغن ماشین و مرکب زمین را آلوده نسازد. و دیگری شیئی از فلز قطور که جایش روی میز حروفچینی باشد، و فرم یا ستون حروفچینی شده را موقتاً در آن قرار دهند. ر. ک. رانگا.

سه‌برگی نوعی کاغذ. ورقی هم خوانده شود (۹۰×۶۰ سانتیمتر).

سیاه نوعی از حروف چاپ را گویند. ر. ک. حروف چاپ.

نشی

شاسی^۱ (واژه خارجی) پایه اصلی و اسکلتی که ماشین آلات چاپ و صحافی بر آن استوار باشد.

شایعات خبر، گفته، داستان و موضوعی که دهان به دهان چرخد، ولی طرف تأیید مقامات و افراد مربوط قرار نگرفته باشد. مبداء ایجاد هیچگاه شناخته نباشد ولی محل یا نقاطی که شایعه در آن بگوش رسد قابل شناسائی است. روزنامه شفاهی لقب دارد و در ایجاد افکار عمومی مؤثر باشد.

شایعه پرداز شخص یا نشریه ای که موضوع تأیید نشده ای را بدون توجه به اصالت / کذب آن پروراند و بیشتر اشاعه دهد. در گذشته پمپانه ای بود برای مقامات، جهت توقیف نشریه و یا بازداشت نویسنده.

شایعه ساز شخص یا نشریه ای که شایعه ایجاد کند. ر. ک. ردیف پیش.

شبنامه نوعی نشریه دستی / چاپی و معمولاً کوچک قطع که

1- Chaussie

مخفیانه توزیع گردد. بیشتر يك نشریه ضد حکومت تلقی شود: مگر آنکه جنبه خصومت شخصی و فردی داشته باشد. در دوران هیجان مشروطیت که دولت استبدادی وقت از انتشار مقالات حاد و ضد خود در مطبوعات جلوگیری می‌کرد، مشروطه‌خواهان شبنامه منتشر ساختند و شب‌هنگام با استفاده از تاریکی بین مردم پخش نموده و یا از لای در به داخل خانه‌ها و دکان‌ها انداختند. نخستین شبنامه‌ها زمان مظفرالدین‌شاه قاجار با چاپ ژلاتینی تهیه شد. تبریز را باید اولین شهری دانست که انتشار شبنامه را در حد وسیع آغاز کرد. شبنامه را نمی‌توان در ردیف مطبوعات دانست. گفته می‌شود که سید حسن تقی‌زاده يك دوره از شبنامه‌های دوران مشروطیت را به مجلس شورای ملی سابق هدیه کرده بود. در کتابخانه ملك در تهران و همچنین در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز نمونه‌هایی موجود است. در عصر حاضر برای تهیه شبنامه و اوراق مخفیانه نظیر آن بجای چاپ ژلاتینی از دستگاه‌های پلی‌کپی و فتوکپی و زیراکس استفاده شود.

شبکه همکاری نزدیک چند روزنامه در نقاط مختلف با هم. اداره چند روزنامه در شهرها و یا کشورهای مختلف از طرف يك مؤسسه واحد. در ایران هنوز شبکه مطبوعاتی نداشته‌ایم. این اصطلاح در مؤسسات رادیویی و تلویزیونی نیز بکار رود.

شت^۲ (واژه روسی) از ابزار چاپخانه. آنرا شتك (بر وزن گنگ) هم تلفظ کنند. ر. ك. چتك.

شدیداللعن صفت کثیرالاستعمال در مطبوعات. به مفهوم تند، زننده و کوبنده (مقاله‌اش علیه فلان بانك شدیداللعن بود. این پاسخ شدیداللعن شایسته اظهارات آرام لیدر آن حزب نبود).

شریفه صفت و کلمه‌ای که در مکاتبات گذشته بعنوان احترام

بدنبال جریده بکار می‌رفت. (جریده شریفه ایران. جریده شریفه جبل‌المتین).

ششماهی نشریه‌ای که در سال فقط دو شماره انتشار یابد: مصطلح در مطبوعات فارسی چاپ شبه قاره هند.

شعبه قسمتی از واحه كل يك مؤسسه مطبوعاتی. (شعبه حروفچینی) ر. ك. سرویس.

شماره آگهی شماره‌ای که زیر آگهی / اعلان قرار گیرد و مشخصه آن بشمار رود. در گذشته حرف الف به‌اختصار کلمه «اعلان» سمت راست شماره می‌آمد. بعد حرف ش و یا آ به‌اختصار شماره آگهی معمول شد. در آگهی‌های پیاپی، دو رقم سمت چپ زیر آگهی مؤید کل دفعات با چندمین نوبت آن باشد (مثلاً ۵-۱۲ که رقم سمت چپ نشان‌دهنده تعداد دفعاتی است که آگهی چاپ شود و رقم سمت راست پنجمین نوبت ازدوازه دفعه چاپ) آگهی‌های صفحات نیازمندی-های روزنامه‌های بزرگ شماره ندارد. برای آگهی‌های بدون شماره در صفحات مختلف مبلغی بیش از نرخ تعیین شده دریافت شود و قراردادی باشد. ر. ك. آگهی.

شماره اتوماتيك (عنوان مرکب از دو کلمه فارسی و خارجی) دستگاه كوچك برای چاپ شماره ردیف روی نسخی که به چاپ رسد. جای این دستگاه در ماشین‌های جدید چاپ، در رانگا در محلی از فرم است که شماره ردیف باید دیده شود. با کار کردن ماشین هر نسخه که چاپ شود شماره نیز همراه آن منعکس گردد. دستگاه مزبور پیش از جا گرفتن در رانگا از نظر تعداد شماره تنظیم‌گردد و شماره‌گذاری معکوس انجام گیرد. (مثلاً از هزار به پائین)

شماره صفر شماره تمرینی روزنامه، قبل از انتشار عمومی (شماره اول) به‌منظور مشاهده قیافه کلی روزنامه / مجله و مطالعه و

قضاوت درباره مندرجات و کم و کاست‌های آن - و در نتیجه وقوف عینی هریک از اعضاء هیأت تحریری از نحوه کاری که انجام داده. روزنامه گاه تا چهار شماره صفر یعنی شماره غیر رسمی به چاپ رساند. شماره‌های صفر رسمیت ندارد، توزیع نشود، و فقط جنبه داخلی دارد. مندرجات آن قابل استفاده عمومی و استناد نباشد.

شماره مسلسل شماره پیاپی روزنامه / مجله. ر. ک. سرشماره.

شمیز^۳ (واژه فرانسوی) جنسی کاغذی، نازکتر از مقوا، که برای جلدسازی و یا پوشه بکار رود. انواع مختلف دارد از جمله: ساده، رگه‌دار، فانتزی و همچنین به رنگهای مختلف. با افزودن یای نسبت فارسی بصورت صفت استعمال شود.

شنود عمل گوش کردن به‌خبر رادیو (یا ضبط کردن و بعد مورد استفاده قرار دادن) پیاده کردن آن روی کاغذ، تنظیم و یا بکار گرفتن قسمتی از آن‌را برای خبرروزنامه گویند. ر. ک. مونیتورینگ.

شورای نویسندگان هیأت تحریری يك واحد مطبوعاتی را گویند.

شیپسی^۴ (واژه روسی) از ابزار چاپخانه. موچین (پنس) مخصوص بیرون آوردن حرف یا فاصله از سطر در جریان غلطگیری و تصحیح حروف دستی پیش از چاپ.

شیرازه وسیله و اصطلاح صحافی. نواری پارچه‌ای یا بافته شده که برای محکم نگه‌داشته شدن طرفین عطف از آن استفاده شود.

شیوه نگارش روش و سبك نویسندگی.

3- Chemise 4- Schippsie

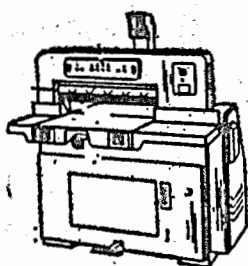
ص

صاحب امتیاز شخص حقیقی / حقوقی که اجازه‌نامه و پروانه انتشار روزنامه / مجله طبق قانون مطبوعات بنام او صادر شده باشد. در دهه ۴۰ صحبت بود که امتیاز بشخص حقیقی داده نشود و فقط گروه یا شرکت‌ها از این مزیت استفاده کنند. عملی نشد. در جمهوری اسلامی صاحب امتیاز، دارنده پروانه انتشار خوانده شود.

صافی‌کن اصطلاح و وسیله‌ای در چاپخانه. ر. ک. گوشه‌زن.

صحافی کار مرتب کردن صفحات، بخیه زدن و جلد کردن نشریه و کتاب را گویند. تاریخچه آن به سه دوره سنتی، جدید و ماشینی قابل تقسیم باشد. روش قدیم را سنتی خوانند. منظور از صحافی جدید سبک‌فرنگی آن باشد که با وارد شدن کتاب در حد وسیع از اروپا به ایران آغاز گردید. دوره سوم یعنی ماشینی شدن تجلید از ربع دوم قرن اخیر شمسی رفته رفته در ایران متداول گشته. صحافی دستی بر دو نوع باشد: ته‌چسب و ته‌دوزی. ابزار ابتدائی آن عبارتست از: میز، مشته، سریشم، انواع چسب، کارد، قیچی، سوزن و نخ، اره، پارچه، گالینگور، چرم، مقوا، میخ ریز و اوس‌کل (بر وزن سنبُل). انواع ماشینهای طرف استفاده در صحافی نیز مفتول زن، پرفراژ، فنرکشی، سوراخ‌کن، ورق تاکن، ته‌دوزی، گوشه‌گردکن،

طلاکوبی، ترتیب، چسب‌زنی، سلفون‌کشی و پرس باشد.



ماشین برش يك طرف (کاغذ)

صدا کردن بازتاب گسترده يك خبر يا مطلب روزنامه (اين خبر خیلی صدا کرد) يعنی در محافل و مجامع مورد بحث قرار گرفت و اثر مثبت يا منفی داشت.

صدا و سيما ر. ك. راديو و تلویزيون.

صفحه يك روی چاپ شده از روزنامه / مجله / کتاب.

صفحه‌آرایی آراستن و ویرایش صفحه نشریه. ر. ك. آرایش صفحه.

صفحه‌بند کسی که مسئولیت کنار هم قرار دادن مطالب حروفچینی شده را به قصد بستن و آرایش صفحه بر عهده دارد. در چاپخانه‌های سیستم قبل صفحه‌بند ستونهای خبر و مطلب را به روش دلخواه کنار هم قرار می‌داد و صفحه بوجود می‌آمد. در روش جدید نمونه مطالب طبق طرح قبلی کنار هم چسبانده شود تا بعداً مراحل فنی را طی کند و صفحه بحال آماده برای چاپ درآید. کار صفحه‌بند در سابق انفرادی انجام می‌گرفت و امروز جمعی. ر. ك. آرایش صفحه، سرصفحه رفتن.

صفحه‌بندی کاری را گویند که صفحه‌بند و یامسئولان آرایش

صفحه انجام دهند. ر. ك. ردیف پیش.

صفحه پرکن خبر یا مطلبی که برای پر کردن جای خالی در يك صفحه انتخاب شود. چه بسا نسبت بسایر مطالب آن صفحه نامانوس باشد. گاه خبرهای كوچك و یا عكس چنین نقشی را ایفاء کند.

صفحه‌کش کارگری که صفحات سربی آماده شده برای چاپ را از شعبه فرم‌بندی و صفحه‌بندی به ماشینخانه حمل کند: و پس از انجام چاپ، عیناً به شعبه مربوط عودت دهد. این شغل در سیستم‌های جدید چاپ حذف شده است.

صفحه شهرستانها صفحه یا صفحات مخصوص که يك نشریه پایتخت به اخبار / مطالب و آگهی‌های ویژه شهرستانها اختصاص دهد. مندرجات این صفحه توسط نمایندگی و خبرنگاران نشریه در شهرستان مربوط تهیه شود. روزنامه‌های پر تیراژ چنین صفحاتی را فقط به استان مربوط فرستند. مثلاً دو صفحه ۱۵ و ۱۶ نسخی که به خراسان رود اخبار و آگهی‌های خراسان را دارد و نسخ همان صفحات که به آذربایجان ارسال گردد، مطالب و اعلانات ویژه آذربایجان را: که مقرون به صرفه نیز باشد.

صفحه‌ی مسی اوائل صنعت چاپ يك قطعه صفحه‌ی مسی را با لایه‌ای از ماده خاص می‌پوشانند. حروف و کلمات را روی آن حکاکی می‌کردند. نوشته‌ها را تا قطر ماده مزبور حك می‌کردند. آنگاه روی صفحه را اسید می‌ریختند، تا قسمت‌های حکاکی شده عمق بیشتر پیدا کند. قسمت‌های حکاکی نشده بعلت وجود ماده خاص دست‌نخورده باقی می‌ماند. سنگ، بعداً، جای صفحه مسی را برای این کار گرفت. و اسید نیتریک برای عمیق کردن قسمت‌های نوشته نشده و یا به کلامی دیگر، برای برجسته‌تر کردن حروف و کلمات، طرف استفاده واقع شد. این امر که مشکل و وقت‌گیر بود، سرآغاز روش چاپ سنگی به شمار رود. اخیراً، برای گرفتن تیراژ زیاده‌تر و دوام بیشتر، صفحه

مسی در چاپ افست، بجای صفحات معمولی و از این نوع صفحات استفاده شود، زیرا کیفیت و دوام آنها از پلیت‌های معمولی افست بمراتب بیشتر باشد. روش تهیه به‌همان سیستم پلیت‌های معمولی، ولی با داروهای خاص و ابزار کامل‌تر.

صلاحیت‌دار شخص حقیقی / حقوقی که مجاز باشد نسبت به موضوعی اظهارنظر و عقیده قطعی کند. گفته و یا نوشته او رسمی باشد و مورد استناد قرار گیرد. «سخنگو» يك مقام صلاحیت‌دار باشد. به‌همچنین است واحد روابط عمومی در مؤسسات و ادارات. ر. ك. سخنگو.

صور قبیحه عبارت ذکر شده در قوانین سابق مطبوعات. تصاویر ناهنجار، لغت، مشمئزکننده و زننده را گویند. بسبب گوناگون بودن تعبیر آن، می‌توانست بهانه‌ای باشد برای توقیف شدن نشریه از طرف مقامات مسئول روز.

ض

ضبط صوت دستگاهی که کلام را روی نوار ضبط کند. برای مصاحبه‌های مطبوعاتی، از هر نوع و بهر شکل، بکار رود. خبرنگار بعداً کلام مصاحبه شونده را از نوار پیاده کند، و بروی کاغذ آورد. نوار ضبط شده برای خبرنگار جنبه سندیت دارد. نگهداری آن در مطبوعات هنوز مرسوم نیست، و عمومیت ندارد. ولی در رادیو و تلویزیون، چرا.

ضمیمه صفحاتی که جدا از قسمت‌های اصلی و معمولی روزنامه / مجله بچاپ رسد ولی همراه آن توزیع شود. به‌بهای تکفروشی چیزی افزوده نگردد. وسیله‌ای است برای جلب توجه‌خريدار نشريه و افزودن تیراژ. در دهه ۱۰ جزوه و حتی کتاب بصورت ضمیمه انتشار داده می‌شد.

ط

طابع چاپ‌کننده. طبع‌کننده. چاپچی.

طباع طبع‌کننده. چاپ‌کننده. چاپچی.

طبع چاپ. عمل چاپ‌کردن را گویند.

طراح کسی که وظیفه طرح صفحه و تعیین جای مقالات و اخبار و تصاویر را بر عهده دارد. شخصی را هم که کاریکاتور و یا خطوط و اشکال تزئینی کشد، طراح گویند. ر. ك. آرایش صفحه.

طلاکوبی، ماشین دستگاهی که بوسیله آن کلمات روی جلد کتاب طلائی، نقره‌ای و یا رنگهای تزئینی دیگر نمودار گردد. طرز کار چنین باشد: پس از زیربندی مقوای جلد در دستگاه، يك برگ زرورق طلائی و امثال آن روی جلد قرار دهند. بعد کلیشه یا حروف مربوط را با سریشم و یا چسب مخصوص پلاستیک روی يك قطعه مقوا چسبانده، واژگون به سقف داخلی دستگاه نصب‌کنند. آنگاه اهرم دستگاه را بکشند. حروف مزبور بر مقوای جلد منعکس گردد. ر. ك. صحافی.

طلوع آغاز انتشار روزنامه / مجله با توزیع نخستین شماره.

طلیعه اعلامیه، بیانیه و یا آگهی مفصل و چاپ شده که پیش از انتشار روزنامه / مجله از طرف صاحب امتیاز یا دارنده پروانه انتشار منتشر شود و بوسیله آن آغاز زندگی مطبوعاتی نشریه در آینده نزدیک به آگاهی همگان رسد. بعضی از مطبوعات آنرا زیرعنوان «بیان‌نامه» هم منتشر ساخته‌اند. با شماره صفر متفاوت است و ربطی بهم ندارند.

ع

عامه‌پسند نوعی نشریه با مندرجات ساده برای عوام و افراد کم سواد. ساده‌نویسی در مطبوعات. خبر / مقاله‌ای را گویند که بدون استفاده از کلمات قلمبه و نامأنوس نوشته شده و مفهوم عام باشد.

عطف قسمت انتهائی فرم‌های چاپ شده و تا شده که در جلد قرار گیرد.

عکاس خبری تهیه‌کننده عکسهای که برای چاپ در روزنامه مورد استفاده قرارگیرد. در اصطلاح مطبوعاتی او را «فتوژورنالیست» گویند.

عکس آرشیوی (اسم مرکب فارسی و خارجی با یاء نسبت فارسی در آخر کلمه خارجی) ر. ک. آرشیو.

عکس خبری بیان تصویری يك رویداد. عکسی که تابع زمان و مکان وقوع اتفاق و امری را به‌خواننده نشان دهد. در این زمینه «پرتره خبری» به‌عکسی اطلاق شود که روی جلد آید. تهیه‌کننده عکس خبری را عکاس خبری نامند. عکس‌های مطبوعاتی بر چند نوع باشد: از جمله، خبری، هنری، تبلیغاتی، ویژه رپورتاژ.

عکس غیر آرشیوی (اسم مرکب فارسی و خارجی با یاء نسبت فارسی در آخر کلمه خارجی) ر. ک. آرشیو.

عکس هفته تصویر مهمترین شخصیت یا اتفاقی که در عرض هفته سرزبان‌ها بوده و به‌روی جلد مجله یا مجلات راه پیدا کند. در این امر عکس ماه و عکس سال هم مطرح باشد که از جهات و بدلائل مختلف انتخاب شود.

عمله طبع اصطلاحی در گذشته برای کسی که امور چاپ را انجام می‌داد: اعم از حروفچین، صفحه‌بند و یا ماشینچی.

عناصر خبر شخص، کیفیت، محل، علت، روش عمل و زمان را در يك خبر گویند که فقدان هرکدام سبب نقص خبر باشد. در اصطلاح مطبوعاتی آنها را که؟ چه؟ کجا؟ چرا؟ چگونه؟ کی؟ گویند.

عنوان مطلب جمله‌ای کوتاه و موجز که معرف موضوع باشد و با حروف درشت در بالای مقاله بچاپ رسد. ر. ک. تیتر.

غ

غلط چاپی کلمه‌ای چاپ شده که دست کم يك حرف آن صحیح نباشد. در چاپ کتاب با افزودن يك صفحه جداگانه بعنوان غلطنامه از خریدار خواهش شود که بتصحیح دستی پردازد. ولی در مورد روزنامه چنین نتوان کرد. اغلاط مهم در شماره بعد با توضیح لازم و معذرت تصحیح گردد.

غلطگیر کسی را گویند که در چاپخانه عمل تعویض حروف چیده شده نادرست را بمنظور رفع اشتباه انجام دهد. ر. ك. ردیف بعد، تصحیح.

غلطگیری تصحیح متن حروفچینی دستی یا ماشین شده، پیش از چاپ. ر. ك. تصحیح.

غولهای دوقلو کنایه‌ای است برای دو روزنامه اطلاعات و کیهان که هردو، مؤسساتی بزرگ و ذینفوذ بشمارند و تا پیش از انقلاب اسلامی هرکدام حدود ده نشریه روزانه، هفتگی و چه بسا ماهانه و سالانه منتشر می‌ساخت. قدرت این دو غول از اواسط دهه ۳۰ رو بفزونی نهاد. از اواخر سال ۱۳۵۷ هردو مؤسسه اطلاعات و کیهان مصادره شده و زیر مدیریت تازه درآمدند.

غیرمنتشره خبر و مطلبی که بوسیله خبرنگار یا عضو هیأت تحریری بدست آید و بعللی چاپ شدنی نباشد: اعم از آنکه مخالف روش و مشی روزنامه باشد و یا مخالف سیاست روز دستگاه. صفتی که به بعضی از بولتن‌های سری و محرمانه برخی از تأسیسات سیاسی و امنیتی داده شود.

ف

فاصله قسمت‌های سفید بین ستون‌ها را گویند که گاه ممکن است با يك خط برنچ مشخص گردد. از نظر فنی اشبون وسیله‌ای ایجادکننده فاصله در روش حروفچینی دستی بشمار آید.

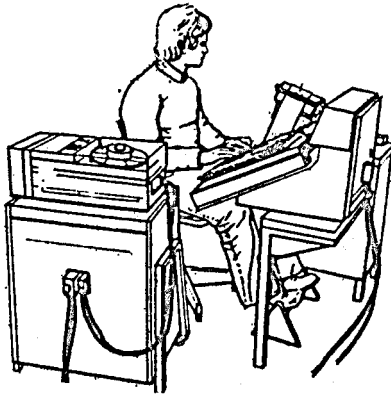
فاصله انتشار ساعات و یا روزهای بین انتشار دو شماره پی در پی از يك نشریه را گویند. فاصله انتشار روزنامه ۲۴ ساعت است، مجلات هفتگی هفت روز و ماهانه‌ها يك ماه. مجلات ما، جدا از روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها بر ده نوع‌اند که عبارت است از: دو شماره در هفته، هفتگی، دوهفته يك شماره، ماهانه، دو ماه يك شماره، فصلنامه، چهار ماه يك شماره، سالی دو شماره، سالی يك شماره و گاه بگاه یعنی نامرتب.

فانتزی^۱ (واژه فرانسوی) خیال‌پردازی. داستان کوتاه بسبك شوخ و طنز. عبارت «فانتزی‌نویسی» هم در مطبوعات دیده شده است.

فترت دوران تعطیل روزنامه / مجله. فاصله بین تعطیل و یا توقیف شدن نشریه و انتشار مجدد آن‌را دوران فترت عنوان کنند. ر. ك. محاق تعطیل.

1- Fantaisie

فتوژورنالیزم^۲ (اصطلاح خارجی) عکاسی خبری. تهیه خبر / گزارش توسط عکس بجای قلم. ر. ك. عكاس خبری.



دستگاه مشترك تحرير و
حروفچینی فتوتايب

فراش مستخدم. موزع موظف روزنامه و مجله تا اواخر دهه
۱۰.

فردوسی نام یکی از انواع حروف در چاپ فارسی. براساس
پنط و اندازه در چند نوع باشد. ر. ك. حروف چاپ.

فرم^۲ (واژه خارجی) تعداد معینی از صفحات مجله یا کتاب
که معمولا چهار، هشت و شانزده باشد و پشت سر هم (مثلا صفحات
۱۷ تا ۲۴).

فرم‌بندی (واژه خارجی با صفت فارسی) شعبه‌ای در چاپخانه،
که تنظیم صفحات حروفچینی شده دفاتر و فرم‌های اداری را بر عهده
دارد. مسئول امر را فرم‌بند خوانند.

فریده صفت احترام که در گذشته بروزنامه می‌دادند (جریده)

2- Photo Journalisme 3- Forme

فریده شفق سرخ).

فصلنامه نشریه‌ای که دست کم هر سه ماه و حداکثر هر شش ماه یک شماره انتشار یابد و شکل ظاهری مجله را داشته باشد. آنرا فصلی هم گویند. گاه مجلات دوماه یک شماره نیز فصلنامه تلقی گردد. ر. ک. ششماهی.

فصلی نومی مجله از نظر فاصله انتشار. ر. ک. ردیف پیش.

فکاهی مطلبی که به صورت طنز و شوخی برشته تحریر کشیده شده باشد. نشریه‌ای را هم که تمام مطالب آن باین لحن باشد فکاهی نامند. نشریاتی را که ضمن فکاهی مطالب جدی داشته باشد نیمه فکاهی خوانند.

فکاهی‌نویس کسی را که آثارش بطنز و فکاهی باشد.

فلاندر^۴ (اسم خارجی) مقوای سخت و نسوز، ویژه عکسبرداری از روی سرب، بصورت عمیق و توگود جهت ساختن پلاک سربی پوزیتیف. ر. ک. پلاک.

فترکشی عملی که بر اثر آن عطف کتاب بجای چسبانده شدن، بوسیله دستگاه سوراخ شده و از سوراخ‌ها فتر رد کنند. تورق کتاب در چنین صورتی سهلتر انجام گیرد. فتر مخصوص این کار بر دو نوع باشد: سیمی و پلاستیکی. نوع دوم بوسیله دستگاه‌های کوچک و قابل حمل راحت و عملی است. دستگاه‌های ویژه این کار را اصطلاحاً ماشین فترکشی گویند. ر. ک. صحافی.

فوق‌العاده شماره‌ای از روزنامه که بعلت وقوع يك اتفاق مهم و یا به دلیل خاص، خارج از نوبت و ساعت و روز معمولی انتشار به

چاپ رسد. بهمین سبب سریع‌تر بفروش رود. پخش ساعت به‌ساعت اخبار توسط رادیو ابتکار انتشار شماره فوق‌العاده را از روزنامه‌ها گرفته است.

فهرست صورت عناوین مقالات / مطالب چاپ شده در يك شماره نشریه را گویند. به‌منظور راهنمایی خواننده شماره صفحه‌ای که مطلب در آن آمده برابر هر عنوان قرار دهند. محل چاپ فهرست در مجلات معمولاً صفحه اول باشد و چه بسا در کادر و تزئین شده آید. اکثراً «فهرست مندرجات» دیده شود. روزنامه بندرت فهرست گذارد.

فیش ۵ (واژه خارجی) ر. ک. آرشیو.

ق

قارئین خوانندگان روزنامه / مجله. واژه‌ای که از دهه ۲۰ به‌تدریج مصرف آن در مطبوعات کم شد. ر. ک. خوانندگان.

قانون مطبوعات مجموعه مقررات و آئیننامه‌های مربوط به شرایط انتشار روزنامه / مجله، تابع شرایط روز و روش و دید دولت است نسبت به مطبوعات بطورکلی. نخستین قانون مطبوعات ایران بسال ۱۲۸۷ (۱۳۲۶ هـ.) از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و دارای شش فصل مشتمل بر ۵۲ ماده بود. آخرین لایحه قانونی مطبوعات مصوب آبان‌ماه ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی است.

قطع اندازه روزنامه / مجله. قطع متداول در مطبوعات دهه‌های ۳۰-۵۰ ما برای روزنامه ۴۰×۶۰ سانتیمتر و برای مجله ۲۵×۳۵ سانتیمتر بود.

قطع اندازه و ابعاد کلی جزوه و کتاب، که بر چند نوع باشد: از جمله، وزیری، رقمی، خشتی، جیبی.

قطعنامه مصوبات نهائی يك گردهمائی ایستاده (میتینگ) و یا نشسته (سمینار) قطعنامه میتینگ از پیش تهیه شود و در لحظات

آخر خوانده شده و مورد تصویب شرکت‌کنندگان قرار گیرد. برای قطعنامه سمینار هیأتی در جلسات اولیه انتخاب شوند تا بر اساس پیشرفت مذاکرات پیش‌نویس را تهیه کنند. این متن قبل از ارائه بجلسه نهائی باید بتصویب هیأت‌رئیس سمینار رسیده باشد.

قلم وسیله‌ای که با آن نویسند. در مطبوعات اصطلاحات و استعاراتی درباره قلم داریم. از جمله «ممنوع‌القلم» به معنی کسی که حق نوشتن در مطبوعات و انتشار کتاب بنام خود را ندارد. «شکستن قلم» بمعنی جلوگیری از نویسندگی. «قلم‌زن» بمعنی نویسنده. و همچنین «قلم صد تا يك‌غاز» بمفهوم دریافت دستمزد ناچیز در مقابل کار زیاد در مطبوعات.

قلم حکاکی از ابزار مربوط بچاپ. وسیله‌ای فلزی و نوک‌تیز برای پاک‌کردن و زدودن قسمت‌های غیر لازم و اضافی کلیشه و گراور. این قلم بیشتر مورد استفاده کلیشه‌ساز و مسئول ماشین‌چاپ قرار گیرد. برای رتوش فیلم و پلیت افست نیز قلمی مشابه آن مورد استفاده باشد.

قلم مرکب از ابزار چاپخانه. ر. ک. کاردک.

ک

کاتب اصطلاح قدیمی برای نویسنده روزنامه / مجله.

کادر^۱ (واژه فرانسوی) حاشیه. خطوط دو یا چهار طرف يك مطلب در مطبوعات. آنچه بین این خطوط مربع و یا مستطیل شکل آمده باشد، داخل کادر، کادری و «آنکادره» گویند. معمولاً رؤس يك مقاله و یا گزیده‌ای از آن، داخل کادر در محلی مناسب در صفحه قرار گیرد تا جلب توجه کند. از جمله موارد استعمال مرتب کادر چهار- گوش، قرار گرفتن سرلوحه روزنامه است در آن.

کادری (واژه فرانسوی با یای نسبت فارسی) مطلبی را گویند که در کادر آمده باشد. ر. ک. ردیف پیش.

کارت اطلاعات مقوای مستطیل شکلی که لیدهای اخبار را بر آن نویسند و در بانک خبر حفظ کنند تا بموقع طرف مراجعه قرار گیرد.

کارت خبرنگاری ورقه عکس‌دار با مشخصات نام و نشان خبرنگار نشریه که حکم گذرنامه او برای ورود بیک محل و کسب خبر

1- Cadre

و فعالیت‌های مطبوعاتی بشمار باشد. مدت‌ها کارت صادره از طرف نشریه و مسمور به امضاء و مهر آن دارای اعتبار بود. ولی از دهه ۳۰ باید از طرف وزارتخانه‌ئی که با مطبوعات سر و کار دارد تأیید گردد. اعتبار کارت خبرنگاری مدت دارد و با تعطیل شدن نشریه بی اعتبار باشد. ر. ک. خبرنگار.

کارت عکس ر. ک. آرشیو.

کارخانه چاپخانه. این کلمه بندرت بجای چاپخانه بکار رفته است. «کارخانه دولتی دارالخلافه» چاپخانه‌ای بود در تهران که «روزنامه علمیه دولت علیه ایران» در آن چاپ می‌شد.

کاردک از ابزار چاپخانه. وسیله‌ای با نوک پهن و کم قطر برای پخش کردن مرکب روی نورد ماشین چاپ و یا مرکب‌دان. همشکل کاردک نقاش‌ها باشد و بندرت آن را قلم مرکب نیز گویند.

کاریکاتور^۲ (واژه خارجی) تصویر مسخره چیزی که عموماً در جراید چاپ می‌شود (فرهنگ نظام) شکل و تصویر مضحک. صورتی خنده‌آور از شخص یا چیزی. (فرهنگ دهخدا) در خواننده مطبوعات اثری سریع‌تر از مقاله دارد. بعنوان حرب‌های مخالف، در هیأت طنز و طعن دانسته شده است.

کاریکاتوریست^۳ (واژه خارجی) شخص و طراح که کاریکاتور کشد. ر. ک. ردیف پیش.

کاریکلماتور (کاری-کلماتور) جنگی از لغت و تصویر مضحک که بصورت مقاله / مطلب ارائه شود. ظاهراً لغتی است من در آوردی از مخلوط کردن دو واژه «کاریکاتور» و «کلمات» که «کاری» و «تور» از اولی گرفته شده و «کلمات» از دومی.

2- Caricature

3- Caricaturiste

کاغذ آنچه نشریه بر آن چاپ شود. از نظر قطع و وزن مختلف باشد. معروف‌ترین آن کاهی، چرک، تحریر و گلاسه. انواع فانتزی‌اش کتانی، پلاستیکی و گلاسه. مقوا نیز دارای همین اسامی باشد. کاغذی که برای روزنامه در ماشین‌های جدید چاپ طرف استفاده قرار گیرد بصورت لوله‌پیچ باشد و با عرض متناسب با قطع روزنامه. هر متر مربع آن بین ۴۷ تا ۵۲ گرم وزن دارد. کاغذ ورق در اندازه‌های سه ورقی (۹۰×۶۰ سانتیمتر) چهار ورقی (۹۰×۷۲ سانتیمتر) و چهار ورق و نیم (۱۰۰×۷۰ سانتیمتر) به بازار آید. هر یک از اینها را که کوچکتر کنیم به نسبت قطع با ابعاد کمتر خوانده شود. مثل يك ورق، دو ورق یا دو برگ و امثال آن. کاغذ را براساس ضخامت و وزن هم عنوان کنند (۶۰ گرمی - ۷۰ گرمی و غیره) که منظور وزن يك ورق آن در ابعاد ۱۰۰×۱۰۰ سانتیمتر در قطر معین باشد. عنوان کاغذ در این تقسیم‌بندی ده ده بالا رود. حداقل چهل و حداکثر ۱۲۰ گرمی باشد، مقوا نیز از ۱۲۰ شروع گشته تا ۴۰۰ گرمی بالا رود.

کاغذ بده کسی که به ماشین‌های قدیم چاپ بتدریج با دست کاغذ می‌داد تا صفحه روزنامه چاپ شود. ماشین‌های مزبور با کمک چرخ دواری که بوسیله يك کارگر بحرکت درمی‌آمد کار می‌کرد. حرکت چرخ و دادن کاغذ هماهنگی می‌خواست. او را ورق‌انداز هم می‌گفتند. در ماشین‌های کنونی کاغذ دادن برای چاپ توسط یکی از ابزارهای ماشین بطور خودکار انجام گیرد. ر. ک. چرخ‌کش.

کارگردن صیقل دادن و پروراندن يك خبر یا مطلب دست‌نویس شده. بر دو نوع باشد: یکی شامل مطالعه، تحقیق و دقت پیش از تحریر (روی این موضوع دارد کار می‌کند) و دیگری تصحیح و تکمیل آنچه تهیه شده است. دومی معمولاً کار دبیر یا سردبیر بشمار رود (دارم روی این خبر کار می‌کنم).

کامپوزر (نام خارجی) از انواع جدید ماشین‌های حروفچینی

4- Composer

الکترونیکی. ر. ك. حروفچینی.

كامپیوگراف ۵ (واژه خارجی) دستگاه حروفچینی یا حروف‌زنی جدید، بدون استفاده از سرب، بوسیله فیلم که با تنظیم ماشین به اندازه لازم حروف كوچك و یا بزرگ گردد. این دستگاه بازده بسیار خوب دارد. لاینوترون از نوع ۲۰۳ نیز خوانده شود.

كانون آگهی مؤسسه دلال آگهی برای وسائل ارتباط جمعی. ر. ك. ردیف بعد.

كانون تبلیغاتی واحدی که بعنوان کنتراتیچی و یا کارگزار، امور مربوط بتبلیغات را در وسائل ارتباط جمعی برای يك مؤسسه انجام دهد. این نوع كانون‌ها بعد از جنگ جهانی دوم در ایران رایج شد و چه بسا کار كانون آگهی را نیز انجام می‌دادند. بعضی از آنها مجله منتشر می‌ساختند که سراسر آگهی بود و گاه یکی دو مطلب هم لابلای اعلانات دیده می‌شد.

گاهی نومی کاغذ. ر. ك. کاغذ.

كثیرالانتشار روزنامه یا مجله‌ای را گویند که تیراژ زیاد داشته باشد، البته با توجه بسطح متوسط نسخ چاپی نشریات در شهرهای يك کشور. چنانچه تعداد نسخ چاپی يك روزنامه كثیرالانتشار در تهران با يك روزنامه كثیرالانتشار در تبریز تفاوت بسیار دارد. در سازمان‌های دولتی این مزیت یعنی بالا بودن تیراژ برای تعیین محل چاپ آگهی‌های دولتی مورد نظر قرار گیرد.

كلیشه ۶ (واژه خارجی) انمكاس واژگون تصویر بكمك دوربین‌های مخصوص روی زینك برای آماده شدن برای چاپ. برای این کار ابتداء طرح مورد نظر را بوسیله دوربین مخصوصی روی

شیشه یا فیلم عکاسی منتقل می‌سازند. سپس از روی این نگاتیف بکمک نور بسیار قوی، تصویر بر روی پلاکی بنام زینک که سطح آن از مایعی پوشیده شده است ثبت می‌کنند. نقاطی از زینک که نور بر آن اثر کرده غیر قابل حل در اسید می‌باشد. و بقیه نقاط قابل حل است. باین ترتیب پس از شستشوی پلاک در اسید نیتريك قسمت‌های قابل حل آن خورده شده و قسمت‌های غیر قابل حل بطور برجسته باقی می‌ماند. هنگام چاپ برای همسطح کردن آن با حروف چیده شده، کلیشه را روی پایه چوبی یا فلزی قرار می‌دهند. چنانچه خطوط یا نوشته‌های طرح برنگت سیاه روی زمینه سفید باشد، با دوبار عکسبرداری بوسیله دوربین فوق‌الذکر میتوان کلیشه معکوس «نگاتیف» بدست آورد که پس از چاپ زمینه سیاه و خطوط و نوشته‌ها سفید خواهد بود. از این روش بیشتر در تهیه سرکلیشه‌ها و برخی از قسمت‌های يك آگهی برای جلب نظر خواننده پیروی میشود (بنقل از کتاب آئین روزنامه‌نگاری. با اجازه و تشکر) ر. ك. گراوور.

کلیشوگرافی ۲ (واژه خارجی) از وسائل جدید فنی چاپخانه. دستگاه خودکار برای تهیه کلیشه و گراوور بدون گذراتدن مراحل متعدد و مختلف سابق. عکس روی شیشه دستگاه قرار گیرد و به محض روشن شدن دستگاه، سوزن دیافراگم آن بسبب عبور نور و ارتعاشات حاصله به حرکت درآمده و فیبر مخصوص کلیشه را که «نولار» نامند متاثر سازد. پایان حرکت منظم سوزن اتمام تهیه کلیشه باشد. کار با این دستگاه سریع است ولی عکس را يك يكم تحویل دهد. ر. ك. ردیف پیش.

کم اعتبار روزنامه‌ای که به درج شایعات، بدون توجه به صحت اساس و اصالت منبع، پردازد و خبرهای آن اکثراً تکذیب شود.

کمیسیون مطبوعات گروه دولتی مأمور رسیدگی به درخواست صدور پروانه جهت تأسیس روزنامه یا مجله. متشکل از نماینده‌ای از ناشران مطبوعات، نماینده نویسندگان مطبوعات، يك مستشاردیوان

عالی کشور، يك استاد دانشگاه تهران، يك استاد حوزه علمیه قم، يك وكيل پایه يك دادگستری و معاون يا مدير كل مطبوعاتی وزارت ارشاد ملی که بعداً به وزارت ارشاد اسلامی تغییر عنوان داد. انتخاب هريك از افراد مزبور با سازمان مربوطه خود باشد.

کناره قسمت بریده شده و اضافی کاغذ که از ماشین برش در شعبه صحافی چاپخانه باقی ماند. هنگام انتخاب کاغذ توجه شود قطعی برای چاپ منظور گردد که تا حد امکان کناره کم‌عرض درآید، و از اتلاف جلوگیری شود. کناره‌ها را گاه بگاه به افرادی که کارشان خرید آن و باطله باشد فروشنده. در صورتیکه عرض کناره نسبتاً زیاد باشد بصورت یادداشت، صحافی شود، برای نوشتن خبر و مطلب. ر. ک. باطله.

کوبیدن علیه شخص و یا موضوعی مقاله شدید نوشتن و کوشش در محکوم کردن او / آن (فلان وزیر را در آن مقاله کوبیده بود).

کوچک کردن بی‌اهمیت جلوه دادن يك خبر از طریق انتخاب حروف ریزتر و قراردادن خبر در پائین ستون و یا صفحه نامناسب. ر. ک. بزرگ کردن.

کهنه، خبر خبری که بسبب گذشت زمان اهمیت آن از دست رفته باشد. برای روزنامه روزانه خبر دیروز کهنه است. و برای هفتگی‌ها، خبر دوهفته پیش. خبر کهنه یا چاپ نشود و یا اگر هم بشود در صفحات داخلی و جای غیر مهم. گاه آنرا با مسئله‌ای مشابه و یا دنباله موضوع بصورت يك خبر تازه جلوه دهند.

کیوسک^۸ (واژه فرانسوی) دکه ویژه فروش روزنامه / مجله که معمولاً در پیاده‌رو، نزدیک چهار راه‌ها قرار دارد. نوعی بساط با دیوار و سقف. ر. ک. بساط.

گ

گارسه ۱ (واژه روسی) از وسائل حروفچینی در چاپخانه. جمبه کم عمق مخصوص قرار گرفتن حروف: دارای ۱۶۷ خانه برای انواع حروف و اعداد باشد. بعضی از خانه‌ها بدو قسمت تقسیم شده برای حروف مشابه (مثلاً همزه اول و همزه وسط. و یا حرف واو مفرد، و واو همزه‌دار) طرح خانه‌ها برای حروف زبانهای مختلف با هم تفاوت دارد. آنچه را مربوط بفارسی است «گارسه ایرانی» خوانند. هر حرف در گارسه بطور متوسط چهارخانه دارد: به استثنای حروف «دندرژ-ژو» های همزه‌دار و های آخر دوخانه دارند و حرف الف که هشت خانه دارد. نوع کشویی گارسه را رآل گویند.

گارسه بابوشکه ۲ (اصطلاح روسی) از وسائل چاپخانه. جمبه چوبی با دست‌کم ۲۴ خانه ویژه قرار گرفتن بابوشکه‌ها. جای آن کنار میز حروفچینی باشد. بابوشکه‌ها بترتیب اندازه برحسب شماره‌ای که دارند در این خانه‌ها نشینند.

گازت ۳ (واژه خارجی) روزنامه / مجله. بعضی از روزنامه‌های قدیم فارسی چاپ خارج از کشور، این واژه را بجای کلمه روزنامه بکار برده‌اند. از اولین کلمات خارجی است که از طریق مطبوعات

1- Garsé 2- Garse babooshka 3- Gazzette

بزبان فارسی راه یافته.

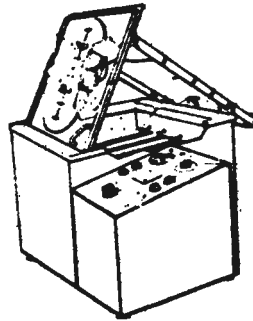
گالینگور ۴ نوعی روکش بادوام برای جلد کتاب را گویند. از جنس پلاستیک مخصوص و با عنوان‌های مختلف چون: گالینگور پارچه‌ای، گالینگور مشمی و امثال آن. ر. ک. صحافی.

گراوور ۵ (واژه خارجی) گراوور از روی تصاویر سایه-روشن‌دار (مثل عکس) تهیه میشود. در این‌امر از دوربین‌هایی که در ساختن کلیشه بکار میرود استفاده میکنند. از آنجا که عکس علاوه بر نقاط سیاه و سفید دارای سایه‌های مختلف خاکستری پر رنگ و کم رنگ نیز هست، صفحه‌ای بنام «شیشه ترام» را که دارای نقاط بسیار ریز است برابر عدسی (داخل دوربین) قرار میدهند. نور پس از عبور از فیلم یا شیشه عکس، از این شبکه عبور میکند و روی زینکی که در عقب آن قرار دارد منعکس میشود. قسمت‌های سفید فیلم نور بیشتری از خود عبور میدهد. از قسمت‌هایی که تاریک است نور گذر نمیکند. از نقاط خاکستری تیره و روشن، نور بتفاوت عبور میکند. اثراتی که باین ترتیب روی پلاک نقش میندند بصورت سیاه و سفید و سایه و روشن است. چنانچه پس از تکمیل این مرحله یعنی شستشوی پلاک در اسید اگر عکسی از روی گراوور چاپ شود و در زیر ذره‌بین قرار گیرد، ملاحظه خواهیم کرد که عکس مزبور ترکیبی از نقاط ریز است که بسته به سیاهی و سفیدی و سایه و روشن‌های نقاط مختلف عکس پهلوی هم قرار گرفته‌اند. این نقاط در اثر شیشه ترام بوجود آمده است. درجات و شماره‌های شیشه‌های ترام بدین قرار است. ۵۵-۶۰-۶۵-۸۵-۱۰۰-۱۲۰-۱۳۳-۱۵۰ و ۱۷۵. این اعداد در حقیقت تعداد خطوط ملی است که در یک اینچ (تقریباً ۲/۵ سانتیمتر) مربع ترام وجود دارد. هر اندازه این رقم بزرگ‌تر باشد، گراوور دقیق‌تر و عکس تهیه شده از روی آن بهتر و یکنواخت‌تر خواهد بود. البته جنس کاغذ و نوع ماشین چاپ در انتخاب شیشه ترام‌اهمیتی فراوان دارد. معمولاً گراوورهایی که با ترام ریز ساخته میشود روی

4- Galingore

5- Gravure

کاغذ گلاسه اعلا قابل چاپ است. (بنقل از کتاب آئین روزنامه‌نگاری. با اجازه و تشکر) این توضیح کلی برای تهیه گراوور با دست باشد. ماشینهای جدید اکثر کار دستگاه‌های مزبور را توأم با آنچه بوسیله دست انجام می‌گرفت، امروز پی‌درپی در خود انجام دهد، به طوری که گراوور با کیفیت بهتر و سرعت بیشتر - حدود بیست دقیقه - فراهم آید. ر.ك. کلیشه.



از دستگاه‌های جدید گراورسازی

گراورسازی (اسم مرکب از واژه خارجی با صفت فارسی) کارگاهی که در آن انواع کلیشه و گراوور ساخته و تهیه شود. منجز باشد بوسائل مختلف از قبیل ماشین‌های تیزابکاری، دوربین‌های متنوع عکاسی با عدسی و فیلتر و ترام‌های لازم جهت تجزیه رنگ و ماشین‌های تهیه‌کننده کپی و ماشین‌آلات چوب‌بری و سایر لوازم مربوط.

گردآوری تهیه، فراهم آوردن خبر و یا اجزاء محتوای مطلب برای نشریه از چند مرکز و منبع مختلف.

گرده (بر وزن خورده) از ابزار چاپخانه. نوعی خط برنج قطور و سیاه. ر.ك. خط برنج.

گروبلی ۶ (واژه روسی) پایه حروف را گویند که در حروفچینی

بمنظور ایجاد فاصله، اول هر سطر قرار دهند.

گزارش واقعه‌نگاری برای روزنامه. مفصل اطلاع دادن جریان وقوع امر و حادثه‌ای. با فعل تهیه کردن بکار رود (این خبرنگار گزارش حادثه را خوب تهیه کرده بود).

گزارشگر تهیه‌کننده گزارشی که در روزنامه چاپ شود. از دهه ۵۰ به خبرنگاران شفاهی رادیو و تلویزیون، گزارشگر گویند.

گفتگو بحث یک فرد یا گروه را با خبرنگار نشریه در یک مورد خاص گویند. در نشریه منعکس شود. جانشین مصاحبه (مدیر کارخانه در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی گفت...

گلاسه نوعی کاغذ شفاف. سابقاً فقط بصورت ورق بود. مدتی است که استوانه‌ای آن نیز وارد شود.

گوادراد ۷ (واژه روسی) از ابزار کار در شعبه حروفچینی چاپخانه. فاصله‌ای کم‌ارتفاع‌تر از حروف چاپ که بمنظور پایان دادن بسطر گذارده شود. برابر است با $1/83$ سانتیمتر یعنی چهار سیسرو. در جریان چاپ روی کاغذ منعکس نشود. کارگران چاپخانه آنرا اکثراً گدراد (بر وزن رخداد) تلفظ کنند. ر. ک. سیسرو، گرویلی.

گوشه‌زن ماشین کوچک دستی که در فرم‌بندی برای بریدن گوشه‌های خط برنج سربی و رگلت‌ها بکار رود. آنرا صاف‌کن و گوشه‌بری هم خوانند.

گوشه‌گردکنی دستگاهی که با استفاده از آن دو لبه بالا و پائین مقابل عطف نیمه مدور قطع گردد و به زینت کتاب افزاید. پس

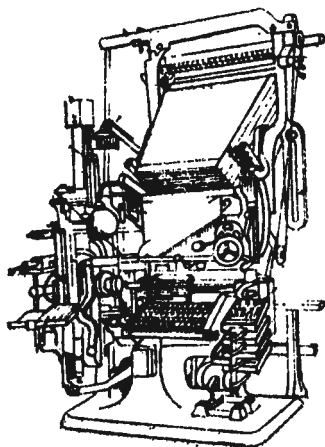
از آماده شدن کتاب برای جلد، گوشه‌های مزبور را در این دستگاه قرار دهند و بعد با فشار تکه برقی، کارد دستگاه گوشه‌ها را نیمه مدور قطع کند. جلدگذاری پس از این برش انجام پذیرد. ر. ك. صحافی.

گوناگون عنوان کلی باشد برای مطالب مختلف، متنوع و كوچك. در مجلات بیشتر مورد استعمال دارد. گاه چند صفحه زیر همین عنوان دیده شود. «گونه‌گون» هم نوشته شده است.

ل

لائى صفحات داخلى روزنامه، معمولا از صفحه پنجم تا چهار صفحه به آخرين صفحه روزنامه مانده (چنانچه در يك شماره ۱۶ صفحه‌اى صفحات پنجم تا دوازدهم را لائى گویند). ر.ك. سردبير شب.

لاینوتاىپ^۱ (واژه خارجى) نوعى ماشين جديد حروفچينى كه



ماشين لاینوتاىپ

1- Linotype

حروف و کلمات را با توجه بمرض ستون بصورت يك سطر كامل‌ریزد. کار حروفچین با این وسیله همانند کار با ماشین تحریر باشد. نوع دیگر آن اینترتایپ نامیده شود. ر. ک. حروفچینی.

لاینوترون^۲ (واژه خارجی) جدیدترین دستگاه حروفچینی بر روی فیلم با روش کامپیوتر - مدل ۳۰۳ از دستگاه‌های حروفچینی لاینوتایپ کاملتر باشد و کار براساس کامپیوتر انجام گیرد. محصول آن برای ماشین‌های افست است.

لت (بر وزن خط) در اصطلاح صحاف‌ها يك ورق از يك کتاب، یعنی دو صفحه (یعنی دو تایی از چهار صفحه) کاغذ يك لتی، که ورق نباشد (فرهنگ دهخدا) يك برگ. يك ورق دو رو چاپ شده. لتی هم گفته شود. روزنامه را که در دو صفحه بچاپ رسیده باشد يك لت یا لتی خوانند.

لتراست^۲ نوعی کپی‌کردن حروف برای کارهای مهندسی و نقشه‌کشی و همچنین تهیه عنوان و اسم و آماده نمودن آن برای چاپ را گویند. عنوان «حروفچینی سریع و محدود» نیز به آن اطلاق شود. انواع لتراست با نامهای لترپرس و لترفیلم شناخته شده است. حروف در قطع و اندازه‌های مختلف روی نوعی کاغذ از جنس پی - وی سی چاپ شده و بر آن روغن زده‌اند تا ثابت و محفوظ مانند. روش کپی گرفتن چنین باشد که صفحه لتراست را روی کاغذی که با آبی روشن خطچین شده و به میلیمتری معروف است قرار دهند و آنگاه روی حروف مربوط یکی بعد از دیگری با کاردک و یا وسیله‌ای چوبی و نوک باریک فشار وارد آورند که تصویر حروف بر کاغذ میلیمتری منعکس گردد. همینکه عنوان و یا جمله منظور تهیه شد، با استفاده از دوربینهای عکاسی چاپخانه به قطع مورد نظر درآورده شود. انواع بسیار دارد و از نظر اندازه طرح‌های ۸ و ۱۴ میلیمتری آن بیشتر طرف استفاده قرار گیرد. صفحات آن علاوه از حروف،

اعداد و طرح‌های تزئینی کوچک نیز دارد. لتراست معمولاً لاتین است و برای فارسی از صفحات عربی با وارد آوردن تغییرات کوچک و ظریف به‌کار رود.

لحظه بلحظه اخباری را گویند که متدرجاً کسب شود و هر قسمت آن جزئی از کل باشد. بسبب اهمیت هر لحظه که حاصل‌گردد مخابره آن از مرکز فرستنده بر سایر خبرها اولویت دارد. (مثل گزارشات مربوط بیک نبرد در جنگ) گاه در مطبوعات عین آن بدون ادیت پشت سر هم به‌چاپ رسد تا گزارش لحظه بلحظه از نظرخوانندگان بگذرد.

لغو باطل شدن. اصطلاحاً برای امتیاز و پروانه انتشار بکار رود (امتیاز روزنامه‌اش لغو شده است).

لودلو^۴ (واژه خارجی) از وسائل چاپخانه. نوعی ماشین تیتراچینی.

لوله خبر متن اصلی و دستنویس اخبار و مقالات که پس از چاپ شدن روزنامه بصورت لوله در آورده شود، روی آن شماره نشریه و تاریخ ذکر گردد، و تا مدتی جهت مراجعات احتمالی آینده حفظ گردد. برای مدت حفظ این لوله رقمی تعیین شده نداریم.

لوله کاغذ انواع کاغذ که بصورت استوانه لوله پیچ برای مصارفی چون چاپ، و یا تهیه خبر روی دستگاه‌های تلکس و گیرنده خبر بکار رود. عرض لوله تابع نوع ماشینی است که برای آن تهیه شده.

له‌شده حروفی را گویند که بسبب کثرت استعمال و فشار سیلندر ماشین چاپ کج، پهن و از شکل افتاده باشد. این حروف از

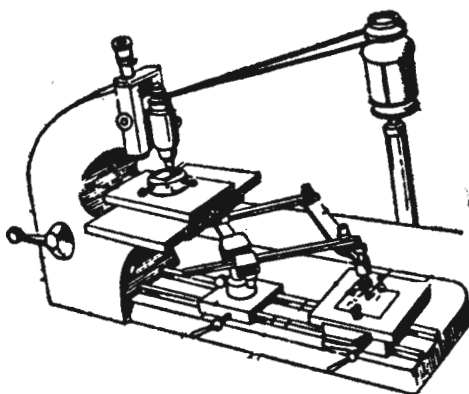
گارسه خارج و در سطلی جا داده شود تا بعداً برای استفاده مجدد از سرب در حروف‌ریزی بعدی بکارخانه مربوط تحویل گردد.

لیتوگرافی^۵ (واژه خارجی) از انواع قدیمی چاپ معروف به چاپ سنگی. ر. ک. صفحه مسی.

لید^۶ (واژه انگلیسی) عبارت یا چند جمله شروع خبر را، که موجز و معرف اصل موضوع باشد، گویند. معمولاً با حروفی چشمگیر و سواى حروف متن خبر بچاپ رسد. این اصطلاح در فارسی «طلیعه» و «سرخبر» هم عنوان شده است. ولی بندرت بکار گرفته شود.

م

ماتریس^۱ (واژه انگلیسی) قالب مقوائی صفحه که با کمک وسائل فنی، حروف و تصاویر در آن فرو رفته منعکس گردد و بعد برای تهیه قالب سربی برجسته و نیم سیلندری طرف استفاده قرار گیرد. از يك ماتریس می‌توان چندین قالب سربی تهیه کرد و به ماشین‌های متعدد سپرد تا سبب تسریع چاپ شود. قالب‌های برنجی کوچکی که برای چیدن حروف در ماشین‌های حروفچینی لاینوتایپ و اینترتایپ بکار رود نیز ماتریس نامیده شود.



دستگاه ماتریس
(دستگاه پرس)

1- Matrix

ماده پنج پنجمین ماده از قانون حکومت نظامی مصوب سرطان (تیرماه) ۱۲۹۰ که حق بازداشت افراد مورد سوء ظن را به حاکم نظامی دهد، و چنین گوید - اشخاصی که سوء ظن مخالفت با دولت و امنیت و انتظام عمومی در حق آنها بشود قوه مجریه حق توقیف آنان را خواهد داشت و پس از توقیف استنطاق آنان شروع میشود. هرگاه در استنطاق سوء ظن بکلی رفع نشود، شخص مظنون در توقیف باقی و بعد از اختتام حکومت نظامی بعدلیه تسلیم خواهد شد. - در مورد روزنامه و مجله نیز ماده هشت همان قانون گوید «روزنامجات و مطبوعات اگر بر ضد اقدامات دولت انتشاراتی بطبع رسانند نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف خواهد شد. در صورتیکه تحریک بضدیت دولت شده باشد متصدیان یا مدیران آنها موافق حکم محکمه نظامی مجازات خواهند شد» در گذشته این دو ماده دستاویز مقامات حکومت نظامی بود برای توقیف و تعطیل نشریات و یا بازداشت نویسندگان.

ماده هشت یکی از موارد قانون حکومت نظامی. ر. ک. ردیف پیش.

ماسك ۲ (واژه خارجی) نقاب را گویند. در روزنامه‌نگاری فارسی ماسك بر چهره زدن یا داشتن، خلاف واقع جلوه دادن عنوان شده است. (او زیر ماسك سیاسی مقاله می‌نویسد. یعنی خود را سیامتمدار جا می‌زنند).

ماشین اصطلاحاً دستگاه چاپ را گویند که به جای «ماشین چاپ» متداول گشته و چندین کلمه مرکب از آن بوجود آمده است: از جمله ماشینچی و ماشینخانه.

ماشین تاکن از وسائل چاپخانه. دستگاه مخصوص تا کردن صفحات روزنامه و فرم‌های مجله / کتاب.

ماشین ترتیب از وسائل چاپخانه. دستگاهی که در صحافی، فرم‌های روزنامه / مجله و کتاب را بطور خودکار برای توزیع مرتب، تجلید و آماده سازد.

ماشینچی مسئول چاپ و کار با ماشین آن.

ماشینخانه سالن / تالاری که ماشین‌های چاپ در آن قرار دارد.

ماکت صفحه (نام مرکب از دو واژه خارجی و فارسی) نمونه يك صفحه از روزنامه، روی کاغذ مخصوص پیش از طی کردن مراحل فنی و چاپ. متشکل از ستون‌های حروفچینی شده و تصاویر و آگهی که براساس آرایش صفحه تنظیم گشته و آماده برای پیاده کردن در قالب فلزی باشد.

ماگازین^۳ (واژه خارجی) دستگاهی باشد بر روی ماشین‌های حروفچینی از نوع لاینوتایپ و اینترتایپ که قالب‌های برنجی حروف در آن جای دارد. هر ماشین می‌تواند تا چهار ماگازین برای نگهداری چهار نوع حروف داشته باشد.

ماهانه نشریه‌ای که ماهی يك بار و معمولاً در هیأت مجله منتشر شود. اصطلاحاً آنرا ماهنامه نیز گویند. روزنامه ماهانه نیز در تاریخ مطبوعات خود داشته‌ایم. ولی محدود و نادر.

ماهنامه نوعی مجله از نظر تاریخ و فاصله انتشار. ر. ک. ماهانه.

ماهواره‌ای خبر و تصویری را گویند که از طریق ماهواره گرفته شود. ر. ک. تلکس.

مبادله عمل ارسال متقابل روزنامه مجانی از طرف يك مؤسسه مطبوعاتی برای همتای دیگر و دریافت روزنامه یا مجله مجانی از آن. از دهه ۴۰ این رویه رو به‌منسوخ شدن است. ولی روزنامه‌های شهرستانی کم و بیش هنوز باین کار مبادرت می‌ورزند.

مبتدی کسی را گویند که برای حروفچینی استخدام شود و زیر دست استادکار آموزش عملی ببیند. در سایر شعب چاپخانه نیز صادق باشد.

مترجم از اعضاء هیأت تحریری نشریه. کسی را گویند که مقاله / متن / خبر / کتابی را از يك زبان بزبانی دیگر برگرداند. ر. ک. برگردان.

مجله نشریه چندین صفحه‌ای که هفته یا ماهی يك بار در روز / هفته معین منتشر شود. قطع آن كوچك‌تر از روزنامه و صفحات آن بمراتب زیاده‌تر باشد. مجلات هفتگی دارای مطالب متنوع، عمومی و تفسیر وقایع هفته‌اند. حال آنکه مجله ماهانه سنگین‌تر است و کلیت دارد. صفت مجله، سبك آن است. (مثل علمی، ادبی، کشاورزی).

محافل جمع محفل. در اصطلاح مطبوعاتی بصورت جمع بکار رود به‌مفهوم جمعیت‌ها / گروه‌ها / عده‌ای معمولاً مطلع از يك خبر یا موضوع (در محافل اقتصادی صحبت از افزایش قیمت نفت در اجلاس آینده اوپک است).

محاق تعطیل تعطیل موقت و اجباری و عدم انتشار روزنامه. حالت نشریه‌ای را که چاپ نشود در اصطلاح روزنامه‌نگاری «درمحاق تعطیل افتادن» گویند.

محرور نویسنده در هیأت تحریری نشریه. از لغات منسوخ‌شده در روزنامه‌نگاری. کاتب. کسی که در دوره‌های اولیه چاپ، متن را

بجای حروفچینی با دست می‌نوشت و عیناً به‌چاپ می‌رسید.

محصل اخبار خبرنگار در دوره‌های اولیه روزنامه‌نگاری.

محلل در زبان مطبوعات، کابینه‌ای را گویند که معمولاً در پی يك بحران سیاسی روی کار آید تا برفع مشکل پردازد و چون مقصود حاصل آمد ساقط شود.

مخبر خبرنگار.

مدیر اداره‌کننده روزنامه / مجله و مسئول آن از نظر قانون. در گذشته اکثراً يك نفر بود. در روزنامه‌نگاری جدید مدیریت اداری بسبب گسترش کار تقسیم شده است. ولی مسئولیت کماکان با دارنده پروانه نشر باشد. برای مدیریت روزنامه، قانون مطبوعات شرایطی قائل است.

مدیرکل اصطلاحی که برای رئیس اداره روزنامه در گذشته دور بکار می‌رفته است.

مردمداری اصطلاحی که بندرت بجای روابط عمومی بکار گرفته شده و حتی کتابی با این عنوان انتشار یافته است. در این اصطلاح کارمند و مسئول روابط عمومی، مردمدار عنوان گردد.

مرکب رنگ یا ماده اصلی چاپ بر روی کاغذ و مقوا. نوع ویژه آن برای چاپ روی فلز و پارچه باشد. اصطلاحی برای رنگ مورد مصرف چاپخانه. در سایر کشورها نام اصلی آن یعنی رنگ‌بکار رود. ولی در ایران، از آغاز، آنرا مرکب نامیده‌اند که هنوز بخصوص برای رنگهای زرد، قرمز، و آبی متداول باشد.

مسائل جاریه داخلی تیتري برای اخبار / وقایع / مطالب‌روز

ایران بزبان روزنامه‌نگاری گذشته. ر. ك. اخبار داخله.

مسئول توزیع کسی را گویند که وظیفه توزیع روزنامه / مجله را، چه از چاپخانه و چه در مراکز مختلف خطوط بر عهده داشته باشد. با موزع فرق دارد.

مسلسل شماره ردیف روزنامه / مجله. ر. ك. سرشماره.

مشترك کسی که برای دریافت مرتب و مستقیم يك نسخه روزنامه / مجله توسط پست و یا موزع، در مدتی معین، معمولاً يك سال، پول پرداخت کرده باشد. این مبلغ را حق الاشتراك خوانند. ر. ك. اشتراك.

مشته (بر وزن کشته) از ابزار چاپخانه در شعبه صحافی. وسیله‌ای فلزی و اکثراً برنجی بشکل گوشتکوب که در مشت قرار گیرد. برای کمک به‌چسبیده شدن کتاب بجلد و یا گرد کردن عطف کتاب بکار رود. ر. ك. صحافی.

مصاحبه سؤال و جواب خبرنگار با کسی که طرف گفتگوی حضوری با او است. اخیراً مذاکراتی را که از طریق تلفن انجام گیرد مصاحبه تلفنی گویند. مصاحبه بطور کلی بر دو نوع باشد: اختصاصی یعنی خبرنگار با يك نفر، و عمومی یعنی چند خبرنگار وسائل ارتباط جمعی با يك یا چند نفر. ر. ك. گفتگو، میزگرد.

مصادر امور مقامات و افراد موظف و مسئول دستگاه دولت را بطور کلی، در مطبوعات گویند.

مصالح عالیہ عبارتی کلی و همه‌گیر. مفهوم «آنچه را که در جهت منافع دولت و دستگاه دربر می‌گیرد» را بخواننده و یا شنونده القاء کند. بهانه‌ای در دست دولتمردان برای انجام آنچه اراده می-

کردند، بویژه بستن دهان‌ها و شکستن قلم مطبوعاتی‌ها.

مصحح تصحیح‌کننده ستونهای حروفچینی شده در چاپخانه. برای سرعت و دقت چه بسا مصحح، نمونه مطلب را خواند و نقری دیگر بمتن اصلی نگاه کند که چیزی جا نیفتاده باشد. در واقع نوعی مقابله باشد. همکار او در شعبه حروفچینی غلطگیر نامیده شود. ر. ک. جا افتاده.

مصور عکسدار / توأم با عکس / همراه باعکس. در مطبوعات اولیه وجود تصویر و طرح و کاریکاتور مزیت بحساب می‌آمد. حال آنکه نبودن آنها در شماره‌های روزنامه / مجله از دهه ۲۰ بعد يك نمره منفی تلقی گردد.

مصور قلمی داستانهایی که با تصویر نمایانده شود. برای هر صفحه طرحی کشند و شرحی بسیار مختصر در گوشه و یا زیر آن جای دهند.

مطبعه چاپخانه.

مطبعه‌چی متصدی چاپ. چاپچی. صاحب چاپخانه.

مطبوعات نشریاتی که بطور منظم و در مواقع معین با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف، چاپ و منتشر میشود و اخبار و اطلاعات و دیدگاههای گوناگون در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و دینی و علمی و فرهنگی و هنری را به آگاهی عموم میرساند و از این راه به روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح دانش در رشته خاص کمک میکند (ماده يك لایحه قانونی مطبوعات مصوب مرداد ماه ۱۳۵۸).

مطبوع بچاپ رسیده. چاپ گردیده. از اصطلاحات گذشته.

مطلب قسمتی از کل مندرجات يك شماره نشریه: اعم از خبر / مقاله / موضوع / رپورتاژ.

معاون سردبیر عضو ارشدی در هیأت تحریری را گویند که در غیبت سردبیر و یا به‌دستور وی وظایف سردبیری را بر عهده گیرد. در بعضی از سازمانهای مطبوعاتی او را معاون تحریری هم خوانند.

معمولی نام نوعی کاغذ باشد. آن را تحریر هم گویند.

مفتش در گذشته به بازبین و سانسورچی مطبوعات می‌گفتند. ر. ك. سانسور، ممیز.

مفتول‌دوزی کاری در شعبه صحافی. دوختن صفحات / فرمهای مجله به یکدیگر بوسیله مفتول‌های فلزی، با استفاده از ماشین مخصوص. این عمل را مفتول کردن و ماشین کار را مفتول‌زنی هم خوانند. مجله یا کتاب را می‌توان از وسط و یا از کنار مفتول کرد.

مفسر نویسنده شرحی مفصل در باره يك خبر با اشاره به سوابق امر و بیان نظرات خود درباره آن. صفت آن تابع نوع مطلب باشد. (مفسر سیاسی، مفسر اقتصادی).

مقابله عمل خوانده شدن، با صدای بلند، متن ماشین شده را توسط ماشین‌نویس و یا يك عضو هیأت تحریری گویند، در حالی که همکار دیگر به‌متن اصلی توجه داشته باشد. روشی برای رفع اشتباه و از جا افتادگی کلمات.

مقاله جنگ کلمات و عبارات درباره يك موضوع معین. در گذشته روش اطناب معمول بود. ولی امروزه در مقاله‌نویسی ایجاز الزام‌آور باشد.

مقاله افتتاحی سرمقاله نخستین شماره. ر. ک. سرمقاله.

مقاله اول دومین مطلب مهم در هر شماره روزنامه. بعضی‌ها آنرا سرمقاله تلقی کنند. مقاله اول زیر عنوان‌های مختلف چون «یادداشت روز» بچشم خورد.

مقابری از وسائل چاپخانه. دستگاه ویژه برش مقوا.

ممنوع‌القلم کسی که اجازه نداشته باشد در روزنامه / مجله چیزی با نام خود بنویسد و یا کتاب منتشر کند.

ممیز مأمور دولتی برای بازبینی مطبوعات بمنظور سانسور. از اصطلاحات دوره دوم و اوائل دوره سوم روزنامه‌نگاری. ر. ک. مفتش سانسور.

منبع اصطلاح روزنامه‌نگاری. کسی را گویند که خبر درو هله اول از او بدست آمده باشد. ذکر منبع در متن خبرهای خاص الزام‌آور نباشد. می‌تواند محرمانه تلقی گردد.

منتظم اصطلاح قدیمی چاپ. ترتیب‌دهنده و تنظیم‌کننده صفحه را در چاپخانه می‌گفتند. واژه امروزی آن صفحه‌بند و صفحه‌آرا باشد.

مندرجات کل خبرها / مقالات / تصاویر و آگهی‌های يك شماره از نشریه را گویند. ر. ک. فهرست.

منصفه، هیات گروهی که در دادگاه جنائی بهنگام رسیدگی بهجرائم مطبوعاتی حضور دارد. اعضاء آن از گروه‌های مختلف روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، وکلاء دادگستری، دبیران و آموزگاران، سردفتران، اصناف و پیشه‌

وران، کارگران و کشاورزان انتخاب شوند. جلسه دادگاه با حضور دست کم هفت نفر از چهارده نفر عضو منتخب رسمیت دارد. وظائف اعضاء هیأت منصفه در قانون مطبوعات آمده است.

منطبعه چاپ شده در... اصطلاحی که دیگر بکار نرود.

منطقی از شیوه‌های نگارش خبر. آنرا تشریحی نیز گویند. ر. ک. هرم وارونه.

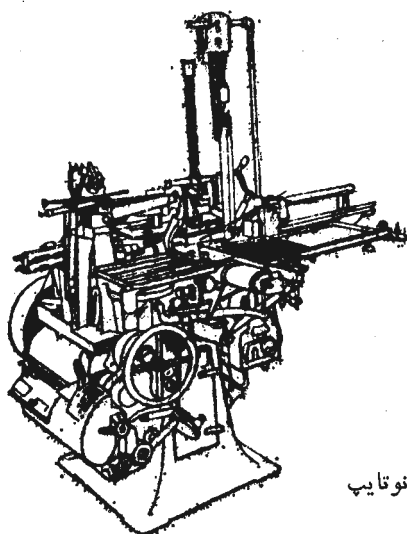
منقد نویسنده نقد و انتقاد روی يك موضوع. منتقد هم گفته شود. ر. ک. انتقاد، نقد.

مؤسسه تبلیغاتی ر. ک. کانون تبلیغاتی.

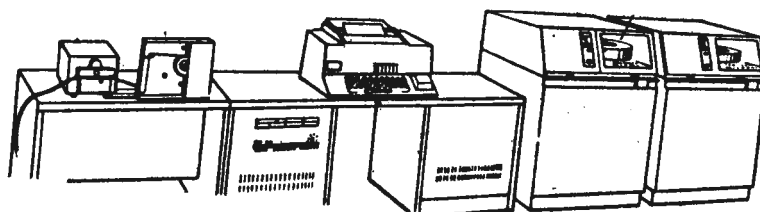
موزع کسی که روزنامه / مجله را از دفتر / چاپخانه / مرکز توزیع دریافت داشته و برای فروش و یارساندن به ادارات / مراکز / خانه‌ها توزیع کند. در گذشته دور هر روزنامه موزع خود را داشت. توزیع چند روزنامه مختلف وسیله يك موزع از نیمه دوم دهه ۱۳۰۰ آرام توسعه یافت. توزیع‌کنندگان نشریات در دهه ۴۰ تشکیلاتی با عنوان «اتحادیه موزعین جراید» با عضویت حدود ششصد نفر در تهران تشکیل دادند. ر. ک. توزیع، سندیکا.

مونوتایپ ۴ (واژه خارجی) نوعی ماشین حروفچینی در چاپخانه که حروف را جدا از هم چیند و نه بصورت سطر.

مونوفتوه از دستگاه‌های جدید حروفچینی که حروف را روی فیلم منعکس کند. فیلم فقط برای استفاده در چاپ افست بکار رود و در چاپ مسطح قابل استفاده نباشد.



يك دستگاه موفوتایپ



ماشین مخصوص حروفچینی و عکاسی برای روزنامه (لاینترون)

مونیتورینگ^۶ (واژه خارجی) عمل گوش دادن، ضبط کردن، پیاده کردن و تنظیم برنامه‌های رادیوهای خارجی را در هر ۲۴ ساعت گویند. در مطبوعات همه رادیوهای خارجی را دربر بگیرد و چه بسا فقط به استماع و تهیه مطلب کوتاه قناعت شود. ر. ک. شنود.

میان تیترا (عنوان مرکب از دو کلمه فارسی و فرانسوی)

6- Monitoring

عنوانی که در یکی دو کلمه با حروفی درشت‌تر از حروف متن و ریزتر از حروف عنوان اصلی مقاله، در وسط مطلب بین دو پرگراف قرار گیرد. آنرا «زیر تیتر» و «تیتر ریز» هم نوشته‌اند. ر. ک. سوتیتر.

میترا نام حروف جدید چاپ که وسیله دستگاه‌های لاینوترون بسبک ماشین‌نویسی زده شود.

میزانپاژ^۷ (واژه فرانسوی) ر. ک. آرایش صفحه.

میز تصحیح میز بزرگ معمولاً چوبی که نمونه‌های چاپی برای مقابله و غلطگیری و تهیه صفحه / فرم روی آن قرار گیرد. ارتفاع میز در حدی باشد که غلطگیر زیاد خم نشود.

میزگرد تجسمی موقت، متشکل از گروهی افراد که برای بحث در موضوعی خاص به گفتگو نشینند و خلاصه و نتایج بدست آمده در روزنامه / مجله به چاپ رسد. نوعی مصاحبه عمومی درباره یک موضوع. گاه صفت مطبوعاتی را نیز بدنبال دارد (میزگرد مطبوعاتی) ر. ک. مصاحبه.

میکروفیلیم^۸ (واژه خارجی) فیلم کوچک و سیاه و سفیدی که از صفحات روزنامه / کتاب تهیه و در آرشیو حفظ شود: با هدف صرفه‌جویی درجا و از نسخی کمیاب. در موقع لازم فیلم درپروکتور مخصوص قرار گرفته عین صفحه و یا قسمت مورد نظر به ابعاد بزرگ و دلخواه روی پرده منعکس گردد.

میلیمتری کاغذی که با رنگ آبی روشن خط‌چین شده و برای کپی‌کردن لتراست از آن استفاده شود. ر. ک. لتراست.

ن

ناژك نوعی از حروف چاپ را گویند. ر. ك. حروف چاپ.

ناشر نشردهنده نشریه. در گذشته دور چه بسا افراد كه هزینه انتشار روزنامه را می پرداختند و به میل خود آنچه را می خواستند منتشر می ساختند، بدون آنكه نامشان در امتیازنامه یا پروانه نشر ذكر شده باشد. گاه اسم خود را بالای نام صاحب امتیاز قرار می دادند.

نامه اخبار روزنامه. اصطلاح روزنامه نگاری فارسی در شبه قاره هند.

نامه نگاری اشاره ناکامل باشد به روزنامه نگاری.

نر و ماده اصطلاح چاپ. يك جفت كلیشه، ویژه تهیه چاپ برجسته و بدون مركب، با ماشین چاپ مسطح را گویند. كلیشه هایكی برجسته باشد و دیگری گود. هنگام كار ماشین، كاغذ بین این دو كلیشه قرار گیرد و بر اثر فشار سیلندر قسمت های برجسته كلیشه يك در قسمت گود و مشابه كلیشه دو فرو رود. اثر این فرو رفتگی حدود يك میلیمتر برجستگی روی كاغذ ایجاد كند. تنظیم كار بسیار

مشکل است. کار مهرهای برجسته مؤسسات، ادارات و سفارتخانه‌ها نیز بر همین روش باشد.

نسخه دست‌نویس خبر / مطلبی که با دست نوشته شده تاپس از ملاحظه و تصحیح احتمالی به‌ماشین‌نویس سپرده شود. در مطبوعات ما هنوز ماشین‌کردن خبر توسط خبرنگار عمومیت پیدا نکرده است.

نظام مطبوعات مصوب سندیکای نویسندگان و خبرنگاران در هشت ماده به‌این شرح: يك - هر نشریه که برای مردم منتشر می‌گردد متعلق به‌عامه است. نویسندگان مطبوعات باید بدانند که اگر کاری جز خدمت به‌عامه انجام دهند در امانت خیانت کرده‌اند. دو - هیچکس نباید بعنوان روزنامه‌نگار مرتکب عملی گردد که بعنوان يك شخص شرافتمند از دست زدن بدان پرهیز دارد. سه - اساس روزنامه‌نگاری باید بر بیطرفی، عشق بحقیقت، دقت و اطلاع باشد. چهار - در انتشار مطالب نفع‌مردم و کمک به‌روشن‌شدن حقیقت‌اساس کار است نه خوشایند اشخاص و منافع خصوصی. اما در عین حال روزنامه‌نگار باید بقول خود در محفوظ نگه‌داشتن امضاء یا عدم انتشار مطالب وفادار بماند. پنج - روزنامه‌نگار هنگام نوشتن مطالب خود باید بداند که زیان انتشار آن مطالب ممکن است برای يك مقام رسمی یا فردعادی جبران‌ناپذیر باشد: مگر آنکه مصالح عمومی و ملی اقتضاء کند. شش - انتشار مطالب غیر مستدل در شأن نویسنده مطبوعات نیست و اگر مرتکب اشتباهی شود باید صریحاً بدان اعتراف کند و در پی جبران برآید. هفت - در نقل مطالب از نشریات دیگر ذکر مأخذ یا کسب اجازه ضروری است. روزنامه‌نگار نباید مطالب را بشکل تحریف شده اقتباس کند و یا مصاحبه‌ای را بدون اجازه صاحب آن انتشار دهد. هشت - روزنامه‌نگار مانند هر صاحب حرفه حق دارد از شغل خود انتظار سود و بهره مادی و معنوی داشته باشد: ولی نه بیبهای دروغ و پوشاندن حقایق و دوری از عفت‌قلم و لطمه‌زدن بمصالح عمومی و ملی.

نقد نظر کردن در شعر و سخن و تمیز دادن خوب آن از بدش

(فرهنگ دهنده) در مطبوعات عنوان کلی باشد برای اظهار عقیده در باره کتاب یا اثری که انتشار یافته، ولی چون انتقاد، شدید نباشد. مطلبی که به هدف تجزیه و تحلیل يك موضوع و نشان دادن محاسن و معایب آن، برشته تحریر کشیده شود. ر. ك. انتقاد، منقد.

نقلی به استماره، خبر كوچك را گویند.

نگارش، اداره كل واحدی در وزارت معارف قدیم (فرهنگ و بعد آموزش و پرورش) که سالها مركز صدور امتیاز روزنامه و مجله بود.

نماینده گی دفتری در شهرستان که زیر نظر نماینده روزنامه، توزیع را بر عهده دارد. علاوه از مسائل خبری، کارهایی از قبیل تهیه آگهی، و مراجعه به ادارات و مؤسسات و امثال آن از جمله وظائفش به شمار رود. روزنامه‌های بزرگ يك نمایندگی در مركز هر استان دارند که امور شهرستان‌های تابعه را انجام دهد. متقابلاً، نمایندگی روزنامه‌های شهرستانی در پایتخت به تعداد انگشتان يك دست هم نرسد.

نمره سابقاً به هر شماره و نسخه روزنامه / مجله گفته می‌شد. (نمرات روزنامه به دستور حاکم نظامی توقیف گردید).

نمونه متن تهیه شده از يك خبر / مقاله / ستون و یا صفحه حروفچینی شده، برای تصحیح و غلطگیری یا برای صفحه آرایی. ر. ردیف بعد.

نمونه‌دستی نمونه‌ای از کلمات حروفچینی شده - اعم از كل يك مطلب و یا يك ستون - که با دست از دستگاهی به نام پرس گرفته شود. باین ترتیب: ستون در پرس نشانده شود، روی آن با نورد دستی مرکب مالند، کاغذ را کمی مرطوب کرده روی ستون خوابانند، قرقره

دستگاه را از روی آن عبور دهند، تا در نتیجه نمونه‌ی ستون روی کاغذ منعکس شود. پس از چند لحظه رطوبت کاغذ از بین رود و نمونه برای تصحیح طرف استفاده قرار گیرد.

نمونه ستون نوعی نمونه. ر. ک. ردیف پیش.

نوار انواع کاغذ با عرض‌های مختلف ولی کم، و با رنگ‌های متنوع که در روش جدید آرایش صفحه بکار آید.

نوار تلکس (عنوان مرکب از يك كلمه فارسی و يك واژه خارجی است) کاغذ ویژه دستگاه‌های گیرنده و فرستنده خبر بنام تلکس. حروف کلماتی که به وسیله تکه‌های دستگاه براساس ماشین-نویسی زده شود، روی نوار بصورت سوراخ ایجاد گردد. بعد نوار از سمت دیگر با تبدیل مکانیکی بحروف بمرکز گیرنده مخابره شود. ر. ک. پنچ.

نوبت بار، مرتبه. در آگهی‌ها بکار گرفته شود (آگهی نوبت سوم یا هفتم) ر. ک. شماره آگهی.

نورد استوانه‌های چندگانه ماشین چاپ مخصوص انتقال رنگ یا مرکب بحروف و یا زینک.

نوردتاب از اصطلاحات اولیه مربوط به چاپخانه. کسی را می‌گفتند که مسئولیت نورد و حرکت دستگاه را در چاپخانه بر عهده داشت.

نویسندگی نویسندگی بمعنی اعم کلمه، در کتاب طبقه‌بندی مشاغل و حرف (نشریه وزارت کار - اداره کل مشاغل و کاریابی مورخ اسفند ۱۳۳۴) شناخته شده و از نظر طبقه‌بندی، جزو گروه مشاغل اصلی ردیف ۱-۶ و همچنین ۱-۷ آمده است.

نیازمندی‌ها عنوان صفحه‌های داخلی روزنامه‌های بزرگ:
ویژه چاپ آگهی‌های کوچک که جنبه اقتصادی داشته باشد. واحد اداره
کننده این صفحه را سازمان نیازمندی‌ها خوانند.

و

وابسته مطبوعاتی از صاحب منصبان ارشد در سفارتخانه که مطبوعات کشور محل مأموریت را زیر نظر دارد و رابط سفارت دولت متبوع خود با روزنامه‌ها و مجلات آن کشور باشد. یکی از افرادگروه دیپلماتیک بحساب آید.

ورزشی عنوان کلی باشد برای خبر، مطلب، عکس و تفسیر درباره کل یا رشته‌ای از ورزش. صفتی برای مجله یا هفته‌نامه‌ای ویژه ورزش و مسائل آن.

ورساد^۱ (واژه روسی) از وسائل حروفچینی دستی که در يك دست نگهداشته شده و با دست دیگر حروف منتخب از گارسه بترتیب در آن قرار گیرد. هر وقت که پر شود، سطرهاى چیده شده داخل آن، به‌روی میز انتقال داده شود و زیر هم قرار گیرد.

ورق اصطلاحی برای يك برگ کاغذ. ر. ک. کاغذ.

ورق‌انداز از اصطلاحات اولیه مربوط به چاپخانه. ر. ک. کاغذ

یده.

1- Verssad

ورق‌پاره واژه‌ای در جهت تحقیر مطبوعات. روزنامه کثیف و فحاش را گویند. ر. ک. روزنامه.

وسائل ارتباط جمعی ر. ک. ارتباط جمعی.

وصال (بر وزن کفاش) کسی را گویند که فرمها و اوراق مجله و کتاب را به هم دوزد و یا چسباند.

وقایع‌نگار عنوان روزنامه‌نگار در گذشته دور. ر. ک. روزنامه‌نویس.

ویراستار اصطلاح جدید مطبوعاتی: جانشین کلمه انگلیسی/فرانسوی ادیتور. کسی را گویند که دوباره‌خوانی، تصحیح، تنظیم و یکنواخت کردن متن مقاله یا کتابی را بر عهده داشته باشد. این واژه از دهه ۱۳۴۵/۵۵ مرسوم گشته ولی هنوز تعمیم نیافته و جا نیفتاده است.

ویزیتور^۲ (واژه خارجی) کسی را گویند که برای تهیه آگهی و رپورتاژ بمؤسسات و مراکز تجاری و غیره و یا به اشخاص مراجعه کند و آگهی گیرد. درصد معینی از بهای آگهی دستمزد او محسوب شود. ویزیتور مطبوعاتی تلقی نشود. ر. ک. آگهی‌یاب.

ویژه خبرهای محرمانه و مخصوص را گویند. تعمیم ندارد. کلماتی نظیر محرمانه و سری و امثال آن هنوز بیشتر معمول باشد.



هایدلبرگ^۱ (واژه خارجی) نام نوعی از ماشین‌های جدید چاپ مسطح و افست با کیفیت خوب که در ایران مورد استفاده اغلب چاپخانه‌ها باشد.

هرم وارونه از شیوه‌های جدید و موفق نگارش خبر / مطلب در روزنامه‌نگاری که در آن، اول جالب‌ترین و مهمترین قسمت موضوع از نظر خواننده گذرد و بعد سایر قسمت‌های آن. ر. ک. بیان تاریخی.

هفتگی مجله / نشریه‌ای که در چندین صفحه و هر هفته یک شماره، در روز معین منتشر شود. مجلاتی هم که استثنائاً دو شماره در هفته داشته باشند دارای همین صفت باشند.

هفته‌نامه نشریه‌ای که در شکل و هیأت روزنامه، هفته‌ای یک شماره در روز معین انتشار یابد.

هل^۲ (واژه خارجی) قدیمی‌ترین نوع دستگاه خودکار گیرنده خبر. خبرگزاری دولتی ایران نیز سالها از این نوع دستگاه استفاده می‌کرد. مؤلف در دهه ۲۰ که برای آن خبرگزاری ترجمه می‌کرد

1- Hidelbergge 2- Hele

خبرها را از روی نوار باریک دستگاه هل بفارسی برمی‌گرداند. ر.ك. تلکس خبرگزاری.

هلیوگرافور۲ (واژه خارجی) از انواع ماشین‌های چاپ برای تیراژهای زیاد و کار رنگی با کیفیت عالی. پیچیده و پرکار باشد. کسانی که برای آن و با آن کار کنند باید ورزیده و آگاه و کاردان باشند.

همتا در اصطلاح مطبوعاتی مقامات هم منصب و همدیف را گویند. (وزیر فرهنگ روز گذشته بدعوت همتای ژاپنی خود به توکیو رفت).

هوائی روزنامه / مجله‌ای را که روی کاغذهای نازک بچاپ رسد و بوسیله پست هوائی به‌خارج از کشور ارسال گردد، گویند.

هوچیگری کوشش در جلوه دادن بیش از حد و خلاف موضوع. سعی در صحیح نمایاندن اشتباه و برعکس. دزدیدن عقل خواننده روزنامه.

هیأت تحریری کل گروه نویسندگان، خبرنگاران، مترجمین، مفسرین، و عکاس‌ها توأم با دبیرها و سردبیر در يك نشریه. این گروه را اکثراً هیئت تحریریه هم گویند و نویسند. گروه نویسندگان و شورای نویسندگان نیز خوانده شوند. هر فرد آن را «عضو» گویند.

ی

یادداشت روز از عناوین کلی نشریه. ر. ك. سرمقاله.

يكرو چاپ يك طرف صفحه يا فرم. ر. ك. دورو.

يك كاسه عمل خلاصه کردن چند خبر مربوط به هم و تنظیم يك خبر از مجموع آنها را گویند.

يومية روزانه. نشریه‌ای که هر روز، باستثنای ایام تعطیل، در قطع و ساعت معین انتشار یابد.

یونایتدپرس^۱ نام يك خبرگزاری بین‌المللی. تأسیس بسال ۱۹۰۷ م. پس از نیم قرن با يك سرویس خبرگزاری دیگر درآمیخت و بصورت امروزی بنام «یونایتدپرس اینترنشنال» درآمد. بیش از ۸۰ کشور و ۷۵۰۰ روزنامه و رادیو و تلویزیون مشترك دارد. تعداد خبرنگاران و کارمندان آن در ۸۵ کشور بالغ بر ۲۰،۰۰۰ نفر است و تقریباً به ۵۰ زبان خبر فرستد. ر. ك. خبرگزاری.

1- United Press

**بعضی از اسم‌ها و واژه‌های غیر فارسی متداول در
روزنامه‌نگاری فارسی**

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
Abonné	۱۲
Abonnement	۱۲
Acid	۱۸
A.F.P.	۱۵
Agence	۱۳
Agent	۱۳
A.P.	۱۶
Anglophille	۱۵
Archives	۱۲
Avarie	۱۵
Babooshka	۲۵
Band	۲۵
Belote	۲۵
Berthold	۲۵
Bobine	۲۵
Brochure	۲۵
Buletine	۲۵
Cadre	۱۱۹

فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
Caricature	۱۲۰
Caricaturist	۱۲۰
Cellophone	۹۴
Censure	۸۹
Chaussie	۹۸
Chemise	۱۰۱
Cicero	۹۷
Chutk	۵۷
Cliché	۱۲۲
Clichéographe	۱۲۳
Composer	۱۲۱
Compugraph	۱۲۲
Cylandre	۹۷
Did	۷۶
D.P.A.	۷۴
Encadre	۱۵
Eshboon	۱۸
Fantaisie	۱۱۴
Fiche	۱۱۶
Forme	۱۱۳
Galingore	۱۲۶
Garse	۱۲۵
Garse Babooshka	۱۲۵
Gazzette	۱۲۵
Germanophile	۸۷
Gravure	۱۲۶
Grublee	۱۲۷
Guadraad	۱۲۸
Hele	۱۵۳

عنوان	صفحه
Heliogravure	۱۵۴
Hidel Bergge	۱۵۳
Intertype	۲۳
Intrigue	۱۵
Iranic	۲۳
Italic	۲۳
Kyosque	۱۲۴
Layout	۱۲
Leed	۱۳۳
Letraset	۱۳۱
Linotrone	۱۳۱
Linotype	۱۳۰
Lithographie	۱۳۳
Ludlu	۱۳۲
Magazine	۱۳۶
Masque	۱۳۵
Matrix	۱۳۶
Microfilm	۱۴۵
Mise-En-Page	۱۲
Monitoring	۱۴۴
Monophoto	۱۴۳
Monotype	۱۴۳
Pantographe	۳۲
Paragraphe	۳۳
Pedrooshka	۳۳
Perforage	۳۳
Phlandre	۱۱۵
Photo Journalisme	۱۱۴
Plaque	۳۴

فرهنگ اصطلاحات روزنامه نگاری

عنوان	صفحه
Plate	۳۵
Politics	۳۷
Policopy	۳۵
Ponte	۳۶
Presse	۳۳
Programme	۳۴
Propaganda	۳۴
Punch	۳۵
Offset	۲۱
Operator	۲۳
Organe	۱۷
Ramka	۷۷
Ranga	۷۷
Raportage	۷۸
Raporte	۷۷
Real	۷۷
Rebelote	۲۵
Regulete	۸۰
Reportter	۷۹
Retouch	۷۹
Reuter	۸۴
Rotatif	۷۹
Rotative	۷۹
Russophille	۸۳
Scanner	۱۸
Schippsie	۱۰۱
Service	۹۳
S. Medium	۹۴
Sous-Titre	۹۶
Sujet	۹۶

فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
Syndicat	۹۵
Tass	۴۵
Telephoto	۴۶
Teletype	۴۵
Telex	۴۵
Tirage	۴۹
Tirage-A-Part	۴۹
Titre	۴۹
Tumplatt	۴۶
Turnette	۶۷
United Press	۱۵۵
Uskul	۲۳
Verssad	۱۵۱
Visitor	۱۵۲
Zinc	۸۶

آثار و ترجمه‌های منتشر شده مؤلف

- ۱- بر باد رفته (از مارگریت میچل) سه چاپ
- ۲- اولیور توئیست (از چارلز دیکنز) سه چاپ
- ۳- جین ئر (از شارلوت برونته) دو چاپ
- ۴- رمز موفقیت در زندگی (از دیل کارنگی)
- ۵- مونفلت
- ۶- شخصیت (از لوئی آرتون)
- ۷- سرگذشت من (اتو بیوگرافی مهاتما گاندی) شش چاپ
- ۸- به دانشجویان (از مهاتما گاندی)
- ۹- کلمات قصار مهاتما گاندی
- ۱۰- کابلی والا (از رابیندرنات تاگور)
- ۱۱- گرامر زبان انگلیسی (جزوه)
- ۱۲- گرامر انگلیسی پیشبر (با همکاری جمشید پیشدادی)
- ۱۳- همه دوستی
- ۱۴- تولستوی و گاندی (بصورت پاورقی در هفته‌نامه بامشاد چاپ تهران)
- ۱۵- محاکمات نهرو (بصورت پاورقی در هفته‌نامه بامشاد چاپ تهران)
- ۱۶- منتخب سخنرانیهای رادا کریشنان درجهان (بصورت سلسله‌مقالات در روزنامه پارس چاپ شیراز)
- ۱۷- هند که پیش می‌رود
- ۱۸- کتاب سفید هند

- ۱۹- حقایق در باره هند
- ۲۰- آنچه باید درباره هند دانست
- ۲۱- رقصهای محلی هند
- ۲۲- رقص باستانی هند از نظر هنر
- ۲۳- حقایق هند
- ۲۴- مسئله کشمیر
- ۲۵- مسلمانان در هند
- ۲۶- موفقیت‌های هند
- ۲۷- اساس فرهنگ هند
- ۲۸- هند
- ۲۹- تجدید عهد
- ۳۰- سیری در مطبوعات ایران
- ۳۱- مطبوعات ایران ۱۳۴۳-۵۳
- ۳۲- چگونه روابط عمومی کنیم
- ۳۳- صدای يك دست (این کتاب از چاپ دوم زیر عنوان «گوشت ذن استخوان ذن» انتشار یافت) سه چاپ
- ۳۴- داستان زندگی ماری کوری (از رابرت ریید)
- ۳۵- رساله تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ (مجله آینده چاپ تهران. سال ۱۳۶۳)
- ۳۶- رساله مطبوعات غیر فارسی در ایران (قسمت اول - مجله آینده چاپ تهران. سال ۱۳۶۶)
- ۳۷- فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری فارسی

فهرست انتشارات بهجت

- | | |
|---|--|
| <p>نوشتۀ ابوالقاسم پاینده
گردآوری و ترجمۀ ابوالقاسم
حالت</p> | <p>۱- علی ابرمرد تاریخ
۲- کلمات قصار حضرت علی
(ع) - به زبانهای عربی،
فارسی و انگلیسی -</p> |
| <p>گردآوری و ترجمۀ ابوالقاسم
حالت</p> | <p>۳- کلمات قصار حضرت حسین
(ع) - به زبانهای عربی،
فارسی و انگلیسی -</p> |
| <p>سخنان شیخ ابوالحسن خرقانی
بکوشش و نگارش عبدالرفیع
حقیقت (رفیع)
نوشتۀ خانم ملک فردین حسینی</p> | <p>۴- نورالعلوم
۵- فروغ التجوید (روش آسان
در خواندن قرآن)
۶- گویا (زندگی فرانسیسکو
گویا نقاش اسپانیایی)
۷- سرگذشت من (مهاثماگاندی)</p> |
| <p>نوشتۀ ژان فرانسوا شاپرن
ترجمۀ دکتر هوشمند ویژه
نوشتۀ مهاثماگاندی
ترجمۀ مسعود برزین
نوشتۀ مسعود برزین
نوشتۀ مسعود برزین
گردآوری و ترجمۀ مسعود برزین</p> | <p>۸- مطبوعات ایران ۴۳-۵۳
۹- چگونه روابط عمومی کنیم
۱۰- گوشت ذن استخوان ذن
(۱۱۲ داستان ذن)</p> |

- ۱۱- طریقت ذن نوشته آلن واتس
ترجمه دکتر هوشمند ویژه
- ۱۲- روانکاوی و ذن بودیسم نوشته اریک فروم و دکتر سوزوکی
ترجمه نصراله غفاری
- ۱۳- جامعه سالم نوشته اریک فروم
ترجمه اکبر تبریزی
- ۱۴- انسان برای خویشتن نوشته اریک فروم
ترجمه اکبر تبریزی
- ۱۵- تضادهای درونی ما نوشته کارن هورنای
ترجمه محمد جعفر مصفا
- ۱۶- عصبيت و رشد آدمی نوشته کارن هورنای
ترجمه محمدجعفر مصفا
- ۱۷- خودکاوی نوشته کارن هورنای
ترجمه کامبیز پارسای
- ۱۸- دختر کشیش نوشته جرج اورول
ترجمه غلامحسین سالمی
- ۱۹- آس و پاسها نوشته جرج اورول
ترجمه اکبر تبریزی
- ۲۰- سالار مگسها نوشته ویلیام گلدینگ
ترجمه محمدعلی حمید رفیعی
- ۲۱- کونولدردی (به زبان ترکی) اثر حمید سید نقوی (حامد)
گردآوری و تصحیح حمید سید نقوی (حامد)
- ۲۲- گزیده آثار صائب تبریزی
- ۲۳- تاریخ جمعیت‌های سری و جنبشهای تخریبی نوشته دکتر محمد عبدالله عنان
ترجمه علی هاشمی حائری
- ۲۴- اگر جنگ ادامه یابد نوشته هرمان هسه
ترجمه ن. غفاری و د. دیانتي
- ۲۵- دامستان زندگی ماری کوری نوشته رابرت ریید
ترجمه مسعود برزین

- ۲۶- کاشفان
 نوشته دانیل بورستین
 ترجمه اکبر تبریزی
- ۲۷- سلطان العارفين بايزيد
 بسطامي
 ۲۸- فرهنگ اصطلاحات روز-
 نامه نگاری فارسی
- ۲۹- جاودانگی حیات (اسپیریتمیزم)
 نوشته ژاک لانتیه
 ترجمه مصطفی موسوی
 (زنجانی)
- ۳۰- داستان هنر موسیقی
 نوشته کارتر هارمن
 ترجمه فرهاد مؤمنی

Terminology
of
Persian Journalism
(A Dictionary)

By
A. M. Barzin

Behjat Publications

Tehran, 1988

